



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

جوان؛ انتظارات و مسئولیتها



محمد احسانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جوان، انتظارات و مسولیت ها

نویسنده:

محمد احسانی

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۱	جوان، انتظارات و مسولیت ها
۱۱	مشخصات کتاب
۱۱	اشاره
۱۳	فهرست مطالب
۲۲	دیبچه
۲۴	پیش گفتار
۲۷	فصل اول: کلیات
۲۷	اشاره
۲۷	۱. طرح مسئله
۲۹	۲. اهمیت موضوع
۳۰	۳. پرسش های پژوهش
۳۰	اشاره
۳۰	الف) پرسش اصلی پژوهش
۳۰	ب) پرسش های فرعی
۳۲	۴. فرضیه پژوهش
۳۲	۵. روش پژوهش
۳۳	۶. پیشینه پژوهش
۳۳	۷. گستره موضوع
۳۴	۸. کاربرد رسانه ای
۳۴	۹. مفهوم شناسی
۳۴	اشاره
۳۴	الف) جوان
۳۷	ب) انتظارات

۳۸ (ج) مسئولیت
۳۹ فصل دوم: اهمیت و ویژگی های جوان
۳۹ اشاره
۳۹ ۱. اهمیت جایگاه جوان در اسلام
۳۹ اشاره
۳۹ الف) اهمیت جایگاه جوان در قرآن
۴۲ ب) اهمیت جایگاه جوان در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۴۴ ج) اهمیت جایگاه جوان در سیره امامان معصوم (ع)
۴۵ د) آغاز مسئولیت پذیری
۴۷ هـ) پرسش ویژه از دوره جوانی
۴۸ و) ظهور امام زمان (ع) به صورت جوان
۴۹ ز) بعثت پیامبران در جوانی
۵۱ ۲. ویژگی های جوان
۵۱ اشاره
۵۱ الف) ویژگی های جسمانی
۵۱ اشاره
۵۱ یک - قدرت و توان بدنی
۵۳ دو - قدرت تصمیم گیری و اجرا
۵۵ سه - قدرت کار و خدمت رسانی
۵۷ ب) ویژگی های عاطفی و روانی
۵۷ اشاره
۵۷ یک - تربیت پذیری
۶۰ دو - رشد فکری و عقلی
۶۳ سه - نشاط و شادابی
۶۴ چهار - زیبایی خواهی
۶۶ پنج - خودآرایی

۶۹	شش _ غرور و خودبینی
۷۰	هفت _ بلندهمتی
۷۲	هشت _ آرزومندی
۷۴	ج) ویژگی های اجتماعی
۷۴	اشاره
۷۴	یک _ الگوپذیری
۷۷	دو _ دوست خواهی
۸۰	سه _ خلاقیت و نوآوری
۸۳	فصل سوم: جوان و انتظارات
۸۳	اشاره
۸۳	۱. انتظارات جوان از خانواده
۸۳	اشاره
۸۴	الف) انتظار شناخت و درک جوان از سوی خانواده
۸۷	ب) انتظار تأمین نیازهای جوان به وسیله خانواده
۸۷	اشاره
۸۷	یک _ تأمین نیازهای عاطفی
۸۷	اشاره
۸۸	اول _ نیاز به مهر و محبت
۹۱	دوم _ نیاز به تکریم و احترام
۹۳	دو _ تأمین نیازهای طبیعی و جنسی
۹۳	اشاره
۹۳	اول _ نیاز به تفریح و گردش
۹۵	دوم _ نیاز به ازدواج
۹۸	سه _ تأمین نیازهای مالی
۹۸	اشاره
۹۸	اول _ نیازهای اقتصادی

- دوم _ نیاز به وسایل رفاهی ۱۰۰
- سوم _ نیاز به اتاق جداگانه ۱۰۲
۲. انتظارات جوان از جامعه ۱۰۳
- اشاره ۱۰۳
- الف) انتظارات فردی ۱۰۴
- اشاره ۱۰۴
- یک _ زمینه سازی رشد استعداد های جوان ۱۰۴
- دو _ زمینه سازی ابتکار و خلاقیت جوان ۱۰۷
- ب) انتظارات علمی و فرهنگی ۱۰۸
- اشاره ۱۰۸
- یک _ زمینه سازی تحصیل جوانان ۱۰۹
- دو _ زمینه سازی مشارکت جوانان در امور فرهنگی و تربیتی ۱۱۲
- ج) انتظارات سیاسی و اجتماعی ۱۱۴
- اشاره ۱۱۴
- یک _ رایزنی با جوانان ۱۱۴
- دو _ مسئولیت دهی به جوانان ۱۱۷
- سه _ مشارکت دادن جوانان در امور سیاسی و اجتماعی ۱۱۹
- فصل چهارم: جوان و مسئولیت ها ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
۱. مسئولیت جوان در برابر خود ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
- الف) خودشناسی ۱۲۳
- اشاره ۱۲۳
- یک _ خودشناسی مادی ۱۲۴
- دو _ خودشناسی معنوی ۱۲۶
- ب) خودباوری ۱۲۷

- ج) خودسازی ۱۲۹
- د) کسب عزت مندی ۱۳۰
- هـ) دانش اندوزی ۱۳۳
- و) حفظ سلامت ۱۳۶
۲. مسئولیت جوان در برابر خداوند ۱۳۹
- اشاره ۱۳۹
- الف) شناخت خدا ۱۳۹
- ب) اهتمام به ارزش های دینی ۱۴۱
- ج) انجام دادن دستورات الهی ۱۴۳
- اشاره ۱۴۳
- یک _ عمل به واجبات الهی ۱۴۵
- اشاره ۱۴۵
- اول _ به جای آوردن نمازهای شبانه روز ۱۴۶
- دوم _ روزه ماه رمضان ۱۴۹
- دو _ عمل به مستحبات ۱۵۱
- سه _ دعا و مناجات ۱۵۳
- چهار _ ترک محرمات ۱۵۶
۳. مسئولیت جوان در برابر دیگران ۱۵۸
- اشاره ۱۵۸
- الف) مسئولیت جوان در برابر خانواده ۱۵۸
- اشاره ۱۵۸
- یک _ مسئولیت جوان در برابر پدر و مادر ۱۵۹
- دو _ مسئولیت جوان در برابر برادر و خواهر ۱۶۰
- ب) مسئولیت جوان در برابر همسایگان ۱۶۲
- ج) مسئولیت جوان در برابر جامعه اسلامی ۱۶۴
- اشاره ۱۶۴

- یک _ مسئولیت سیاسی و اجتماعی جوان ۱۶۴
- دو _ مسئولیت جوان در امور فرهنگی جامعه ۱۶۶
- سه _ مسئولیت جوان در امور اقتصادی جامعه ۱۶۸
۴. مسئولیت جوان در برابر طبیعت ۱۷۱
- اشاره ۱۷۱
- الف) مسئولیت حفظ محیط زیست ۱۷۲
- ب) صرفه جویی در نعمت های الهی ۱۷۵
- ج) استفاده بهینه از سرمایه های طبیعی ۱۷۷
- کتاب نامه ۱۸۰
- درباره مرکز ۱۸۵

جوان، انتظارات و مسولیت ها

مشخصات کتاب

سرشناسه: احسانی، محمد، ۱۳۴۱-

عنوان و نام پدیدآور: جوان، انتظارات و مسولیت ها/ نویسنده محمد احسانی؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر: قم: دفتر عقل، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری: ۱۵۲ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۶۳-۳۷-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۴۱] - ۱۴۵.

موضوع: جوانان مسلمان

موضوع: نوجوانان و جوانان -- وضع اجتماعی

موضوع: جوانان -- راه و رسم زندگی

موضوع: اسلام و خانواده

شناسه افزوده: صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۶۵/۲۳۰/BP/الف ج ۳ ۹ ۱۳۸۸

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۸۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۹۴۵۶۵

ص: ۱

اشاره

فهرست مطالب

دبیاچه ۱

پیش گفتار ۳

فصل اول: کلیات ۶

۱. طرح مسئله ۶

۲. اهمیت موضوع ۷

۳. پرسش های پژوهش ۸

الف) پرسش اصلی پژوهش ۸

ب) پرسش های فرعی ۸

۴. فرضیه پژوهش ۹

۵. روش پژوهش ۹

۶. پیشینه پژوهش ۱۰

۷. گستره موضوع ۱۰

۸. کاربرد رسانه ای ۱۱

۹. مفهوم شناسی ۱۱

الف) جوان ۱۱

ب) انتظارات ۱۳

ج) مسئولیت ۱۴

فصل دوم: اهمیت و ویژگی های جوان ۱۵

۱. اهمیت جایگاه جوان در اسلام ۱۵

(الف) اهمیت جایگاه جوان در قرآن ۱۵

(ب) اهمیت جایگاه جوان در سیره پیامبر اکرم ۹۱۷

(ج) اهمیت جایگاه جوان در سیره امامان معصوم ۷۱۹

(د) آغاز مسئولیت پذیری ۲۰

(هـ) پرسش ویژه از دوره جوانی ۲۲

(و) ظهور امام زمان ۷ به صورت جوان ۲۳

(ز) بعثت پیامبران در جوانی ۲۴

۲. ویژگی های جوان ۲۶

(الف) ویژگی های جسمانی ۲۶

یک _ قدرت و توان بدنی ۲۶

دو _ قدرت تصمیم گیری و اجرا ۲۸

سه _ قدرت کار و خدمت رسانی ۳۰

(ب) ویژگی های عاطفی و روانی ۳۲

یک _ تربیت پذیری ۳۲

دو _ رشد فکری و عقلی ۳۵

سه _ نشاط و شادابی ۳۸

چهار _ زیبایی خواهی ۳۹

پنج _ خودآرایی ۴۱

شش _ غرور و خودبینی ۴۴

هفت _ بلندهمتی ۴۵

هشت _ آرزومندی ۴۷

ج) ویژگی های اجتماعی ۴۹

یک _ الگوپذیری ۴۹

دو _ دوست خواهی ۵۲

سه _ خلاقیت و نوآوری ۵۵

فصل سوم: جوان و انتظارات ۵۸

۱. انتظارات جوان از خانواده ۵۸

الف) انتظار شناخت و درک جوان از سوی خانواده ۵۹

ب) انتظار تأمین نیازهای جوان به وسیله خانواده ۶۲

یک _ تأمین نیازهای عاطفی ۶۲

اول _ نیاز به مهر و محبت ۶۳

دوم _ نیاز به تکریم و احترام ۶۶

دو _ تأمین نیازهای طبیعی و جنسی ۶۸

اول _ نیاز به تفریح و گردش ۶۸

دوم _ نیاز به ازدواج ۷۰

سه _ تأمین نیازهای مالی ۷۳

اول _ نیازهای اقتصادی ۷۳

دوم _ نیاز به وسایل رفاهی ۷۵

سوم _ نیاز به اتاق جداگانه ۷۷

۲. انتظارات جوان از جامعه ۷۸

الف) انتظارات فردی ۷۹

یک _ زمینه سازی رشد استعدادهای جوان ۷۹

دو _ زمینه سازی ابتکار و خلاقیت جوان ۸۲

ب) انتظارات علمی و فرهنگی ۸۴

یک _ زمینه سازی تحصیل جوانان ۸۴

دو _ زمینه سازی مشارکت جوانان در امور فرهنگی و تربیتی ۸۷

ج) انتظارات سیاسی و اجتماعی ۸۹

یک _ رایزنی با جوانان ۸۹

دو _ مسئولیت دهی به جوانان ۹۲

سه _ مشارکت دادن جوانان در امور سیاسی و اجتماعی ۹۴

فصل چهارم: جوان و مسئولیت ها ۹۸

۱. مسئولیت جوان در برابر خود ۹۸

الف) خودشناسی ۹۸

یک _ خودشناسی مادی ۹۹

دو _ خودشناسی معنوی ۱۰۱

ب) خودباوری ۱۰۲

ج) خودسازی ۱۰۴

د) کسب عزت مندی ۱۰۵

هـ) دانش اندوزی ۱۰۸

و) حفظ سلامت ۱۱۱

۲. مسئولیت جوان در برابر خداوند ۱۱۴

الف) شناخت خدا ۱۱۴

ب) اهتمام به ارزش های دینی ۱۱۶

ج) انجام دادن دستورات الهی ۱۱۸

یک _ عمل به واجبات الهی ۱۲۰

اول _ به جای آوردن نمازهای شبانه روز ۱۲۱

دوم _ روزه ماه رمضان ۱۲۴

دو _ عمل به مستحبات ۱۲۶

سه _ دعا و مناجات ۱۲۸

چهار _ ترک محرمات ۱۳۱

۳. مسئولیت جوان در برابر دیگران ۱۳۳

الف) مسئولیت جوان در برابر خانواده ۱۳۳

یک _ مسئولیت جوان در برابر پدر و مادر ۱۳۴

دو _ مسئولیت جوان در برابر برادر و خواهر ۱۳۵

ب) مسئولیت جوان در برابر همسایگان ۱۳۷

ج) مسئولیت جوان در برابر جامعه اسلامی ۱۳۹

یک _ مسئولیت سیاسی و اجتماعی جوان ۱۳۹

دو _ مسئولیت جوان در امور فرهنگی جامعه ۱۴۱

سه _ مسئولیت جوان در امور اقتصادی جامعه ۱۴۳

۴. مسئولیت جوان در برابر طبیعت ۱۴۶

الف) مسئولیت حفظ محیط زیست ۱۴۷

ب) صرفه جویی در نعمت های الهی ۱۵۰

ج) استفاده بهینه از سرمایه های طبیعی ۱۵۲

کتاب نامه ۱۵۵

دیباچه

دیباچه

جوانی، بهار زندگی است، بهاری ارزشمند، بهاری پرتحرک، بهاری بارور از استعدادها، بهاری سرنوشت ساز، که بسیاری از رویش ها و شکفتن ها در این دوران شکوفا می شود. فصل جوانی فصل فروغ و درخشندگی، فصل عبادت و خودسازی، ایام مبارزه و جهاد و سازندگی، هنگام فراگیری و قبول مسئولیت، فصل بروز لیاقت ها و شایستگی هاست. به همین دلیل، از جوان انتظار می رود سرمایه های عظیم خود را در راه کشف مکارم اخلاقی و فضایل انسانی به کار بندد.

تاریخ بشر نشان می دهد رشد و بالندگی هر کشوری در گرو جوانان آن سرزمین است زیرا دوران جوانی، دوران ورود به مرحله تکلیف پذیری و پذیرش مسئولیت های فردی و اجتماعی است. در این دوره، فرد برای انجام وظایف دینی و اجتماعی رشد لازم را پیدا می کند و شایسته است از فرصت جوانی برای خودسازی و سازندگی بهره جوید و به مسئولیت های خود جامعه عمل بپوشاند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی خطاب به جوانان فرمود:

شما جوانان عزیز باید بدانید که امروز مسئولیت سنگینی بر دوش شماست و آن مسئولیت خودسازی است، خودسازی از لحاظ علمی و فکری، خودسازی از لحاظ نیروی جسمانی، خودسازی از لحاظ اصلاح اخلاقی،

خودسازی از لحاظ معرفت دینی و عمل دینی. وظیفه همه به خصوص جوانان است که این صلاحیت ها را کسب کنند. (۱)

اگر خواهان حفظ امنیت اجتماعی و سلامت اخلاقی و رشد اقتصادی و سیاسی و... جامعه دینی خود هستیم باید درباره نیروهای جوان کشور بیش از پیش سرمایه گذاری کنیم، نیازها و انتظارات آنها را از جامعه و خانواده بشناسیم تا بر اساس آن برنامه ریزی صحیحی داشته باشیم.

سودجویان و سوداگران بین المللی بیشترین تهاجم خود را بر روی این نسل متمرکز کرده اند، چنان که یکی از هدف های فرهنگی قدرت های استکباری دور کردن نسل جوان از مسئولیت هاست. بنابراین، اولیاء و مربیان و مدیران جامعه به خصوص اصحاب رسانه ملی باید ویژگی های جوانان و نیازها و مسئولیت های آنها را بشناسند تا بتوانند بر اساس نیازها و آرزوهای آنها برنامه ریزی کنند.

پژوهشگر محترم جناب آقای محمد احسانی در این پژوهش کوشیده است تا با استفاده از آیات و روایات امامان معصوم (ع) نیازها، انتظارات و مسئولیت های جوانان را تبیین کند. امید است این اثر مورد توجه برنامه ریزان و برنامه سازان و تهیه کنندگان صداوسیما قرار گیرد.

انه ولی التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

پیش‌گفتار

پیش‌گفتار

دوره جوانی، بهترین دوران زندگی و بهار عمر انسان است که در قرآن و روایات، فراوان از آن یاد شده است. داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن از نمونه‌های برجسته زندگی یک جوان باتقوا و پاک دامن است. در احادیث معصومان (ع) هم داستان‌هایی از زندگی جوانان مؤمن و باتقوا ذکر شده که بسیار ارزنده و برای نسل جوان، آموزنده است. جوان استعداد‌های فراوانی دارد که برای هدایت و استفاده درست از آن توانایی‌ها، شناخت ویژگی‌های وی لازم است. به دیگر سخن، نخست باید جوان را شناخت و از خصوصیات او آگاه شد و سپس برای رشد و بالندگی وی برنامه‌ریزی کرد تا در پرورش استعداد‌های او به توفیق لازم و شایسته دست یافت.

این پژوهش درصدد است ویژگی‌های جسمی و روحی جوان را شناسایی و آن را به اولیا و مربیان معرفی کند تا هم جوانان قدر جوانی‌شان را بدانند و توان خویش را در مسیر صحیح به کار گیرند و هم مربیان برای رشد و تکامل آنان، برنامه‌ریزی درستی داشته باشند. همچنین در آن، انتظارات جوانان از خانواده و جامعه بررسی شده است. در پایان، وظایف و مسئولیت‌هایی که جوانان در قبال آن خواسته‌ها و نیازها به عهده دارند،

برشمرده و به کاربرد هر یک از موارد یادشده در صدا و سیما، اشاره شده است.

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. طرح مسئله

۲. اهمیت موضوع

۳. پرسش های پژوهش

۴. فرضیه پژوهش

۵. روش پژوهش

۶. پیشینه پژوهش

۷. گستره موضوع

۸. کاربرد رسانه ای

۹. مفهوم شناسی

۱. طرح مسئله

۱. طرح مسئله

دوگانگی میان نسل جوان و اولیا و مریبان، به ویژه پدران و مادران، یکی از مشکلات جامعه امروزه است که خانواده ها نیز با آن درگیر هستند. دوگانگی در گفتار، اندیشه، رفتار و بسیاری از بخش های زندگی. اهمیت ندادن به پدران و مادران، نادیده گرفتن حقوق آنان و احترام نگذاشتن به آنها، در بسیاری از خانواده ها دیده می شود که مهم ترین عامل این مسئله، وجود دوگانگی میان نسل قدیم و جدید و نرسیدن آنها به درک و شناخت از همدیگر است.

با بررسی و ریشه یابی دقیق علمی این مسئله، علل آن، شناسایی و راهکارهایی برای درمانش یافت می شود. به نظر می رسد بسیاری از مشکلات موجود میان فرزندان و پدران و مادران در محیط خانواده و اجتماع، ناشی از درست نشناختن جوان،

ویژگی ها، نیازها و انتظارات اوست که منشأ بدرفتاری و پرخاشگری وی می شود. این نوشتار به بررسی این موضوع می پردازد تا آغازی باشد برای پژوهش های بیشتر و عمیق تر در زمینه جوان شناسی و مسائل مربوط به نسل جوان. اگر اولیا و مربیان و

مدیران جامعه، از جوانان و آرزوهای آنان شناخت کافی داشته باشند و به نیازهای آنان پاسخ بدهند، جوانان نیز ضمن هماهنگی با آنان به وظایف خود عمل خواهند کرد. در نتیجه، شکاف موجود میان نسل قدیم و جدید _ که عامل بسیاری از نابسامانی ها است _ به تدریج از میان خواهد رفت، چنان که سیره معصومان(ع) نشان دهنده اهتمام و توجه ایشان به جوانان است.

۲. اهمیت موضوع

۲. اهمیت موضوع

هدف و اهمیت موضوع تا حدودی از بیان مسئله روشن شد و به تبیین دوباره آن نیاز نیست، ولی به نظر می رسد برای تأکید بیشتر، طرح مجدد هدف ها و ضرورت بحث از نگاه دیگر، مفید باشد. امروزه تهاجم فرهنگی، وجود ابزار و راه های بی شمار آسیب زا در محیط اجتماعی و فرهنگی و در دسترس بودن انواع رسانه های ارتباطی از یک سو و آسیب پذیری نسل جوان از سوی دیگر، اهمیت و ضرورت پرداختن به مسائل مربوط به جوانان و زمینه سازی تربیت درست آنان را بیش از هر زمان دیگر ایجاب می کند. به یقین، تربیت دینی و اسلامی نسل جوان از مهم ترین مسائل روز است و هرگونه کوتاهی یا کم اهمیت جلوه دادن آن، پی آمدهای جبران ناپذیری به همراه خواهد داشت.

برخورداری از امنیت اجتماعی، سلامت اخلاقی، رشد اقتصادی و دیگر مسائل اساسی و زیربنایی جوامع انسانی به پرورش نیروهای مؤثر و کارآمد بستگی دارد. نسل جوان، تأمین کننده نیروهای مفید در هر جامعه است و باید برای رشد علمی و اخلاقی آنان تلاش کرد و زمینه های تکامل همه جانبه آنها را فراهم ساخت.

پس، هرکس در حد توان خود (چه در زمینه علمی و پژوهشی و چه در امور عملی و کاربردی) باید در جهت ترقی نسل جوان گام بردارد؛ زیرا رشد جسمی و روحی جوانان به پیشرفت جامعه کمک می کند.

امام خمینی رحمه الله درباره تربیت جوانان می فرماید:

اگر جوانان یک جامعه تربیت اسلامی و قرآنی شوند، بسیاری از مشکلات اجتماعی و فرهنگی جامعه برطرف می گردد. کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ اسلامی درست کنید. جوان هایی که در این فرهنگ تربیت می شوند، همان هایی هستند که مقدرات کشور در دست آنهاست. اگر اینها درست بار بیایند، همه خدمت گزار به مردم، امین بیت المال باشند، سعادت جامعه تأمین می شود و همه اینها تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می کنند. (۱)

بر این اساس، موضوع حاضر (جوان، انتظارات و مسئولیت ها) به منظور شناخت بهتر و جامع تر جوانان و درک نیازهای آنان و معرفی الگویی مناسب برای نسل جوان تهیه شده است.

۳. پرسش های پژوهش

اشاره

۳. پرسش های پژوهش

زیر فصل ها

الف) پرسش اصلی پژوهش

ب) پرسش های فرعی

الف) پرسش اصلی پژوهش

الف) پرسش اصلی پژوهش

جوان چه ویژگی هایی دارد و انتظارات او از خانواده و جامعه چیست و چه مسئولیت هایی دارد؟

ب) پرسش های فرعی

ب) پرسش های فرعی

۱. دوره جوانی از نظر اسلام چه اهمیتی دارد؟

۱- سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله، ۱۳۷۸، ج ۸، ص ۸۹.

۲. ویژگی های جسمانی، عاطفی، عقلانی و اجتماعی چه تأثیری در جوان دارند؟

۳. نیازهای جوان چیست و چگونه باید آنها را تأمین کرد؟

۴. وظایف جوان در برابر خانواده، همسایه و دوست چیست؟

۵. کاربرد پژوهش در صداوسیما چیست و چه کمکی می تواند به برنامه سازی داشته باشد؟

۴. فرضیه پژوهش

۴. فرضیه پژوهش

دین اسلام اهمیت ویژه ای برای دوره جوانی و جوان قائل است و این مطلب را از آیات قرآن، روایات اسلامی، سیره معصومان(ع) و دیدگاه های دانشمندان مسلمان به خوبی می توان دریافت. بنابراین، می توان جوان را بر اساس متون دینی شناخت؛ انتظارات و مسئولیت های او را معین کرد و به پرسش های تحقیق پاسخ مناسب داد.

۵. روش پژوهش

۵. روش پژوهش

هر پژوهشی براساس منابع مورد نیاز، روش ویژه ای می طلبد که از ابتدا تا پایان اثر به کار رود. این تحقیق، بیشتر، از منابع نقلی مانند: آیات و روایات و نیز علوم جدید از جمله روان شناسی بهره گرفته است. از این رو، روش توصیفی و تحلیلی را شیوه کار خود قرار داده و مراحل جمع آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل و پردازش و تدوین متن را پیموده است؛ زیرا شیوه یادشده، مناسب ترین روش در پژوهش های کتاب خانه ای است.

۶. پیشینه پژوهش

۶. پیشینه پژوهش

گفتنی است کتاب های متعددی درباره جوان و امور مربوط به او تدوین شده، ولی هیچ یک انتظارات و مسئولیت های جوان در قبال خانواده و جامعه را جداگانه بررسی نکرده است. این پژوهش ابتدا ویژگی های جوان و سپس انتظارات و مسئولیت های او را به صورت مقایسه ای بررسی می کند که در نوع خود کاری تازه است. همچنین کاربرد رسانه ای این پژوهش، کار نو و ابتکاری است که در تحقیقات پیش از این وجود نداشته است. البته مطالب پراکنده ای در منابع مختلف وجود داشته که به عنوان منبع از آنها استفاده شده است.

۷. گستره موضوع

۷. گستره موضوع

موضوع این پژوهش، جوان و مسائل مربوط به اوست که جنبه های مختلفی دارد. محورهای عمده این تحقیق عبارتند از: خصوصیات و نیازهای جوان و جنبه های گوناگون آن، نظیر: بعد عاطفی، شناختی و رفتاری. محور دیگر، انتظارات جوان از خانواده و جامعه است که در قالب های کاربردی، برای عموم، به ویژه نسل جوان بیان شده است.

وظایف یا مسئولیت های جوان در برابر خدا، خانواده، جامعه و طبیعت از مهم ترین جنبه های موضوع پژوهش است که با توجه به آیات و روایات و یافته های علوم روان شناختی و تربیتی بررسی خواهد شد. همچنین به مسئولیت جوان در قبال خود، می پردازیم، که جوان در برابر جسم و روح و جوانی خویش چه وظایفی دارد.

۸. کاربرد رسانه ای

۸. کاربرد رسانه ای

هدف از تدوین این نوشتار، استفاده در صدا و سیما است. در این پژوهش، کاربرد در صدا و سیما با عنوان «همراه با برنامه سازان»، در پایان کتاب نخواهد آمد، بلکه شیوه کاربرد هر موضوع، جداگانه برای برنامه سازان بیان می شود. شاید این روش بهتر از بیان کاربرد در صدا و سیما به صورت مستقل و بخش جداگانه باشد، چون از روش کاربرد موضوع های خاص در صداوسیما غفلت می شود و کاربرد هر موضوع باید در رسانه تبیین شود.

۹. مفهوم شناسی

اشاره

۹. مفهوم شناسی

زیر فصل ها

الف) جوان

ب) انتظارات

ج) مسئولیت

الف) جوان

الف) جوان

واژه «جوان» ترجمه واژگان عربی «شاب» و «فتی» است و در زبان فارسی به معنایی چون: بُرنا، نوحاسته، به سن بلوغ رسیده، رشد یافته و هر چیزی که اندک زمانی از عمر آن گذشته باشد، به کار رفته است. (۱) جوان و جوانی بر اساس دیدگاه ها و فرهنگ های مختلف، مفهوم وسیع و گسترده ای به خود می گیرد و معنای متفاوت پیدا می کند. روان شناسان دوره سنی ۱۷ تا ۳۰ سالگی را دوره جوانی می نامند و آن را با ورود به دانشگاه و آشنایی بیشتر فرد با تفکر منطقی، هم زمان می دانند. (۲)

در فرهنگ های عمومی مردم، عوامل بسیاری چون: تأهل، تجرد، شغل، سن ازدواج، هم بستگی گروهی با همسالان و تضاد نسل ها، در تعیین حد و

۱- علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، واژه «جوان»؛ آذرنوش آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی-

فارسى، تهران، نشر نى، ۱۳۸۱، واژه «شاب» و «فتى».

۲- محمدرضا شرفى، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، ۱۳۸۰، ص ۱۴.

مرز مفهوم جوان نقش دارند. (۱) این محدوده سنی (هفده تا سی سالگی) در بعضی جوامع به افرادی اطلاق می شود که دارای خصوصیات زیر هستند: نسبت مجرد در میان آنان بالاست؛ اوقات فراغت بیشتری دارند؛ مشغول به تحصیل هستند؛ از هم بستگی گروهی زیادی برخوردارند و خود را جزو نسل جدید می دانند. (۲) به نظر برخی دیگر، جوان (۳) به فردی گفته می شود که از نظر فکری، اندکی با خانواده فاصله دارد و هنوز به آن درجه از استقلال مادی و اقتصادی نرسیده است که بتواند خانواده مستقل تشکیل دهد و آن را اداره کند. (۴)

به هر صورت، تعیین دقیق دوره جوانی مشکل است و نمی توان مرز آن را با دوره های دیگر به طور دقیق معین کرد؛ چون در این مورد، میان اندیشمندان اتفاق نظر وجود ندارد. در این گفتار، جوان به کسی اطلاق می شود که دوره کودکی و نوجوانی را سپری کرده و وارد مرحله تازه ای به نام «جوانی» شده است؛ یعنی از نظر جسمی، فکری، روحی و روانی در حدی است که می تواند بیندیشد، جوانب امر را بررسی و ارزیابی کند، تصمیم بگیرد و آن تصمیم را به اجرا بگذارد. همان گونه که ابراهیم خلیل (ع) پس از دوره نوجوانی با اندیشه تصمیم گرفت که بت ها را بشکند و آن تصمیمش را به اجرا گذاشت و بت ها را شکست. قرآن کریم در این زمینه می فرماید: «قَالُوا سَمِعْنَا فَتًی يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ اِبْرَاهِيمُ؛ گفتند: شنیدیم جوانی از آنها [به بدی] یاد می کرد که به او ابراهیم گفته می شود.» (انبیا: ۶۰) این سخن را زمانی گفتند

۱- منوچهر پهلوان، جامعه شناسی جوانان، بابل، کمال الملک، ۱۳۸۴، ص ۴.

۲- جوان و بحران هویت، ص ۱۴.

۳- Yung.

۴- جامعه شناسی جوانان، ص ۳.

که قوم حضرت ابراهیم(ع) با بت های شکسته روبه رو شده بود. شاید ابراهیم(ع) در زمان شکستن بت ها به لحاظ سنی با آنچه از تعریف جوان در کلام روان شناسان آمده، تطابق نداشته باشد، ولی روشن است که از نظر جسمی و روحی _ روانی، فردی بالغ و جوان بوده و از این رو، در قرآن به او جوان (فتی) اطلاق شده است.

ب) انتظارات

ب) انتظارات

این واژه جمع «انتظار» از ریشه «نظر» به معنای توقع، چشم داشت، چشم به راه بودن و منتظر کسی بودن است. (۱) در اصطلاح و عرف مردم نیز به کسی اطلاق می شود که توقع و چشم داشتی از دیگران دارد و منتظر این است که به او توجه شود یا کمکی در حق او انجام گیرد. در این نوشتار، منظور از انتظارات، توقعات متقابل جوان و خانواده و جوان و جامعه از همدیگر است.

نکته قابل توجه، مفهوم دو سویه انتظار است، به این معنا که یک سری توقعاتی جوان از خانواده و اجتماع دارد و انتظاری نیز خانواده و جامعه از جوان دارند. هر یک از این توقعات مهم است و باید بدان ها توجه شود. از این رو، هم جوان باید به انتظارات خانواده و جامعه پاسخ دهد و هم خانواده و جامعه باید به نیازها و انتظارات مشروع جوان جواب دهند. اگر هر یک از این نهادها به انتظارات همدیگر اهمیت دهند و در صدد تأمین آن باشند، فاصله فرهنگی موجود میان نسل جوان و نسل قدیم کاهش می یابد و بسیاری از مشکلات اجتماعی حل خواهد شد.

۱- فرهنگ معاصر عربی- فارسی، واژه «نظر».

ج) مسئولیت**ج) مسئولیت**

کلمه مسئولیت از ماده «سأل» (۱) گرفته شده و به معنای «پاسخ گو بودن در برابر چیزی» یا «در معرض بازخواست بودن» آمده است که با «وظیفه» تلازم دارد. (۲) هر جا سخن از مسئولیت باشد، وظیفه نیز مطرح است؛ زیرا مسئولیت پذیری ایجاد وظیفه می کند و فرد مسئول باید در حوزه مربوط به وظایفش عمل کند. از اینجاست که از فرد مسئول پرسش و بازخواست می شود که به وظایفش عمل کرده است یا نه؟

مسئولیت در اصطلاح و عرف جامعه، نزدیک به همان معنای لغوی به کار می رود و منظور از آن در این گفتار، عبارت است از: وظایف دینی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی که به عهده فرد گذاشته می شود و او باید به آن عمل کند و ممکن است آن وظایف در محیط خانواده، مدرسه و اجتماع شکل بگیرد؛ زیرا انسان در برابر دیگران وظایف گوناگونی دارد. جوانان با توجه به توانایی های خاص خود مسئولیت های گوناگونی در قبال خانواده و جامعه دارند و آنان باید با شناخت درست آن وظایف، در عمل کردن به آن نیز کوشا باشند.

۱- ۱. ابراهیم انیس، المعجم الوسیط، قاهره، ۱۳۹۲ هـ. ق، واژه «سأل».

۲- ۲. مجتبی مصباح، فلسفه اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمه الله، ۱۳۸۱، ص ۱۸۵.

فصل دوم: اهمیت و ویژگی های جوان

اشاره

فصل دوم: اهمیت و ویژگی های جوان

جوان به دلیل خصوصیات جسمی و روانی، از دیگران متمایز و سزاوار تمجید است. هر یک از این خصوصیات، مهم و درخور توجه است و باید جداگانه بررسی شود. از آنجا که در این نوشتار فرصت محدود است و نمی توان به همه ویژگی های جوان پرداخت، ناگزیر به مهم ترین آنها _ که به لحاظ تربیتی و اجتماعی، آثار سازنده ای دارند _ اشاره می شود.

۱. اهمیت جایگاه جوان در اسلام

اشاره

۱. اهمیت جایگاه جوان در اسلام

زیر فصل ها

الف) اهمیت جایگاه جوان در قرآن

ب) اهمیت جایگاه جوان در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

ج) اهمیت جایگاه جوان در سیره امامان معصوم(ع)

د) آغاز مسئولیت پذیری

هـ) پرسش ویژه از دوره جوانی

و) ظهور امام زمان(ع) به صورت جوان

ز) بعثت پیامبران در جوانی

الف) اهمیت جایگاه جوان در قرآن

الف) اهمیت جایگاه جوان در قرآن

جوان در فرهنگ اسلام از جایگاه والایی برخوردار است و جوانی بهترین دوره زندگی انسان به شمار می رود. در قرآن و

حدیث، تعبیرهایی گوناگون نظیر «فتی» (۱) و «شاب» (۲) درباره جوان و واژه «أشد» (۳) برای دوره جوانی به کار رفته است.

۱- «قَالُوا سَيَجْعَلُنَا فِتًى يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَاهِيمُ؛ گفتند: شنیدیم جوانی از آنها [به بدی] یاد می کرد که به او ابراهیم گفته می شود». (انبیاء: ۶۰)

۲- «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَحِبُّ الشَّابَّ التَّائِبَ؛ خداوند جوان توبه کننده را دوست دارد». (منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰، واژه «شاب»، ص ۲۶۶)

۳- «لَتَبْلُغُوا أَشَدَّكُمْ؛ تا به کمال نیرومند خود برسید». (غافر: ۶۷)

قرآن کریم، زندگی آدمی را به سه دوره طفولیت، بلوغ و پیری تقسیم می کند که بهترین آن دوره ها، دوره جوانی است: «...ثُمَّ يَخْرِجُكُمْ طِفْلاً ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخاً...» ... و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی آید تا به کمال قوت خود برسید، و سپس تا سالمند شوید». (غافر: ۶۷)

کلمه «أشُدَّ» از «شُدَّ» به معنای شدت و قوت است که در برخی جاها، در مورد تحکیم نیروی جسمی و رشد قوای نفسانی انسان به کار رفته است. (۱) واژه «أشُدَّ» در این آیه با فعل «تبلغوا» به کار رفته و فاصله میان کودکی و پیری را نشان می دهد که همان دوره جوانی است.

خداوند درباره حضرت موسی (ع) می فرماید: «وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَى آتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا...»؛ و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم...». (قصص: ۱۴)

«أشُدَّ» آن است که انسان از نظر جسمانی به کمال برسد و آمدن آن با واژه «استوی»، اعتدال و استقرار در امر زندگی را می رساند که بعد از کمال نیروی جسمانی و عقلانی به دست می آید. (۲) در مجموع از آیه برمی آید که دوره جوانی موسی، بهترین دوران زندگی اوست که شایستگی دریافت علم و حکمت را پیدا می کند.

همچنین توصیف قرآن از دوره جوانی حضرت یوسف (ع) و مشکلاتی که برای او پیش آمد و موفقیت وی در برخورد با آن گرفتاری ها، نشان دهنده اهتمام قرآن به جوان و دوره جوانی است؛ زیرا قرآن از داستان

۱- مفردات الفاظ قرآن، واژه «شد»، ص ۴۴۷.

۲- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۳۹.

یوسف _ که بر محور جوان رقم خورده _ به «احسن القصص»^(۱) تعبیر کرده است. داستانی که فرازهای هیجان انگیزش، عالی ترین درس های زندگی، عفت و پاک دامنی، شکوه پارسایی و عزت نفس جوان را در برابر غرایز و شهوات نفسانی تبیین می کند.^(۲) بنابراین، جوان در قرآن کریم از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است که در آیات متعددی به آن اشاره شده است.

(ب) اهمیت جایگاه جوان در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

(ب) اهمیت جایگاه جوان در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

در سیره پیامبر اسلام، احترام به شخصیت جوان و عنایت ویژه به جوانان نمایان است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله به علی (ع) فرمود: «بَادِرْ بِأَرْبَعٍ قَبْلَ أَرْبَعٍ: شَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ؛ چهار چیز را پیش از چهار چیز دریاب: جوانی ات را پیش از پیری.»^(۳) در این روایت نبوی، بر اهتمام ورزی درباره چند چیز سفارش شده که یکی از آنها جوانی و بهره گیری از دوره جوانی است؛ یعنی جوانان باید ارزش جوانی را درک کنند و با غنیمت شمردن فرصت، هرچه بهتر از آن بهره ببرند.

همچنین در جای دیگر می فرماید: «الشَّبَابُ لَا يَعْرِفُ قَدْرَهُ إِلَّا الشُّيُوخُ؛ ارزش جوانی را جز پیران نمی شناسند.»^(۴) جوانان کمتر ارزش دوره جوانی را می فهمند، همین که به دوره ضعف و پیری می رسند، حسرت جوانی را می خورند؛ مانند ماهی، زمانی ارزش آب را درک می کند که دور از آب، در ساحل قرار گیرد.

۱- «نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ...؛ ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن به تو وحی کردیم...». (یوسف: ۳)

۲- تفسیر نمونه، ج ۱۶، ص ۳۰۲.

۳- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳ هـ. ق، ج ۴، ص ۳۵۷.

۴- محمد محمدی ری شهری، حکمت نامه جوان، ترجمه: مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵، ص ۴۰.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در عمل نیز ارزش زیادی برای جوانان قائل بود و به آنان توجه ویژه داشت. روزی دو نفر از اهل مدینه به مکه آمدند و در شرایط بسیار سختی حضور آن حضرت رسیدند و با شنیدن سخنان ایشان مسلمان شدند. سپس از پیامبر درخواست کردند کسی را همراهشان به مدینه بفرستد تا مردم را به آیین اسلام دعوت کند. پیامبر از میان یارانش، جوانی به نام مصعب بن عمیر را به نمایندگی خود برگزید و به یثرب فرستاد. این جوان با ایمان و پرشور برای انجام مأموریت، تدبیری اندیشید و در مدت زمان کوتاهی همه مردم، به ویژه جوانان یثرب را به اسلام فراخواند. آنها نیز دعوت او را پذیرفتند و مسلمان شدند و نخستین نماز جمعه را به امامت مصعب در یثرب برپا کردند. (۱)

گذشته از اهتمام عملی و تکریم شخصیت جوان، پیامبر در بسیاری از سخنان خود به پیروانش سفارش می کرد با جوانان در کمال نیکی و خوبی رفتار کنند. حضرت در یک توصیه عام به مسلمانان می فرماید: «أوصيكم بالشُّبَّانِ خيراً؛ شما را به نیکی با جوانان سفارش می کنم.» (۲) این دستور پیامبر، شامل همه خانواده ها و نهادهای اجتماعی می شود و برخورد نیکو با جوانان را به کسانی که با نسل جوان ارتباط دارند، سفارش می کند. روشن است که رفتار شایسته با جوانان، آثار سازنده و مفیدی در پی خواهد داشت که به اصلاح رفتار جوان و در نهایت، اصلاح جامعه خواهد انجامید.

۱- حکمت نامه جوان، ص ۶۵.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۵۲.

ج) اهمیت جایگاه جوان در سیره امامان معصوم (ع)

ج) اهمیت جایگاه جوان در سیره امامان معصوم (ع)

جوان در گفتار و رفتار معصومان (ع) مشمول توجه ویژه ایشان بوده و هر یک از آن بزرگواران، سفارش هایی در این زمینه بیان کرده اند. حضرت علی (ع) در مراحل مختلف زندگی به ویژه در دوران خلافتش، شخصیت آنان را بزرگ می داشت. سخنان زیبا و دل نشین آن حضرت در نامه ۳۱ نهج البلاغه به عنوان منشور تربیتی امام علی (ع)، بیانگر اهتمام ایشان به شخصیت جوان است. این نامه خطاب به فرزندش، امام حسن مجتبی (ع) به عنوان یک جوان جویای تربیت، مطالب و راهکارهای بسیاری در باب جوان و تعلیم و تربیت او دارد. از محتوای سخنان آن حضرت پیداست که ایشان در زمان خویش، نگران تربیت جوانان بوده و به این منظور در یکی از حساس ترین مراحل زندگی خود،^(۱) به تدوین رساله تربیتی نسل جوان اقدام کرده است. علی (ع) در مقام یک مربی دل سوز و مهربان، دورنمایی از شخصیت جوان و تربیت دینی او را در این نامه به طور مفصل ترسیم کرده است.

مخاطب این نامه در ظاهر، امام حسن (ع) است، ولی به آن حضرت اختصاص ندارد، بلکه همه جوانان، مخاطب واقعی کلام ایشان هستند. حضرت اوصافی برای تربی بیان کرده که از ویژگی های جوان است. برای مثال می فرماید:

۱- زمانی که امام از جنگ طولانی و طاقت فرسای صفین برمی گشت، در سرزمینی به نام حاضرین، از توابع حلب و قنصرین، در مقام یک مربی دل سوز، در مکتوبی مفصل خطاب به فرزندش، امام حسن مجتبی (ع) دورنمای تربیت اسلامی را ترسیم کرد. طبیعی است که جنگ خونین صفین و نتیجه حکمیت، شرایط نامساعدی را برای امام و یاران آن حضرت پدید آورده بود، ولی امام به دلیل اهمیت تربیت جوان، مدتی خلوت کرد، دست به کاغذ و قلم برد و چنین موضوع سرنوشت سازی را نگاشت.

الْمَوْلُودِ الْمُؤَمَّلِ ... وَ رَهِيْنَهُ الْاَيَامِ وَ عَبْدِ الدُّنْيَا وَ تاجرِ الْعُرُوْرِ وَ غَرِيْمِ الْمَنَيا. (۱)

جوانی با آرزوهای بلند، در گرو روزگار، گرفتار دنیا، سوداکننده دنیای فریب کار و وام دار نابودی ها.

این فرازها در حقیقت، به ویژگی های روحی و روانی جوان اشاره دارد و آرزو و گرفتاری های او را برمی شمارد.

سراسر گفتار امام در این نوشتار مربوط به جوان و شیوه های هدایت و تربیت اوست که به صورت رهنمودهایی به امام حسن (ع) بیان شده است. صرف نظر از دیگر سخنان و سیره امام علی (ع)، همین نامه در بیان اهمیت جوان از منظر آن حضرت، کافی است.

(د) آغاز مسئولیت پذیری

(د) آغاز مسئولیت پذیری

دوره جوانی با ورود انسان به مرحله تکلیف پذیری و پذیرش مسئولیت های فردی و اجتماعی هم زمان است؛ زیرا فرد در این دوره به رشد لازم برای انجام وظایف دینی و اجتماعی می رسد و می تواند به مسئولیت های خود عمل کند. خداوند درباره یتیمان بی سرپرست می فرماید:

وَ ابْتَلُوا الْيَتَمَى حَتَّىٰ اِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَاِنْ اَنْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا اِلَيْهِمْ اَمْوَالَهُمْ... (نساء: ۶)

و یتیمان را تا وقتی به سن زناشویی برسند، بیازمایید. پس اگر در ایشان رشد (فکری) یافتید، اموال شان را به آنان رد کنید...
از این آیه به دست می آید که انسان در دوره کودکی هیچ مسئولیتی ندارد و هنگامی که به مرحله بلوغ و جوانی می رسد، طرف خطاب قرار

۱- امام علی، نهج البلاغه، ترجمه دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۸، نامه ۳۱.

می گیرد و باید عهده دار مسئولیت خویش شود. جمله «حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ» در آیه شریفه، مرز کودکی و نوجوانی را جدا می کند. بچه های یتیم تا آن زمان، هیچ مسئولیتی در برابر مسائل مالی خود ندارند، ولی با رسیدن به سن بلوغ و داشتن عقل کافی باید خود، مدیر امور شخصی خویش باشند و حتی می توانند وظایف دیگری را نیز به عهده بگیرند.

بنابراین، از نظر قرآن کریم، جوانی، آغاز مسئولیت پذیری انسان است و از این مرحله به بعد وی در ردیف بزرگ سالان قرار می گیرد و باید در برابر وظایفش پاسخ گو باشد. خانواده پیش از رسیدن فرزند به حد بلوغ و مسئولیت پذیری باید زمینه روحی و روانی آن را در وی ایجاد کند و با آشناسازی فرزند به وظایف دینی و اسلامی (مانند وضو و نماز)، زمینه اجرای هر چه بهتر تکالیف را در نهاد او پدید آورد، چنان که امام صادق(ع) به هارون مکفوف فرمود:

يَا أَبَاهَارُونَ إِنَّا نَأْمُرُ صَبِيَانَنَا بِتَسْبِيحِ فَاطِمَةَ، كَمَا نَأْمُرُهُم بِالصَّلَاةِ فَالزَّمُهُ فَإِنَّهُ لَمْ يَلْزَمُهُ عَبْدٌ فَشَقِيَ. (۱)

ای اباهارون! ما به فرزندانمان دستور می دهیم تا تسبیح فاطمه زهرا(س) را بگویند، وقتی آنها را به خواندن نماز فرمان می دهیم. پس بر تسبیح فاطمه مداومت کن؛ زیرا بنده ای که پیوسته این تسبیح را بگوید، هرگز گمراه و سیه رو نمی شود.

از این حدیث استفاده می شود که امامان معصوم(ع) قبل از رسیدن فرزندانشان به بلوغ، زمینه پذیرش آن و انجام دادن وظایف دینی را در آنها پدید می آوردند؛ یعنی فرزندان را از نظر روحی و روانی برای پذیرش

۱- محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۴، ص ۱۰۲۳.

مسئولیت های دینی و اجتماعی آماده می کردند تا اجرای آن در جوانی بر آنها سنگین نباشد. از نظر روان شناختی و تربیتی، آماده سازی فرزندان برای پذیرش مسئولیت مهم است؛ زیرا اگر پدر و مادر قبل از دوره جوانی چیزی درباره وظایف دینی به فرزندان نگویند و برخی از وظایف، مانند وضو و نماز را از آنها نخواهند یا دختران را نسبت به تکالیف اختصاصی شان آگاه نسازند، طبیعی است فرزندان هنگام روبه رو شدن با آن مسائل، مشکل خواهند داشت.

هـ) پرسش ویژه از دوره جوانی

هـ) پرسش ویژه از دوره جوانی

بنا بر تصریح آیات و روایات اسلامی، از انسان در روز قیامت درباره رفتارش در دنیا می پرسند. از جمله چیزهایی که پرسیده می شود، عمر انسان است که چگونه آن را به پایان رسانده و در چه کارهایی صرف کرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ لَمْ تَزُلْ قَدَمَا عَبْدٍ حَتَّى يَسْأَلَ عَنْ أَرْبَعٍ: عَنْ عُمْرِهِ فِيْمَ أَفْنَاهُ وَعَنْ شَبَابِهِ فِيْمَ أَبْلَاهُ وَعَمَّا اكْتَسَبَهُ، مِنْ أَيْنَ اكْتَسَبَهُ وَفِيْمَ انْفَقَهُ وَعَنْ حُبِّنَا أَهْلَ الْبَيْتِ. (۱)

روز قیامت، بنده قدم از قدم بر نمی دارد، مگر اینکه چهار چیز از او پرسیده می شود: از عمرش که در چه راه فانی کرده، از جوانی اش که در چه راهی به پایان رسانده، از مالش که از کجا به دست آورده و در کجا صرف کرده و از محبت ما اهل بیت (ع).

۱- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، تهران، امیرکبیر، ص ۹۴؛ محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ. ق، ج ۸۸ ص ۱۳۲.

این چهار مسئله، بسیار مهم است و انسان در قبال آنها مسئولیت دارد، ولی آنچه به بحث مربوط می شود، پرسش از جوانی است. با اینکه پرسش از عمر، دوره جوانی را نیز دربرمی گیرد، بنا به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله، در روز قیامت از جوانی، جداگانه پرسیده می شود که چگونه آن را به پایان رسانده است. این امر نشان دهنده اهمیت جوانی است. بنابراین، جوانان باید اهمیت جوانی را درک کنند و تا می توانند در این دوره، کارهای نیک و شایسته انجام دهند.

(و) ظهور امام زمان(ع) به صورت جوان

(و) ظهور امام زمان(ع) به صورت جوان

همه می دانند که قرن ها از ولادت امام مهدی(ع) می گذرد و به عقیده شیعیان، آن حضرت، ناظر و شاهد اعمال بندگان خداست و به صورت غیرمستقیم به پیروانشان کمک می کند. بسیاری از روایات معصومان(ع) حاکی از آن است که هر وقت مشیت خدا اقتضا کند، آن حضرت در حال جوانی ظهور می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

يَقُومُ فِي آخِرِ الزَّمَانِ رَجُلٌ مِنْ عِزَّتِي شَابُّ حَسَنُ الْوَجْهِ أَقْنَى الْأَنْفِ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَجُورًا. (۱)

در آخر زمان، مردی از خاندانم که جوانی زیباروی و بینی کشیده است، قیام می کند و زمین را پر از عدل می سازد، همان گونه که پر از ظلم شده است.

بر اساس این حدیث نبوی، امام مهدی(ع) در قیافه جوان ظاهر می شود و قیام جهانی را رهبری می کند. شاید به این علت که تأسیس حکومت جهانی و اداره کردن زمین با تمام ساکنانش کاری به ظاهر مشکل و

طاقت فرساست، هرچند امام معصوم(ع) در رأس آن باشد، باید از توان جسمی و قدرت اجرایی لازم برخوردار باشد تا بتواند بر همه امور مسلط شود و عدالت واقعی را به اجرا گذارد.

ابا صلت هروی از امام رضا(ع) می پرسد که نشانه های قائم شما، آن گاه که قیام کند، چیست؟ امام(ع) در پاسخ می فرماید:

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السَّنِّ شَابَّ الْمَنْظَرِ حَتَّى أَنْ النَّاطِرَ إِلَيْهِ يَحْسِبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا. (۱)

نشانه اش آن است که کهن سالی جوان سیماست که هرکس به وی می نگرد، او را چهل ساله یا کمتر می انگارد.

روایات بسیاری در این مورد وجود دارد و از مجموع آنها به دست می آید که حضرت با وجود سن زیاد، در سیمای جوان قیام می کند و این کار به قدرت خدای متعال انجام می گیرد. این امر، اهمیت جوانی را به اثبات می رساند و اینکه دوره جوانی از نگاه اسلام و عرف، ارزش والایی دارد.

(ز) بعثت پیامبران در جوانی

(ز) بعثت پیامبران در جوانی

آنچه از آیات و روایات برمی آید، آن است که همه انبیای الهی در جوانی به رسالت مبعوث شده اند و هیچ پیامبری در پیری به نبوت نرسیده است. نمونه های بسیاری در قرآن کریم و احادیث اسلامی درباره انبیای گذشته وجود دارد مبنی بر اینکه آن بزرگواران در دوره جوانی وظیفه هدایت مردم را

عهده دار شدند، چنان که درباره حضرت ابراهیم (ع) تعبیر «فتی» (۱) آورده شده است.

همچنین درباره بسیاری از انبیا، مانند حضرت موسی، حضرت داوود و حضرت سلیمان (ع) آیاتی در قرآن آمده که نشان دهنده قدرت و توان آنها در آغاز دوره رسالتشان است. داستان حضرت یوسف (ع) به صورت مفصل در سوره ای به نام وی در قرآن آمده، به گونه ای که تمام صحنه های جوانی او را به تصویر کشیده و شخصیتی زیبا، متقی، پاک دامن، صبور در برابر سختی های روزگار و نیرومند در مقابل شهوات نفسانی از او نشان داده است. این داستان، پیام های تربیتی فراوانی برای جوانان دارد. آنها باید به عزت نفس، دوری از گناه، برخورد یوسف با زنان مصر و پناه بردن وی به خدا توجه کنند و درس بگیرند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره بعثت پیامبران فرمود: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا شَابًّا؛ خداوند هیچ پیامبری را جز در جوانی، مبعوث نکرد.» (۲) پیامبر در بیان دیگری، قلمرو جوانی را این گونه بیان کرده است: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا وَهُوَ شَابٌّ وَلَا أُوتِيَ عِلْمٌ إِلَّا وَهُوَ شَابٌّ؛ خداوند هیچ پیامبری را جز در جوانی مبعوث نکرد و به هیچ دانشمندی، جز در جوانی دانش نداد.» (۳)

بنابراین، علم نیز در جوانی به دست می آید، نه در کودکی و پیری؛ زیرا انسان باید در مراحل کودکی و نوجوانی درس بیاموزد تا عقلش در جوانی کامل شود. در این صورت، با استفاده از آن پیش زمینه ها می تواند در جوانی

۱- «قَالُوا سَيَمَعْنَا فِتْيَ يَذُكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ اِبْرَاهِيمُ؛ گفتند: شنیدیم جوانی از آنها [به بدی] یاد می کرد که او را ابراهیم می گفتند.» (انبیا: ۶۰)

۲- حکمت نامه جوان، ص ۶۰.

۳- حکمت نامه جوان، ص ۶۰.

نتیجه بگیرد و به نوآوری و اختراع برسد. در دوره پیری، استعدادهای انسان به تدریج تحلیل می رود و توان فراگیری چندانی ندارد. از این رو، بیشتر انسان ها در جوانی به نبوت و علم دست یافته اند و این امر، اهمیت جوانی را می رساند.

۲. ویژگی های جوان

اشاره

۲. ویژگی های جوان

شناخت ویژگی های جسمی، عاطفی و روحی _ روانی جوان برای اطرافیان جوان ضروری است؛ زیرا شناخت این ویژگی ها به مسئولان کمک می کند زمینه را برای تأمین نیازها و پرورش نسل جوان فراهم آورند. این ویژگی ها عبارتند از:

الف) ویژگی های جسمانی

اشاره

الف) ویژگی های جسمانی

جوان از نظر جسمی، در مقایسه با دوره کودکی و نوجوانی ویژگی های متفاوتی دارد. کودکی، دوره ضعف و ناتوانی انسان است و به همین علت نمی تواند کارهای سخت و طاقت فرسا انجام دهد؛ حال آن که در دوره جوانی، عضلات بدن به رشد کامل خود می رسد و قوت و قدرت در تمام اعضای بدن آشکار می شود.

در اینجا به چند ویژگی جسمانی مهم جوان از نظر فردی و اجتماعی اشاره می کنیم تا جوانان قدر آن را بدانند و شکرگزار نعمت جوانی خود باشند.

یک _ قدرت و توان بدنی

جوانی، دوره رشد و شکوفایی استعدادها و ظرفیت های وجودی انسان است و توانایی های آدمی در این مرحله از زندگی به رشد و بالندگی مطلوب خود می رسد. توان جسمی جوان انکارناپذیر است و همه خانواده ها

و مردم جهان آن را می بینند و درک می کنند که جوانان نسبت به کودکان و سالخوردگان قوی ترند. با این حال، مسئله مهم، چگونگی بهره برداری از نیروی جوانی است و اینکه جوان، آن توان جسمی را در چه مسیری به کار می گیرد.

اسلام راه های درست استفاده کردن از توان جسمی را به جوان نشان داده است. خداوند در قرآن کریم علت انتخاب طالوت را (به فرماندهی نظامی جمعی از بنی اسرائیل) توان جسمی وی معرفی می کند و می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ أَصْطَفَا عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ. (بقره: ۲۴۷)

در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده و او را در دانش و نیروی بدن بر شما برتری بخشیده است.

طالوت از نظر جسمی، مردی بلندقامت، تنومند و خوش اندام بود و اعضای محکم و نیرومند داشت و از نظر روحی نیز بسیار زیرک، دانشمند و با تدبیر بود. (۱) همین توان جسمی و قدرت روحی طالوت، علت انتخاب او به فرماندهی بنی اسرائیل خوانده شده است که در مدت کوتاهی شایستگی خود را نشان داد. (۲)

تعبیر «اصطفا» درباره طالوت (انتخاب او به دلیل توان علمی و قدرت جسمی) راهنمای خوبی برای جوانان است تا نیروی جوانی شان را در راه خدا به مصرف برسانند؛ نه در کارهای خلاف و خوش گذرانی های بی حاصل. بیشتر داستان های قرآنی نشان دهنده آن است که انبیا و اوصیای الهی، همه از توان جسمی و روحی بالایی برخوردار بودند و آن توان را در

۱- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶۷.

۲- تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۱۶۸.

جهت هدایت و تربیت مردم به کار می بستند. از این رو، هر کدام از آن بزرگواران در عصر خویش با همه قدرت های ظالم مبارزه کردند. (۱)

علی (ع) از خداوند نیرو و توان جسمی طلب می کند تا در راه خدمت به خدا و خلق خدا قدم بردارد. ایشان در دعای کمیل عرض می کند:

يَا رَبِّ يَا رَبِّ! قُوِّ عَلَى خِدْمَتِكَ جَوَارِحِي وَ اشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي. (۲)

پروردگارا، پروردگارا! اندام مرا برای خدمت گزاری ات توان مند ساز و درونم را در تصمیم گیری قوی دار.

کلمه «جوارحی» در کلام امام، با صراحت بر قدرت جسمی دلالت دارد. بنابراین، براساس راهنمایی های معصومان (ع) تقویت جسمی و توانایی های بدنی، از راه های مشروع، مانند ورزش، تفریح، پیاده روی، شنا و اسب سواری، مجاز است و بر آن تأکید شده است. این نیرو را هم باید در راه اسلام و قرآن به کار گرفت و برای نشر معارف اهل بیت (ع) و ترویج اخلاق اسلامی در جامعه تلاش کرد. این کار، از جوانان و نسل جوان شایسته تر است؛ زیرا آنان می توانند گام های مؤثرتری در این زمینه بردارند. به هر صورت، توان جسمی از ویژگی های آشکار جوان است که باید ارزش آن را درک و در مسیر صحیح از آن استفاده کند.

دو _ قدرت تصمیم گیری و اجرا

دو _ قدرت تصمیم گیری و اجرا

تصمیم گیری به معنای «مصمم شدن و کمر بستن برای انجام کاری»، (۳) فرآیندی است که عناصری چون مشاوره، برنامه ریزی، جزم قلبی، قاطعیت و

۱- نک: ناصر مکارم شیرازی، قصه های قرآن، قم، انتشارات مدرسه امیر المؤمنین (ع).

۲- شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، قم، ۱۳۷۶، صص ۱۰۱-۱۱۰.

۳- فرهنگ معاصر عربی _ فارسی، ص ۳۷۱، «واژه صمم».

فراهم ساختن شرایط مناسب برای اجرای طرح و برنامه را در برمی گیرد. در قرآن کریم به تصمیم گیری و بعضی مقدمات آن اشاره شده است. خداوند در این زمینه به پیامبر اسلام می فرماید:

وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. (آل عمران: ۱۵۹)

و در [کارها] با آنان مشورت کن؛ و چون تصمیم گرفتی، بر خدا توکل کن؛ زیرا خداوند توکل کنندگان را دوست می دارد.

بر اساس این آیه، در هر موضوعی، به ویژه امور اجتماعی باید با صاحب نظران مشورت کرد، ولی وقتی تصمیم نهایی گرفته شد، باید آن را با قاطعیت، اجرا و در اجرای آن نیز بر خداوند توکل کرد. این دستور، فراگیر است و همه مسلمانان باید به آن توجه کنند، (۱) چنان که پیامبر خدا در برخی جنگ ها (مانند جنگ اُحد) با اصحاب مشورت کرد و بنا بر نظر آنها، لشکریان از شهر خارج شدند و در دامنه کوه با دشمنان جنگیدند. (۲)

تصمیم گیری در همه مراحل زندگی امکان پذیر است و انسان تا پایان عمر می تواند در زمینه های مختلف تصمیم بگیرد. با این حال، این امر، از جوانان بهتر ساخته است؛ چون آنان در شرایط مناسب تری قرار دارند و قدرت بررسی جنبه های گوناگون امر در آنها بیشتر است و هر کاری را به آسانی می توانند انجام دهند. امام صادق (ع) می فرماید:

كَانَ أَبِي يَقُولُ: إِذَا هَمَمْتَ بِخَيْرٍ فَبَادِرْ؛ فَإِنَّكَ لَا تَدْرِي مَا يَحْدُثُ. (۳)

۱- نک: تفسیر نمونه، ج ۳، صص ۱۴۸-۱۵۰.

۲- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۳.

۳- منتخب میزان الحکمه، ص ۳۲۹، واژه «عجله».

پدرم می فرمود: هرگاه تصمیم گرفتی کار نیکی انجام دهی، عجله کن؛ زیرا نمی دانی در آینده چه رخ خواهد داد.

شاید موانعی پیش بیاید که انسان نتواند تصمیم خود را اجرا کند و کار خیری را انجام دهد. از این رو، سرعت در انجام کار خیر، مطلوب است و جوان، با شور و نشاطی که دارد به چنین کاری شایسته تر خواهد بود.

پس می توان گفت قدرت و توان در تصمیم گیری، یکی از ویژگی های جوان است. البته جوانان باید به این نکته توجه داشته باشند که عاقلانه تصمیم بگیرند و برای اسلام و کشور کارهای منطقی و مفید انجام دهند؛ زیرا پیشرفت مادی و معنوی جامعه به تصمیم های عاقلانه نسل جوان و اقدام عملی آنها در اجرای پروژه های علمی و ملی نیاز دارد تا ضمن تأمین نیازهای کشور برای همه مسلمانان جهان، مایه عزت و سربلندی باشد. برای نمونه، فعالیت جوانان متخصص و فنی کشور در زمینه انرژی هسته ای و به سامان رساندن این پروژه عظیم ملی و بین المللی، موجب افتخار مسلمانان و مایه شکست و زبونی قدرت های بزرگ دنیا شده است.

سه _ قدرت کار و خدمت رسانی

سه _ قدرت کار و خدمت رسانی

قدرت داشتن بر کار و خدمت رسانی، یکی دیگر از ویژگی های دوره جوانی است. از نگاه اسلام، خدمت رسانی و گشودن گره از کار مردم، بسیار ارزش دارد و در روایات معصومان (ع) پاداش های بزرگی به خدمت گزاران وعده داده شده است که توجه به آنها، در انسان انگیزه ایجاد می کند تا در این زمینه گام های عملی بردارد.

پیامبر اسلام، در مورد خدمت رسانی به خلق خدا می فرماید:

أَحَبُّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَطْعَمَ مِنْ جُوعٍ أَوْ أَدْفَعَ عَنْهُ مَغْرَمًا أَوْ كَشَفَ عَنْهُ كَرْبًا. (۱)

دوست داشتنی ترین کار نزد خدا آن است که گرسنه ای را سیر کنند یا وامش را بازدهند یا رنجی از او بردارند.

بنابه فرموده پیامبر، اطعام گرسنه، پرداخت بدهی فقیر و برطرف ساختن رنج و ناراحتی از مسلمان، کاری پسندیده است که خداوند آن را دوست دارد و به صاحبش اجر مادی و معنوی می دهد. حضرت در حدیث دیگری می فرماید:

كَانَ عَلَى الطَّرِيقِ عُصْنٌ شَجَرَهُ يُؤْذِي النَّاسَ فَأَمَاطَهَا رَجُلٌ فَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ. (۲)

شاخه درختی سر راه مردمان بود که رهگذران را می آزرده. مردی آن را از میان برداشت و به وسیله آن کار، بهشتی شد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در دستوری همگانی به مسلمانان می فرماید: «نَحِ الْأَذَى عَنِ طَرِيقِ الْمُسْلِمِينَ؛ آنچه به مسلمانان آزار می رساند، از سر راه بردار». (۳)

بر اساس روایات اسلامی، کمک رسانی به مردم و همکاری با نیازمندان، یکی از برترین کارهاست که در فرهنگ دینی و اسلامی ارزش والایی دارد. سیره معصومان(ع) نیز بیانگر اهمیت آن است و هر یک از آن بزرگواران در طول زندگی شان تا آنجا که ممکن بود، به مردم کمک می کردند. داستان های فراوانی از خدمت رسانی معصومان(ع) در منابع روایی و تاریخی وجود دارد. شایسته است جوانان با اقتدا به سیره آن بزرگواران، دوره جوانی را در راه خدا و خدمت به خلق خدا سپری کنند؛ چراکه جوان از هر جهت،

۱- نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵، ص ۲۲۴.

۲- نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵.

۳- نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب، ۱۳۸۵، ص ۲۲۵.

قدرت خدمت رسانی را دارد و می تواند به اندازه توان خود، مشکلی را از دیگران برطرف سازد.

روزی پیامبر خدا با اصحابش نشست و چشمش به جوان چابک و نیرومندی افتاد که با شتاب از دیگران پیشی می گرفت. اصحاب گفتند: وای بر این جوان! چقدر خوب بود که جوانی و چابکی وی در راه خدا می بود. پیامبر فرمود: «این حرف را نزنید؛ اگر او می کوشد تا خود را از مردم بی نیاز کند، در حقیقت، او در راه خداست و اگر برای پدر و مادر ناتوان یا فرزندان خود که توان کار ندارند، تلاش می کند تا آنها را بی نیاز گرداند و کفایت کند، بحق در راه خدا است.» (۱) به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله، جوان پرتلاش و زحمت کش چه برای خود و پدر و مادرش زحمت بکشد و چه به نیازمندان و محرومان یاری رساند، در هر صورت در راه خدا خدمت کرده است.

ب) ویژگی های عاطفی و روانی

اشاره

ب) ویژگی های عاطفی و روانی

جوان از نظر عاطفی و روانی ویژگی هایی را دارد که توجه به آنها لازم است. جوان ظرافت های روحی و روانی خاصی دارد که در کودکان و پیران وجود ندارد. این ویژگی ها عبارتند از:

یک - تربیت پذیری

انسان موجودی اثرپذیر است و به طور معمول در همه مراحل زندگی تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می گیرد. این پدیده را همه انسان ها در رفتار فردی و اجتماعی خود همواره تجربه می کنند و به دلیل و برهان نیاز ندارد؛ زیرا

۱- محسن فیض کاشانی، محجه البیضا، ج ۳، ص ۱۶۵.

آدمی قادر نیست به تنهایی به زندگی اش ادامه دهد و همواره در معرض تأثیرات محیط طبیعی و اجتماعی قرار دارد. دوره جوانی، آخرین مرحله ای است که فرد می تواند شخصیت خود را تکمیل و از نظر فکری و رفتاری، در باورها و ارزش های خود تجدید نظر کند. پس از دوره جوانی به دلیل آن که شخصیت انسان تثبیت می شود، تغییر ساختار آن از نظر روان شناختی و تربیتی به مشکل برمی خورد. از این رو، جوان باید تا فرصت دارد به تکمیل شخصیت خود پردازد و آموزه های صحیح و مفید را فراگیرد؛ چون او در دوره جوانی از توانایی بیشتری برخوردار است و ذهن وی هنوز در گیر مسائل روزگار نشده است. به همین دلیل، شرایط مناسبی برای یادگیری دارد. (۱)

بر این اساس، علی (ع) در نامه معروفی به امام حسن مجتبی (ع) می فرماید:

وإنما قلبُ الحَدَثِ كَالأَرْضِ الخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ. (۲)

قلب جوان، همچون زمین مستعد و آماده کشت است که هر بذری در آن پاشیده شود، می پذیرد.

تشبیه قلب جوان به زمین آماده کشت در کلام امام علی (ع) بیانگر آن است که هرچه از آموزه های دینی به جوان عرضه گردد، نه تنها می پذیرد بلکه آن را پرورش می دهد و به ثمر می رساند؛ همانند بذر در دل زمین مستعد و آماده کشت که به تدریج رشد می کند و جوانه می زند تا به ثمر می رسد.

۱- محمد خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل بیت (ع)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۴۲.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نامه ۳۱.

یادگیری انسان در دوره جوانی، افزون بر اصل پذیرش، از نظر کیفیت نیز در سطح بالایی قرار دارد. به استناد روایات، آموخته های انسان در این دوره بسیار پایدارتر از دیگر دوره هاست. امام موسی بن جعفر (ع) می فرماید: «مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجَرِ؛ کسی که در جوانی علم بیاموزد، مانند نقشی که بر سنگ کنده می شود، در جان او نقش می بندد.» (۱) این تشبه نشان دهنده ماندگاری آموخته های دوره جوانی است. شاید به این دلیل که جوان از توانایی زیادی برخوردار است و او به خوبی می تواند مفاهیم را بفهمد، تجزیه و تحلیل کند و به یاد بسپارد. (۲)

از امام صادق (ع) پرسیده شد: چرا وقتی فرزندان حضرت یعقوب (ع) از او طلب بخشش کردند، (۳) او گفت: (۴) در آینده نزدیک (سحر شب جمعه) برای شما طلب آمرزش می کنم، ولی حضرت یوسف در برابر بخشش برادران خویش بی درنگ ایشان را بخشید؟ (۵) امام صادق (ع) فرمود: «لَأَنَّ قَلْبَ الشَّبَابِ أَرْقُ مِنْ قَلْبِ الشَّيْخِ؛ زیرا قلب و دل جوان، نازک تر و نرم تر از قلب فرد پیر است.» (۶)

۱- بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲.

۲- محمدعلی حاجی ده آبادی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵، ص ۲۷.

۳- «قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ؛ گفتند: ای پدر برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطاکار بوده ایم.» (یوسف: ۹۷)

۴- «قَالَ سَيُوفَ اسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ؛ گفت: به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می طلبم که او آمرزنده و مهربان است.» (یوسف: ۹۸)

۵- «قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَ هُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ؛ [یوسف] گفت: امروز سرزنشی بر شما نیست، خدا شما را می آمرزد و او مهربان ترین مهربانان است.» (یوسف: ۹۲)

۶- ۸. جوان در پرتو اهل بیت (ع)، ص ۵۴.

انعطاف پذیری، از ویژگی های برجسته روحی و روانی جوان است؛ زیرا نسبت به بزرگ سالان، زودتر تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می گیرد و خود را با شرایط محیط منطبق می سازد. بر این اساس، وظیفه مربیان و پدران و مادران، اقدام به موقع در تربیت نسل جوان است تا قلب و دل آنها را پیش از نفوذ تأثیرات منفی، به آموزه های دینی و اسلامی بیارایند، همان گونه که علی(ع) به فرزندش، حسن مجتبی(ع) فرمود:

فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ وَ يَشْتَغَلَ لُبُّكَ لِتَسْتَقْبَلَ بِجِدِّ رَأْيِكَ مِنَ الْأَمْرِ. (۱)

از این رو، قبل از اینکه دلت سخت و فکرت مشغول شود، در تربیت سرعت گرفتم تا با تمام اندیشه ات به استقبال آینده بروی.

از این کلام و سیره علی(ع) برمی آید که تعلیم و تربیت والدین برای جوان سرنوشت ساز است و آنان باید به انتقال آموزه های مهم دینی به نسل جوان، اقدام کنند تا آنها آینده خوبی داشته باشند و بتوانند در شکل دهی جامعه سالم، کمک کنند.

دو_ رشد فکری و عقلی

دو_ رشد فکری و عقلی

همان گونه که گفته شد، ظرفیت های وجودی انسان در مرحله جوانی به فعلیت می رسد. یکی از جنبه های مهم وجودی انسان، بعد عقلی و فکری اوست که در این دوره شکوفا می شود و تکامل می یابد. البته رابطه رشد سنی و رشد عقلی را نمی توان دقیقاً تعیین کرد، ولی بیشتر روان شناسان بر این باورند که افزایش سن انسان به طور معمول با رشد عقلی وی همراه

است؛ مگر در افراد عقب مانده ذهنی که رشد عقلی چندانی ندارند و از قانون عمومی رشد مستثنا هستند. (۱)

در آیات و روایات نیز به رشد عقلی جوان توجه و در موارد متعددی به آن اشاره شده است. خداوند درباره ایتام می فرماید:

وَابْتُلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ... (نساء: ۶)

و یتیمان را تا وقتی به [سن] زناشویی برسند، بیازمایید. اگر در آنها رشد (فکری) یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید... .

روشن است که منظور آیه شریفه، رشد عقلی است، نه جسمی؛ زیرا از نظر شرعی، رشد بدنی بدون رشد عقلی نمی تواند مجوز اعطای اموال به ایتام باشد. چه بسا افرادی که به بلوغ جسمی می رسند، ولی از نظر عقلی رشد کافی نیافته اند. از این رو، در آیه شریفه به بلوغ جسمی ایتام بسنده نشده، بلکه گفته شده است باید آزمایش شوند و اگر به رشد عقلی رسیده بودند، حق تصرف در اموالشان را دارند.

امام صادق(ع) در حدیثی، پایان رشد عقلی انسان را تعیین کرده و فرموده است:

وَيَنْتَهَى طَوْلُهُ لِاثْنَيْ عَشْرٍ وَ عَشْرِينَ سَنَةً وَ مُنْتَهَى عَقْلِهِ لِثَمَانٍ وَ عَشْرِينَ سَنَةً إِلَّا التَّجَارِبَ. (۲)

طول قامت انسان در ۲۲ سالگی و رشد عقلی او در ۲۸ سالگی پایان می یابد، مگر آنچه از راه تجربه به دست آید.

۱- نک: علی اکبر شعاری نژاد، روان شناسی رشد، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۴۰۰.

۲- التهذیب، ج ۸، ص ۱۱۰.

بنابراین روایت، همان گونه که رشد عقل انسان بر اثر رشد جسمی وی تحقق می یابد، عوامل دیگری نیز در شکوفایی آن مؤثر است. حضرت در این مورد فرمود: «العقلُ غَرِيْزَةٌ تَزِيْدُ بِالْعِلْمِ وَ التَّجَارِبِ؛ عقل، غریزه ای است که با علم و تجربه رشد می کند.» (۱) منظور از غریزه در سخنان آن حضرت، فطری بودن عقل است؛ به این معنا که نیروی عقل از ابتدای آفرینش به صورت خدادادی در نهاد هر کس وجود دارد و بر اثر عوامل درونی (مانند: تفکر) و عناصر بیرونی (نظیر: علم و تجربه)، به تدریج شکوفا می شود. اوج این شکوفایی، در مرحله جوانی است؛ زیرا جوانان ظرفیت های وجودی در این دوره از زندگی، (از جمله عقل و اندیشه)، به فعلیت می رسد.

در برخی احادیث، دو نوع عقل برای انسان ذکر شده است: عقل طبیعی و عقل اکتسابی. حضرت علی (ع) می فرماید:

اَلْعَقْلُ عَقْلَانِ: عَقْلُ الطَّبْعِ وَ عَقْلُ التَّجْرِبَةِ وَ كِلَاهُمَا يُوَدِّيْ اِلَى الْمَنْفَعَةِ. (۲)

عقل دو نوع است: عقل طبیعی و عقل تجربی که هر دو مایه منفعت است.

جوان عقل طبیعی دارد؛ چون این نوع عقل در دوره جوانی شکوفا می شود و رشد می کند، ولی عقل اکتسابی به تجربه بیشتری نیاز دارد و به وسیله آموزش و یافته های علمی پرورش می یابد. از این رو، جوان باید علم بیاموزد و تجربه کسب کند تا عقل تجربی او تکامل یابد؛ چون هرچه اندوخته های علمی جوان بیشتر می شود، نیروی عقل او نیز کامل تر

۱- منتخب میزان الحکمه، ص ۳۵۹، واژه «عقل».

۲- بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۶.

می گردد. (۱) جوان باید از کارهایی که موجب تضعیف عقل می شود، دوری کند. برخی گناهان مانند خودارضایی (استمناء) و روابط نامشروع، در سلامت جسم و عقل جوان تأثیر منفی دارند.

سه _ نشاط و شادابی

سه _ نشاط و شادابی

نشاط به معنای «سرزندگی، سرحال، پرکار، خوش بودن و تحرک داشتن»، (۲) یکی از ویژگی های جوانی است؛ زیرا دوره جوانی همراه با شور و نشاط و شادابی است، به گونه ای که جوانان دوست دارند همواره بانشاط در اجتماع ظاهر شوند. جوانی، دوره شور و نشاط و خوشی و پویایی است و حال و هوای خاصی دارد. تغییراتی که در جسم و روح جوان پدید آمده، سبب شده است وی خود را در دنیایی جدید ببیند. از این رو، رفتاری که از جوان سر می زند، با رفتار وی در دوره کودکی بسیار متفاوت است.

به هر حال، جوان، نماد نشاط، بالندگی و شادابی است. شور و هیجان، عشق و امید، وجد و نشاط، طراوت و لطافت، تناسب اندام، صورت شکفته، موهای زیبا، همه و همه از شاخ و برگ های زیبای دوران جوانی است که خداوند به جوان عطا کرده است. (۳)

اسلام نیز نشاط و شادابی جوان را تأیید و به استفاده درست از آن سفارش کرده است. در روایات، از این حالت به «شَبْرَه الشَّبَاب» یاد شده که به معنای شور و نشاط و شهوت جوانی (۴) است. امام علی (ع) در پاسخ به

۱- جوان در پرتو اهل بیت (ع)، ص ۴۸.

۲- فرهنگ معاصر عربی _ فارسی، ص ۶۹۰، واژه «نشاط».

۳- محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی جوان، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۴، ج ۱، ص ۴۰.

۴- فرهنگ معاصر عربی _ فارسی، ص ۳۲۵، واژه «شَبْرَه».

پیشنهاد غلامش، قنبر که گفت: شما بیشتر از من سزاوار پوشیدن پیراهن گران قیمت هستید، فرمود:

أَنْتَ شَابٌ وَ لَكَ شِرَّةُ الشَّبَابِ وَ أَنَا أَسْتَحْيِي مِنْ رَبِّي أَنْ أَتَفَضَّلَ عَلَيْكَ. (۱)

تو جوانی و دارای نشاط جوانی هستی و من از خدا حیا می کنم که در این زمینه بر تو برتری جویم.

علی (ع) با درک شور و نشاط جوانی قنبر و اینکه او در حال و هوای جوانی است، نخواست این روحیه او را نادیده انگارد و خود را بروی ترجیح دهد، بلکه پیراهن بهتر و زیباتر را به او داد تا روحیه «خوش حال بودنش» آسیب نبیند و نشاط جوانی اش پرورش یابد. این رفتار علی (ع) با یک جوان شکفته و سرزنده، درسی برای همه پیروان ایشان است تا حالت شور و نشاط جوانان را در نظر بگیرند و آن را پرورش دهند.

چهار - زیبایی خواهی

چهار - زیبایی خواهی

بی شک، فطرت انسان به زیبایی ها میل دارد و از زشتی ها و بدی ها و منظره های ناپسند بیزار است. این خواست درونی انسان در دوره کودکی به صورت ضعیف و کم رنگ وجود دارد و به تدریج رشد می کند تا اینکه در دوره جوانی بالنده می شود و به کمال مطلوب خود می رسد. شهید مطهری در زمینه فطری بودن زیبایی خواهی آدمی می فرماید:

در انسان، گرایشی به جمال و زیبایی به معنای مطلق، وجود دارد و هیچ کس از آن مستثنا نیست؛ لباس هم که می پوشد، کوشش می کند تا آن اندازه که برایش ممکن است وضع زیباتری به خودش بگیرد. (۲)

۱- جوان در پرتو اهل بیت (ع)، ص ۶۸، به نقل از: بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۴۴؛ المناقب، ج ۲، ص ۹۷.

۲- مرتضی مطهری، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۰، ج ۳، ص ۴۹۶.

از آنجا که انسان ذاتاً به خوبی ها و زیبایی ها گرایش دارد، از دیدن منظره های زیبا، چمن زارها، گل ها و کوه ها لذت می برد؛ اگر آب صاف و زلالی ببیند، کنارش می نشیند و از دیدنش شاد و خرم می شود؛ از تماشای دریا، صحرا، باغ و بوستان برانگیخته می شود و شور و شوق درونی به او دست می دهد. تحرک و پویایی و سرزندگی و نشاط، نتیجه تفریح و گشت و گذارهای سالم است. از این رو، جوانان بیشتر از دیگران به مسافرت و گردش های جمعی کنار سبزه ها، دامنه کوه ها و بستر رودخانه ها و آبشارها علاقه مندند و به آن اهتمام می ورزند؛ چراکه روحیه زیبایی خواهی در آنان به حد کمال می رسد و از مشاهده منظره های جذاب و خوشایند، بیشتر به شور و نشاط و تحرک درمی آیند. این حس زیبایی خواهی انسان از ابتدای زندگی وجود دارد، ولی به تدریج، رشد می کند و در دوره جوانی به اوج شکوفایی می رسد.

قرآن کریم نیز این گرایش فطری انسان را تأیید می کند و آن را زمینه تفکر و اندیشه در نظام هستی دانسته و او را به استفاده درست از مناظر طبیعی و تأمل درباره آنها دعوت کرده است:

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِنْ فُرُوجٍ وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ. (ق: ۶ و ۷)

مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست و زمین را گسترديم و در آن لنگر [آب کوه]ها فرو افکندیم و در آن از هر گونه جفت دل انگیز رویاندیم.

خداوند، طبیعت را زیبا آفرید و مردم را به تماشای آن دعوت کرد تا ضمن لذت بردن از مناظر جذاب و دیدنی، به تأمل و اندیشه درباره آنها

پردازد و به ماورای عالم طبیعی پی برد. از این رو، در ادامه فرموده است: «تَبَصَّرَةٌ وَ ذِكْرِي لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ؛ تا وسیله بینایی و یادآوری برای هر بنده توبه کاری باشد». (ق: ۸)

پیامبر خدا در مورد زینت جوانان می فرماید: «وَ اخْتَصَّ بَوا فَأَنَّهُ يَزِيدُ فِي شَبَابِكُمْ؛ موهای خود را رنگ کنید که جوانی و زیبایی شما را زیباتر می کند.» (۱) اصلاح موی سر، امروزه در جوانان با مدل های گوناگون مشاهده می شود و اگر این کار به همانندسازی با زنان یا پیروی از فرهنگ بیگانه منجر نشود، شاید اشکال نداشته باشد، ولی اگر عنوان حرام پیدا کند، جایز نیست. در این زمینه باید به فتوای مراجع تقلید مراجعه کرد.

بدیهی است جوان، زیباپسند است و می خواهد در زندگی، زیبا باشد و زیبا ظاهر گردد و اسلام هم این خواست درونی او را تأیید کرده، مشروط به آن که مخالف شرع نباشد.

پنج - خودآرایی

پنج - خودآرایی

انسان دارای روحیه زیباگرایی و حس زیباطلبی است. هر کس به طور فطری زیباپسند است و تمایل دارد به منظره های جذاب و جالب نگاه کند و از آن لذت برد. این روحیه از آغاز زندگی وجود دارد و در جوانی به کمال می رسد. از این رو، یکی از ویژگی های مهم دوره جوانی، گرایش به خودآرایی است؛ چراکه هر جوانی می خواهد زیباتر و جذاب تر از دیگران در اجتماع ظاهر شود. منظور از خودآرایی، پرداختن به وضعیت ظاهری خویش است، مانند: اصلاح سر و صورت و انتخاب نوع لباس که این کار در میان نسل جوان امروز اهمیت خاصی دارد.

جوان می خواهد در تمام شئون زندگی، آرایش را در حد اعلای آن اعمال کند و به اصطلاح امروز «با کلاس باشد» و در برابر دوستان و رقیبان خود کم نیاورد. خودآرایی اگر به افراط و تفریط کشیده نشود، مورد تأیید اسلام است و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد که انسان را به استفاده از زینت آلات تشویق می کنند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...؟ ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید...». (اعراف: ۳۱)

خداوند در این آیه شریفه، استفاده از زینت را با حضور در مسجد مرتبط ساخته و درحقیقت، مسیر بهره برداری از وسائل آرایشی را معین کرده است؛ یعنی استفاده از زینت ظاهری باید با معنویت باطنی همراه باشد، نه خوش گذرانی و هوس رانی. بیشتر جوانان به این امر توجه ندارند و زینت ظاهری را بدون پرداختن به آرایش معنوی به کار می گیرند. بعضی از جوانان آن قدر که به آرایش و زیباسازی اندام خود اهتمام می ورزند، به مسائل دینی و معنوی، کمتر توجه دارند. بسیار مشاهده می شود جوانانی که برای آراستن موهای سرشان بیش از یک ساعت وقت می گذارند، برای آموختن احکام دینی (مانند فراگیری مسائل نماز) لحظه ای نمی اندیشند.

خودآرایی و آراستن وضعیت جسمی و ظاهری، در احادیث اسلامی نیز تأیید شده است. صدور دستورهای بهداشتی و تأکید بر پاکیزگی در اسلام به منظور تقویت همین گرایش طبیعی انسان است. پیامبر اسلام در حدیثی فرمود:

تَنْظِفُوا بِكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ وَلَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا كُلُّ نَظِيفٍ. (۱)

هر چه می توانید پاکیزه زندگی کنید؛ چون خدای متعال، دین اسلام را بر پاکیزگی بنا کرده است و داخل بهشت نمی شوند، مگر پاکیزگان.

حتی آن حضرت در بعضی روایات به خودآرایی دستور داده است و می فرماید: «اِخْتَصِبُوا فَإِنَّهُ يَزِيدُ فِي شَبَابِكُمْ وَجَمَالِكُمْ؛ خَضَابَ كُنَيْدَ كَهْ اَيْنَ كَارِ بَرِ جَوَانِي وَزِيَابِي شَمَا مِي اَفْرَايِدُ». (۲)

نکته قابل توجه این است که جوان باید در زیباسازی چهره و اندام خود اعتدال را رعایت کند و نباید دچار افراط شود؛ زیرا زیاده روی در خودآرایی، پی آمدهای نامطلوبی دارد که در صورت ادامه آن، ممکن است پسران و دختران جوان به تباهی کشیده شوند. وسواس، اختلال روانی، ریاکاری، توجه زیاد به دیگران، تجمل گرایی، اسراف و خودپرستی از اموری است که با افراط در خودآرایی پدید می آید. (۳)

افزون بر رعایت اعتدال، توجه به خودآرایی باطنی و معنوی نیز لازم است. همان گونه که جوانان به آرایش ظاهری می پردازند، به پالایش عقلانی و باطنی هم باید اهتمام ورزند. امام حسن عسکری (ع) می فرماید: «حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ؛ نِيكُوْبِي صَوْرَتِ، زِيَابِي ظَاهِرِي وَ نِيكُوْبِي عَقْلِ، زِيَابِي بَاطِنِي اَسْتُ». (۴)

پیامبر نیز فرمود: «لَا جَمَالَ أَحْسَنُ مِنَ الْعَقْلِ؛ هِيْجَ زِيَابِي بَهْتَرِ اَزْ عَقْلِ نِيْسْتُ». (۵)

۱- منتخب میزان الحکمه، ص ۵۰۶، واژه «نظافه».

۲- گفتار فلسفی جوان، ج ۱، ص ۴۴؛ به نقل از: مکارم الاخلاق، ص ۴۳.

۳- گفتار فلسفی جوان، ج ۱، ص ۴۴؛ به نقل از: مکارم الاخلاق، ص ۴۳.

۴- بحار الانوار، ج ۱، ص ۹۵.

۵- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۲۸۴.

بنابراین، حوزه خودآرایی جوان باید تعمیم پیدا کند و در کنار ظاهر، باطن را نیز آرایش دهد. از جمله موارد آرایش باطنی، به کارگیری نیروی عقل در زندگی است تا با تدبّر و اندیشه در مسائل فردی و اجتماعی، بهترین راه و روش را برگزیند.

شش _ غرور و خودبینی

شش _ غرور و خودبینی

غرور به معنای «فریب خوردن و فریفته شدن به چیزی»، از صفات رذیله ای است که منشأ پیدایش بسیاری از اوصاف ناپسند دیگر می شود. (۱) تکبر، خودپسندی، خودبینی، خودنمایی، حسدورزی و غفلت از پی آمدهای غرور است که افراد مغرور گرفتار آن می شوند. هرچند اسباب غرور، فراوان است، یکی از عوامل مهم غرور، جوانی است؛ چراکه جوانی همانند مال و قدرت، انسان را به خود مشغول می دارد و از دیگر امور منصرف می سازد. به همین دلیل، در روایات معصومان(ع)، جوانی، «شاخه ای» از جنون تعبیر شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «الشَّبَابُ شُعْبَةٌ مِنَ الْجُنُونِ؛ جوانی شاخه ای از جنون است.» (۲) یعنی جوانی، همانند دیوانگی، انسان را به حال غیرعادی می کشاند و کارهایی که انجام می دهد، بر اثر احساسات و عواطف صادر می شود، نه از روی فکر و اندیشه و برنامه ریزی قبلی.

امام علی(ع) جوانی را سبب مستی دانسته است و می فرماید:

يَتَّبِعِي لِلْعَاقِلِ أَنْ يَحْتَرَسَ مِنْ سُكْرِ الْمَالِ وَ سُكْرِ الْقُدْرَةِ وَ سُكْرِ الْعِلْمِ وَ سُكْرِ الْمَدْحِ وَ سُكْرِ الشَّبَابِ؛ فَإِنَّ لِكُلِّ ذَلِكَ رِيحًا خَبِيثَةً تَسْلُبُ الْعَقْلَ وَ تَسْتَخِفُّ الْوَقَارَ. (۳)

۱- ملا احمد نراقی، معراج السعاده، قم، کشف الغطاء، ۱۳۸۲، ص ۵۱۲.

۲- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۳۵.

۳- حکمت نامه جوان، ص ۲۱۸.

سزاوار است که خردمند، از مستی ثروت، مستی قدرت، مستی دانش، مستی ستایش و مستی جوانی بپرهیزد؛ چراکه هر یک را بوهای پلیدی است که عقل را می دزدد و وقار و هیبت را کم می کند.

براین اساس، جوانی مانند مال، قدرت، علم و ستایش، عامل غرور و مستی است که عقل را تضعیف می کند و به شخصیت انسان آسیب می زند. از این رو، جوانان باید مراقب باشند تا گرفتار هیچ نوع غرور، به ویژه غرور جوانی نشوند و با تفکر و تعقل و با شخصیت و وقار در جامعه زندگی کنند.

زیبایی معمولاً- با غرور و خودبینی همراه است و هر کس از حسن و جمال بیشتری برخوردار باشد، نوعی کبر و خود برترینی در او وجود دارد که این حالت در روایات، از آسیب های زیبایی شمرده شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «آفَةُ الْجَمَالِ الْخِيَلَةُ؛ خودپسندی، آفت زیبایی است».^(۱)

از آنجا که دوره جوانی دوره زیبایی خواهی و شکفتگی انسان است، خطر بیشتری از این ناحیه متوجه نسل جوان خواهد بود. بنابراین، جوان باید مراقب باشد تا در دام کبر و غرور گرفتار نشود؛ زیرا خودپسندی از صفات شیطان است و جوان را از درگاه خدا می راند، به گونه ای که راه برگشتی برایش باقی نخواهد ماند.

هفت _ بلندهمتی

هفت _ بلندهمتی

بلندهمتی از صفات پسندیده ای است که در بسیاری از روایات اسلامی به عنوان یکی از ارزش های دینی معرفی شده است. علو همت از همه مردم شایسته است و موجب رشد و پیشرفت انسان و جامعه انسانی می شود، ولی

این خصلت از نسل جوان بیشتر انتظار می رود؛ زیرا آنان در شرایطی هستند که بهتر می توانند نقش آفرینی کنند و طرح ها و کارهای بزرگ را به سامان برسانند.

علی (ع) ارزش انسان را به اندازه همتش دانسته است و می فرماید: «قَدَرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ؛ ارج انسان به میزان همت اوست.» (۱) آن حضرت در کلام دیگر می فرماید: «مَنْ شَرُفَتْ هِمَّتُهُ عَظُمَتْ قِيَمَتُهُ؛ آن کس که همتش بلند باشد، ارزشش افزون می شود.» (۲)

بعضی از روایات، ارزش و نقش بلندهمتی را در پیشرفت فردی و اجتماعی انسان به روشنی بیان می کنند. امام علی (ع) می فرماید: «الْفِعْلُ الْجَمِيلُ يُنْبِئُ عَنْ عُلُوِّ الْهَمِّ؛ کارهای خوب و زیبا از بلندهمتی ریشه می گیرد.» (۳) افق همت انسان باید فراتر از امور شخصی باشد و بیشتر به سوی منافع اجتماعی مایل شود؛ زیرا جامعه پیشرفت نمی کند، مگر با اجرای طرح های بزرگ ملی که جوانان بیش از دیگران شایسته انجام دادن آن هستند. نسل جوان، نیروی فعال جامعه را تشکیل می دهند و بهتر می توانند از نظر فکری و عملی، افق آینده جامعه را مطالعه و برای بالندگی آن برنامه ریزی کنند. بنابراین، اگر بلندهمتی جوان در مسیر درست قرار بگیرد، به ترقی جامعه کمک می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه می فرماید: «مَا أَبْعَدَ الْخَيْرَ مِمَّنْ هِمَّتُهُ بَطْنُهُ وَ فَرْجُهُ؛ چقدر خیر و نیکی دور است از کسی که همتش شکم و شهوتش باشد.» (۴) چنین آدمی تمام انرژی و

۱- نهج البلاغه، ص ۴۷۷.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۹۰.

۳- منتخب میزان الحکمه، ص ۵۲۶، واژه «همت».

۴- منتخب میزان الحکمه، ص ۵۲۶، واژه «همت».

توانش را صرف لذت خواهی، خوش گذرانی و هوس رانی می کند و امور مهم دیگر اصلاً به فکرش نمی آید یا با بی اعتنایی از کنار آن عبور می کند.

بلندپروازی و مناعت طبع و بزرگ منشی از ویژگی های دوره جوانی است و جوانان باید به درستی از آن بهره ببرند، چنان که حضرت یوسف (ع) در برابر دعوت های نامشروع زنان مصر فرمود: «رَبِّ السَّجْنِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ...» پروردگارا! زندان برای من دوست داشتنی تر است از آنچه مرا به آن می خوانند...» (یوسف: ۳۳) انتخاب کردن زندان به جای پذیرش دعوت زنان، نشان دهنده علو همت او بود. یوسف توانست با این کار، خود را از آلودگی به معصیت رها سازد و به عزت نفس و سعادت ابدی _ که همان قرب حق تعالی است _ برسد. حضرت در پاسخ به درخواست همسر عزیز مصر گفت: «مَعَاذَ اللَّهِ؛ به خدا پناه می برم!» (یوسف: ۷۹) این کار بر اثر بلندهمتی یوسف بود. وی به هوای نفس و غریزه طبیعی پشت پا زد و با مناعت طبع به خدای متعال روی آورد و الگوی شایسته ای برای جوانان شد.

هشت _ آرزومندی

هشت _ آرزومندی

آرزومندی، از دیگر ویژگی های جوانی است. درحقیقت، آرزوهای گوناگون در دل جوان پر می زنند و هر یک به عنوان محرکی قوی، او را به فعالیت وا می دارند. آرزومندی در همه انسان ها کم و بیش وجود دارد و هرکس خواسته هایی در دل دارد و می خواهد به آنها دست یابد، ولی این آرزومندی در دوره جوانی، بیش از دیگر دوره ها تجلی دارد. مرحله جوانی به طور معمول پر از آرزوها و تخیلات دور و درازی است که فکر جوان را به خود مشغول می دارد و او را برای رسیدن به آن آرزوها به حرکت درمی آورد تا خواسته های درونی اش را به فعلیت برساند.

علی(ع) در آغاز نامه خویش به فرزندش، امام حسن(ع) را چنین خطاب می کند: «المَوْلُودِ الْمُؤَمَّلِ مَا لَا يُدْرِكُ، السَّالِكِ سَبِيلَ مَنْ قَدْ هَلَكَ؛ از پدری که در آستانه فناست به فرزندی که آرزومند چیزی است که به دست نمی آید [و] رونده راه کسانی است که به هلاک رسیده اند.»

این گفتار علی(ع) فرازی از نامه مفصل آن حضرت در توصیف جوان و معرفی راهکارهای تربیتی به اوست. حضرت آرزومندی را نخستین ویژگی آنان شمرده است و آینده آنها را در یک مسیر رو به نیستی ترسیم می کند؛ یعنی جوان، شهروند شهر آرزوست و در عین داشتن صدها آرزوی دور و دراز، به سویی گام برمی دارد که روبه نیستی است و پایان آن مسیر، در گرو اعمال دنیایی وی است.

آرزومندی تا حدودی نتیجه طبیعی رشد جسمی و روحی جوان است؛ زیرا دوره جوانی با خیال بافی همراه است. به همین دلیل، بیشتر جوانان ایدئال ها و آرمان هایی دارند که در پی خیال پردازی به وجود می آیند. (۱) پرواز در دنیای افکار، توهم و تخیل می تواند نوعی لذت روحی _ هرچند زودگذر_ را به دنبال داشته باشد و این آرزوها جوان را آرمان گرا و آرمان خواه بار می آورند.

اگر آرزوها واقع بینانه باشد و امکان دست یابی به آن فراهم باشد، به پویایی و بلندهمتی جوان کمک می کند. در مقابل، اگر آرزوها توهمی و غیر واقع بینانه باشد، جوان را در آستانه سقوط قرار می دهد. (۲) از این رو، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از آرزوی دراز امت احساس خطر می کند و می فرماید: «أَخَوْفُ مَا أَخَافُ»

۱- مجله تربیت، وزارت آموزش و پرورش، سال ۱۳۷۰، ش ۱، ص ۱۸.

۲- بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، ص ۴۳.

عَلَى أُمَّتِي الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ؛ بر امت خویش بیش از هر چیز، از هوس و درازی آرزو می ترسم.»^(۱) طبیعی است که این احساس خطر پیامبر نسبت به جوانان بیشتر است؛ زیرا آنان با تجربه اندک و دانش محدود در معرض آسیب های زیاده تری قرار دارند.

ج) ویژگی های اجتماعی

اشاره

ج) ویژگی های اجتماعی

زیر فصل ها

یک _ الگوپذیری

دو _ دوست خواهی

سه _ خلاقیت و نوآوری

یک _ الگوپذیری

یک _ الگوپذیری

یکی از ویژگی های برجسته جوانی، همانندسازی و تقلیدپذیری است. جوان در زندگی اجتماعی و برخورد با دیگران معمولاً خود را همانند کسانی می سازد که به نظر وی جذاب و دارای ایدئال های مورد علاقه اش جلوه می کنند. این خصیصه ناشی از یک امر فطری نهفته در نهاد انسان است که در دوره جوانی شکوفا می شود؛ چون ساختار وجودی انسان به گونه ای است که همواره تحت تأثیر عوامل بیرونی قرار می گیرد.

این تأثیرپذیری امری ذاتی و فطری است که به اصل سرشت و شالوده وجودی انسان برمی گردد و هیچ انسانی از آن بی بهره نیست. از این رو، نمی توان آدمی را پیدا کرد که صددرصد نفوذناپذیر باشد و هرگز چیزی بر او تأثیر نگذارد؛ زیرا انسان در هر شرایطی با یک سری عوامل بیرونی در ارتباط است که خواه ناخواه بر جسم و روحش اثر می گذارند. الگوپذیری انسان، از محیط خانواده آغاز می شود. سپس در مدرسه و اجتماع ادامه می یابد و در مرحله جوانی به اوج خود می رسد. بنابراین، جوان از نظر

فطری، الگوتطلب است و این خصوصیت جزو ذات او به شمار می آید و به این جهت همواره در جست و جوی قهرمانان ذهنی خویش است.

حال که اصل الگوپذیری جوان مسلم است، مسئله مهم، انتخاب آگاهانه الگوهاست؛ یعنی جوان باید الگویی را در زندگی برگزیند که پیروی از آن الگو مایه سربلندی او در دنیا و آخرت باشد، نه اینکه زمینه بدبختی و زبونی وی را فراهم سازد. اسلام به این خواست فطری جوانان، توجه داشته و الگوهای شایسته ای را به آنها معرفی کرده است تا خود را در فکر و رفتار همانند آنان بسازند. قرآن کریم از این نوع الگو به «اسوه حسنه» یاد کرده است؛ یعنی الگویی نیکو و مناسب در همه شئون زندگی، اعم از فردی و اجتماعی.

خدای متعال، شخصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را اسوه حسنه برای مردم معرفی می کند و می فرماید:

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَ الْيَوْمَ الْآخِرَ وَ ذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا. (احزاب: ۲۱)

همانا برای شما در اقتدا به رسول خدا صلی الله علیه و آله سرمشقی نیکو است، برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می کند.

تأسی به سیره و رفتار آن حضرت، جوان را به خدا نزدیک می سازد و از هرگونه انحراف فکری و اخلاقی دور می کند.

امام علی (ع) درباره پیروی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در نهج البلاغه سخن گفته و جوانان را به پیروی از آن حضرت فرا خوانده، است:

وَأَقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْيِ وَاسْتَتُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ. (۱)

از راه و رسم پیامبرتان پیروی کنید که بهترین راهنمای هدایت است. رفتارتان را با روش پیامبر تطبیق دهید که هدایت کننده ترین سنت هاست.

در جای دیگری نیز می فرماید:

وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَافٍ لِمَكَ فِي الْأُسُوءَةِ وَدَلِيلٌ لِمَكَ عَلَى ذَمِّ الدُّنْيَا وَعَيْبِهَا وَكَثْرَةِ مَخَازِيهَا وَمَسَاوِيهَا. (۲)

برای تو کافی است که راه و رسم زندگی پیامبر اسلام را اطاعت کنی تا راهنمای خوبی در شناخت بدی ها و عیب های دنیا و رسوایی ها و زشتی های آن برای تو باشد.

بنابراین:

فَتَأْسُ بِنَبِيِّكَ الْأَطْيَبِ الْأَطْهَرِ فَإِنَّ فِيهِ أُسُوءَةً لِمَنْ تَأْسَى. (۳)

به پیامبر پاکیزه و با برکت اقتدا کن که راه و رسم او الگویی برای همه جویندگان راه حق و حقیقت است.

شخصیت رسول خدا صلی الله علیه و آله الگوی همیشه زنده و جاویدی برای بشر در طول تاریخ بوده است. اکنون نیز به عنوان اسوه ای حسنه و سرمشقی ماندگار، فراتر از محدودیت های زمان و مکان می درخشد. شخصیت او منحصر به زمان خاصی نبوده و نیست، بلکه حقیقت همیشه پویا و جاودانی است که برای هر نسلی، هماهنگ با واقعیات زندگی آنها تبلور پیدا می کند.

سیره و رفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تمام شئون زندگی فردی و اجتماعی، رهگشای راهیان حق و حقیقت است. وجود آن حضرت به اقیانوس

۱- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، خطبه: ۱۱۰، ص ۱۶۳.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، خطبه: ۱۱۰، ص ۲۲۶.

۳- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، خطبه: ۱۱۰، ص ۲۲۷.

بی کرانی می ماند که سرشار از خوبی ها و فضایل انسانی است و هرکس باید به اندازه استعداد و توان خود از آن منبع جوشان کمالات الهی، توشه ای برگیرد.

معرفی الگو، در تعلیم و تربیت نسل جوان اهمیت ویژه ای دارد و کارشناسان امور آموزش و پرورش نیز بر آن تأکید دارند. از این رو، لازم است معلمان و متریبان بر اساس آموزه های دینی و اسلامی، الگوهای مناسب را شناسایی و به نوجوان و جوانان معرفی کنند؛ الگوهای شناخته شده ای که در متن قرآن و احادیث اسلامی به آنها اشاره شده است. با توجه به تهاجم روزافزون فرهنگ غرب و عرضه الگوهای مختلف ضد ارزشی، لازم است برترین الگوهای زندگی از منظر قرآن و اسلام به نسل جوان معرفی شود تا ضمن پاسخ گویی به غریزه الگوجویی شان، بتوانند با انتخاب الگوهای مناسب، مسیر درستی را در زندگی خود برگزینند.

امام صادق (ع) در زمینه الگودهی به جوانان می فرماید:

بَادِرُوا أَحْدَانَكُمْ بِالْحَدِيثِ قَبْلَ أَنْ يَسْبِقَكُمْ إِلَيْهِمُ الْمُرْجَةُ. (۱)

نسل جوانتان را دریابید و معارف اسلامی را به آنان بیاموزید، پیش از این که مخالفان بر شما پیشی گیرند [و سخنان نادرست را در ضمیر پاک آنها وارد کنند و گمراهشان سازند].

دو _ دوست خواهی

دو _ دوست خواهی

رفاقت طلبی و دوست خواهی یکی از ویژگی های مهم دوره جوانی است. هر جوانی در این دوره می خواهد در کنار اعضای خانواده، با افراد دیگری نیز ارتباط برقرار کند و با آنها رفت و آمد داشته باشد. دوست خواهی، امری ذاتی

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۹۶.

و فطری است و هر کس از روی طبع و فطرت انسانی، خواهان زندگی میان مردم و ارتباط با آنان است. با این حال، این امر در جوانان بیش از دیگران نمود پیدا می کند؛ زیرا شرایط سنی آنها چنین اقتضا می کند، و آنان در سن و سالی به سر می برند که همواره در صدد جلب توجه دیگران به سوی خویشتن هستند و می خواهند زیبایی و نیروی جسمی خود را به رخ آنان بکشند. این رفت و آمدها موجب انتقال ارزش ها و در نتیجه، تحول فرهنگ و اندیشه در جوان می شود.

مهر و محبت و دوستی با همدیگر، اساس جامعه انسانی را تشکیل می دهد و نسل جوان در ایجاد جامعه آرمانی نقش اساسی دارند. از این رو، اسلام این نیروی فطری جوانان را هدایت و شرایط دوستان شایسته را برای آنان بیان کرده است؛ چون اسلام می خواهد جامعه ای بسازد که همه مردم، خود را برادر یکدیگر بدانند و تا سرحد ایثار به هم عشق بورزند. (۱)

دوست طلبی جوان، ناشی از محبت وی به هستی، بقا و کمال وجودی خود است؛ زیرا کمال خواهی، شدیدترین نوع از دوستی انسان را تشکیل می دهد. از این رو، هر جوان بیش از همه خود را دوست دارد و هر دوستی را که انتخاب کند، برای کسب کمال و امتیازات خویشتن است، نه دوست داشتن ذات آن دوست و رفیق. به همین دلیل، هر وقت تصور کند سود و کمالی از او عایدش نمی شود، با وی قطع رابطه می کند. (۲) از اینجا است که جوانان به شدت تحت تأثیر گفتار و رفتار دوستان قرار می گیرند و

۱- محمد محمدی ری شهری، دوستی و محبت در قرآن و حدیث، ترجمه: سید حسن اسلامی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲، ص ۲۴.

۲- ملا مهدی نراقی، جامع السعادات، نجف، الزهراء، ۱۳۶۸هـ. ق، ج ۳، ص ۱۳۴.

بخش مهمی از افکار و صفات اخلاقی شان در پیوند با آنان قالب بندی می شود. این مطلب، چیزی است که از نظر علمی و تجربی هم به اثبات رسیده است و هر کس می تواند آن را در رفتار جوانان مشاهده کند. (۱)

نقش دوستان در تغییر رفتار و تربیت جوان، بسیار حساس و چشم گیر است، به گونه ای که حتی در بسیاری موارد بر نقش والدین غلبه می کند. فرزند نوح به دلیل انتخاب دوستان نامناسب به بی راهه رفت و درخواست پدر را که گفت: «... يَا بَنِي أَرْكَبْ مَعَنَا وَ لَمَّا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ؛ ... ای پسرک من! با ما سوار شو و با کافران مباش.» (هود: ۴۲) رد کرد و اظهار داشت: «سَأَوِي إِلَى جَبَلٍ يَعْصِفُ مُنَى مِنَ الْمَاءِ...؛ به زودی به کوهی پناه می برم که مرا از آب در امان نگه دارد...» (هود: ۴۳) خداوند خطاب به نوح درباره فرزندش فرمود: «... إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ...؛ ... او درحقیقت از کسان تو نیست...» (هود: ۴۶) زیرا او با تأثیرپذیری از دوستان بد، راهی برخلاف تو (نوح) که فرستاده خدا هستی، اختیار کرده و از صراط مستقیم منحرف گشته است.

پسر نوح با بدان بنشست

خاندان نبوتش گم گشت (۲)

امام علی (ع) درباره نقش دوستان در شکل گیری شخصیت جوان می فرماید:

فَمَنْ إِشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ امْرُؤٌ وَ لَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ. (۳)

۱- محمد جواد طبسی مروّجی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳، ص ۱۴۷.

۲- حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت، ص ۱۴۷.

۳- بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۷.

هر گاه وضعیت شخصی بر شما نامعلوم شد و دین و آیین او را نشناختید، به دوستانش بنگرید. اگر اهل دین و آیین الهی بودند، او نیز پیرو آیین خداست.

براین اساس، جوانان که گرایش زیادی به دوست یابی دارند و می خواهند با آنها ارتباط صمیمی داشته باشند، باید افرادی مؤمن، متدین، وفادار و با شخصیت را به عنوان دوست برگزینند؛ افرادی که از نظر دینی و اخلاقی، بر دیگران تأثیر مثبت بگذارند، نه آدم های آلوده به گناه که ضررشان بیشتر از نفعشان است. به هر صورت، به جوانان سفارش می شود میل فطری دوست خواهی خود را از راه درست و بر اساس دستورهای معصومان(ع)، ارضا و برترین دوستان را انتخاب کنند.

سه _ خلاقیت و نوآوری

سه _ خلاقیت و نوآوری

خلاقیت در لغت از ریشه «حَلَقَ» به معنای ایجاد، ابتکار و نوآوری آمده و در دانش روان شناسی عبارت است از توانایی افراد برای تولید ترکیبات جدید صنعتی، اندیشه های تازه یا هر گونه دستاوردهای نو که قبلاً ناشناخته بوده اند. (۱) برخی خلاقیت را شکل دادن تجربه ها در سامان بندی های تازه دانسته اند. (۲) عده ای دیگر معتقدند که خلاقیت، عرضه کیفیت های تازه ای است از مفاهیم و معانی به شکل منظم و معنادار. (۳)

از تعاریف خلاقیت به دست می آید که خلاقیت فرآیندی است مشتمل بر عناصری همچون: انگیزه، توانایی و مهارت در سامان دهی و ترکیب

۱- نک: روان شناسی رشد، ص ۵۸۷.

۲- افضل السادات حسینی، ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۹.

۳- افضل السادات حسینی، ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶، ص ۲۹.

اجزای پراکنده و عرضه آن در قالب یک محصول جدید مادی یا فرآورده فکری و علمی. چنین کاری از ویژگی های نسل جوان است و انجام آن در عرصه اجتماع، با فراهم بودن زمینه ها و امکانات لازم، امکان پذیر است.

روان شناسان و جامعه شناسان بر اهمیت خلاقیت در فرد و جامعه تأکید و به زمینه سازی برای تربیت نیروهای فعال و خلاق سفارش کرده اند. علم، هنر و تکنولوژی محصول فرآیند خلاقیت هستند؛ زیرا میان خلاقیت و رشد مادی و معنوی جامعه، رابطه مستقیم برقرار است؛ (۱) یعنی هرچه فرآیند خلاقیت در افراد پرورش یابد و تولید نیروی خلاق در اجتماع افزایش پیدا کند، ضریب پیشرفت جامعه بالا می رود. نیروهای خلاق همواره با نوآوری، محصولات جدیدی تولید می کنند که سطح علمی و نوآوری جامعه را افزایش می دهد و موقعیت جهانی آن را بهبود می بخشد.

خلاقیت از اول زندگی در فرد وجود دارد و خود را در بازی های کودک نشان می دهد و به تدریج، در مدرسه، با فعالیت های گروهی و تفریحی شکوفا می شود. نوآوری، در دوره نوجوانی و جوانی رشد می کند و معمولاً در فاصله سنی سی تا چهل سالگی، به بالاترین حد خود می رسد. (۲) در این مدت، افراد خلاق از غیرخلاق شناخته می شوند و آنها با ابتکارهایشان، خود را به جامعه معرفی می کنند. بنابراین، خلاقیت از ویژگی های نسل جوان است و جوانان با اندیشه و فعالیت مستمر به ابتکارها و اختراعات می رسند و اولیا و مربیان باید آن را تقویت کنند.

۱- روان شناسی رشد، ص ۵۸۷.

۲- روان شناسی رشد، ص ۵۹۱.

عوامل متعدد درونی و بیرونی مانند محیط خانه و مدرسه، زمینه سازی و تهیه امکانات، تشویق والدین و معلمان بر رشد و شکوفایی خلاقیت جوان تأثیر دارند.

اسلام، نه تنها مخالف خلاقیت و نوآوری نیست، بلکه اختراع و کشفیات جدید را تأیید می کند؛ زیرا دستور اسلام به اندیشیدن در زمین و آسمان و مخلوقات گوناگون، زمینه ای برای اندیشیدن بیشتر در نظام آفرینش و در نهایت، دست یابی به نتیجه مطلوب و ایده جدید است. خداوند در این زمینه می فرماید:

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ. (آل عمران: ۱۹۰)

همانا در آفرینش آسمان ها و زمین و آمدورفت شب و روز، نشانه های روشنی برای خردمندان وجود دارد.

در این آیه، نخست به عظمت آفرینش زمین و آسمان اشاره شده و سپس از آمدورفت شب و روز سخن به میان آمده است. خداوند می فرماید آفرینش آسمان ها و زمین و آمدورفت شب و روز، نشانه های روشنی برای صاحبان خرد و اندیشه است که می توانند با اندیشه کردن در آن به فکر تازه ای برسند. جوانان مبتکر و خلاق دارای ویژگی هایی هستند که آنها را از دیگران متمایز می کند. آنان معمولاً دوست دارند مستقل عمل کنند؛ امور پیچیده را بر امور عادی ترجیح می دهند؛ بیشتر اوقات به کار خود سرگرمند و کمتر به مسائل اجتماعی می پردازند؛ انعطاف پذیرند و به تحلیل و بررسی مسائل پیرامون خود علاقه مند هستند. (۱)

فصل سوم: جوان و انتظارات

اشاره

فصل سوم: جوان و انتظارات

در این قسمت به بررسی این موضوع می پردازیم که جوانان چه انتظارات و مطالباتی از نهاد خانواده و اجتماع دارند و خواسته های آنان تا چه اندازه معقول و قابل قبول خواهد بود. انتظاراتی که جوانان از خانه و جامعه دارند، متفاوت و متعدد است و همه آنها را نمی توان در فرصتی کوتاه بررسی کرد. از این رو، تلاش بر آن است تا به انتظاراتی توجه شود که عام و فراگیر هستند، به گونه ای که همه جوانان یا بیشتر آنان را پوشش می دهند. به عبارت دیگر، مطالبات واقعی و منطقی جوان از خانواده و جامعه و نیازهای او در این فصل، شناسایی و بررسی می شود که مبتنی بر ویژگی های جوانی و برخاسته از آن است.

۱. انتظارات جوان از خانواده

اشاره

۱. انتظارات جوان از خانواده

خانواده، اصلی ترین نهاد اجتماعی است که جوان در آن به دنیا می آید و رشد می کند. آن گونه که از متون فرهنگ و منابع واژه شناسی برمی آید، واژه «خانواده» مرکب از دو عنصر «خانه + واده» به معنای خاندان، دودمان، تبار و

امثال آن است. (۱) این اصطلاح در عرف عام کاربردهای وسیع دارد. خانواده در محدودترین کاربرد خود به همان معنایی گفته می شود که گوینده و شنونده آن را در ذهن خود تداعی می کند و همه، آن را از این کلمه می فهمند؛ یعنی مجموعه کوچکی از پدر و مادر و فرزندان که در یک جا زندگی می کنند و معمولاً اعضای خانواده را تشکیل می دهند.

واژگانی همانند «خانه» و «خانواده» بیانگر فضای صمیمی و حراست شده ای هستند که انسان در آن فضا احساس امنیت، راحتی و آسایش می کند. خانه به عنوان یک نهاد مقدس در همه ادیان مورد احترام بوده و هست. جوان در چنین جایگاهی پرورش می یابد و رشد می کند. او میان اعضای خانواده از موقعیت خاصی برخوردار است و همگان با دید احترام به او می نگرند.

پدر و مادر و فرزندان، به عنوان اجزای تشکیل دهنده خانواده، انتظاراتی از همدیگر دارند که باید بدان ها توجه شود. هر یک از اعضای خانواده باید انتظارات طرف مقابل را بشناسد و به آنها در حد توان پاسخ گوید. عوامل بسیاری از جمله میزان سن و سال هر یک از اعضا، در نوع خواسته ها تأثیر گذارند؛ زیرا فرزندان خانواده در زمان جوانی انتظارات متفاوتی از دوره کودکی دارند. پدر و مادر نیز زمانی که دچار پیری می شوند، انتظارات دیگری از فرزندان دارند.

الف) انتظار شناخت و درک جوان از سوی خانواده

الف) انتظار شناخت و درک جوان از سوی خانواده

نخستین انتظار جوان از خانواده این است که او را آن گونه که هست، بشناسند و واقعیت های زندگی او را درک کنند. جوان شناسی و درک

واقعیت های مربوط به وی در محیط خانواده به وسیله پدر و مادر، بسیار مهم و در شکل گیری شخصیت و نوع رفتار او مؤثر است. از این رو، شناخت جوان و توجه به ویژگی های دوره جوانی، ضرورتی انکارناپذیر و نیاز اساسی نسل جوان است که خانواده باید به آن توجه کند.

در واقع، پرورش نهال ثمربخش جوان و استفاده مناسب از میوه های شیرین جوانی، مبتنی بر درک واقعی جوان و شناخت نیازهای اساسی اوست و در صورتی می توان راهکار های مفید و کاربردی در تربیت جوان ارائه داد که جنبه های جسمی و روحی او با دقت بررسی و گوشه های آشکار و پنهان وجودی وی شناخته شود؛ و گرنه ممکن است بر اثر نشناختن جوان و آشنا نکردن او با آموزه های مناسب، زیان های جبران ناپذیری متوجه نسل جوان شود و در نهایت، به جامعه سرایت کند. (۱)

بسیاری از مشکلات جوانان امروز ناشی از بی توجهی خانواده ها به آنان و درک نکردن و حمایت نکردن از آنهاست. به یقین، اگر پدران و مادران ضمن مراقبت های لازم از فرزندان، جوانانشان را دریابند و مهر و محبت کنند، رفتار آنها تغییر خواهد کرد.

لزوم شناخت جوان مبتنی بر ویژگی های روحی و روانی اوست؛ زیرا هر انسانی در دوره جوانی سرشار از عواطف و احساسات است و اگر از اطرافیان بی میلی و کم توجهی ببیند، به شدت ناراحت می شود و آرامش خود را از دست می دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسلمانان، به ویژه پدران و مادران سفارش می کند که با جوانان رفتار نیک داشته باشند: «اوصیکم بالشبان خیراً»

فَأِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْنَدَةً؛ شما را نسبت به جوانان به نیکی سفارش می‌کنم؛ چراکه آنان دل‌های رقیق‌تری دارند» (۱).

نقطه اصلاح و تربیت‌پذیری جوان نیز همین قلب نرم و ملایم اوست که با شناخت درست وی می‌توان او را هدایت کرد.

پیامبر اسلام از این ویژگی جوانان استفاده کرد و با شناخت دقیق آنان به تبلیغ پرداخت و در نتیجه، بسیاری از جوانان مکه ایمان آوردند. آن حضرت در ادامه حدیث می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بَشِيرًا وَ نَذِيرًا فَخَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَ خَالَفَنِي الشُّيُوخَ. (۲)

به راستی که خداوند مرا نویدبخش و بیم‌دهنده برانگیخت. آن هنگام جوانان با من هم پیمان شدند، درحالی که پیران با من به مخالفت برخاستند.

ضرورت شناخت جوان در رساله حقوق امام سجاد(ع) نیز آمده است. آن حضرت در توصیه عام به پدران و مادران می‌فرماید:

وَأَمَّا حَقُّ وُلْدِكَ فَتَعَلَّمْ أَنَّهُ مِنْكَ وَ مُضَافٌ إِلَيْكَ فِي عَاجِلِ الدُّنْيَا بِخَيْرِهِ وَ شَرِّهِ. (۳)

حق فرزند این است که بدانی بخشی از وجود تو است و در دنیا با هر خیر و شری که دارد، به تو منسوب است.

از آنجا که کلام امام سجاد(ع) به دوره خاصی اشاره ندارد، مرحله جوانی را نیز دربرمی‌گیرد و شناخت فرزند در این دوره مهم‌تر از دیگر دوره‌ها است. جوان از یک طرف، دل رقیق دارد و زود تحت تأثیر عوامل

۱- حکمت نامه جوان، ص ۱۹.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۱۹.

۳- تحف العقول، ص ۴۱۶.

بیرونی قرار می گیرد و از سوی دیگر، دارای قدرت تصمیم گیری و توان انجام کار است که با اندک غفلتی ممکن است به بیراهه کشیده شود. از این رو، امام زین العابدین (ع) فرمود پدر و مادر باید این واقعیت را درک کنند که جوان هر کاری انجام دهد، به آنها نسبت داده می شود.

درحقیقت، والدین، مسئول تربیت و رفتار فرزند هستند تا با شناخت ویژگی های وی، نیازهای او را برطرف کنند؛ چون جوان دارای ویژگی هایی است که شناخت آنها، والدین را در تعامل با وی و برخورد متناسب با روحیه او کمک می کند. بنابراین، جوان معمولاً این انتظار به حق را از خانواده، به ویژه پدر و مادر دارد که او را درک کنند و واقعیت های زندگی وی را بپذیرند.

ب) انتظار تأمین نیازهای جوان به وسیله خانواده

اشاره

ب) انتظار تأمین نیازهای جوان به وسیله خانواده

پس از شناخت جوان و ویژگی های روحی و روانی او، شناسایی و تأمین نیازهای خاص وی نیز لازم به نظر می رسد. انتظار جوان از خانواده آن است که در عین درک و پذیرش وی، به نیازهای او در محیط خانواده توجه شود. بیشتر جوانان نیازهای مادی و معنوی خاص خود را دارند که به تنهایی قادر نیستند آن را برآورده کنند و اولیا و مربیان باید برای تأمین آن بکوشند.

یک _ تأمین نیازهای عاطفی

اشاره

یک _ تأمین نیازهای عاطفی

جوان علاوه بر ویژگی های مختلف، نیازهای گوناگونی دارد که یکی از نیازهای مهم او، نیاز عاطفی است. جوانی دوره ای است سرشار از احساسات و عواطف ظریف روحی و روانی که باید با دقت به آنها توجه کرد. نیازهای عاطفی جوان مبتنی بر ویژگی های روحی و روانی اوست که

پیش از این ذکر شد. در اینجا به برخی نیازهای عاطفی جوانان اشاره می‌کنیم که تأمین آنها در رفتار آنان تأثیرگذار است.

اول _ نیاز به مهر و محبت

اول _ نیاز به مهر و محبت

انسان ذاتاً به محبت گرایش دارد و علاقه مند است مورد مهرورزی و احترام دیگران قرار گیرد؛ چون محبت به عنوان یک نیاز اساسی، در نهاد آدمی نهفته است و تا پایان عمر ادامه دارد. این نیاز فطری، در رفتار انسان و برخورد او با دیگران ظهور پیدا می‌کند؛ گاه به شکل ارتباط کلامی و گفتار محبت آمیز و گاه در قالب رفتار و عمل و ایجاد دوستی و رفت و آمد با همسالان و همسایگان. نیاز به محبت، ذاتی است و از دوره کودکی در نهاد انسان وجود دارد، ولی این نیاز در دوره جوانی بیشتر آشکار می‌گردد؛ چراکه استعدادهای بشر در این دوره کاملاً شکوفا می‌شود و گرایش‌های فطری و طبیعی وی به فعلیت می‌رسد. از جمله، غریزه دیگرخواهی جوان رشد می‌کند و به همین دلیل، هم نشینی با دوستان را بر نشستن در محیط خانواده ترجیح می‌دهد. خانواده باید این نیاز جوان را درک کند و با وی رفتار محبت آمیز داشته باشد و روحیه دیگرخواهی او را پرورش دهد.

اگر خانواده به ویژه پدر و مادر به فرزند جوان خود مهر و محبت نکنند و نیاز وی را به محبت اشباع نسازند، بی‌مهری آنان زمینه ساز پیدایش بسیاری از نگرانی‌های روحی و روانی، اضطراب، استرس و ترس‌های غیر منطقی در وی می‌شود. (۱)

قرآن کریم به این نیاز جوان در قالب ابراز محبت به موسی بن عمران(ع) پاسخ گفته است تا الگویی برای همه اولیا و مربیان باشد و به این

نیاز فطری نسل جوان توجه کنند. خداوند به حضرت موسی (ع) فرمود: «... أَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَ لِيُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي؛ ... و مهربی از خودم بر تو افکندم تا زیر نظر من پرورش یابی.» (طه: ۳۹) خداوند زمانی به حضرت موسی (ع) محبت کرد که او در دوره جوانی قرار داشت. (۱) اظهار محبت خداوند به موسی (ع)، وی را برای انجام وظیفه نبوت آماده تر ساخت و روحیه استقامت و پایداری را در او تقویت کرد، چنان که ایستادگی و مبارزه موسی (ع) در برابر طاغوت زمانش (فرعون) گواه این امر است.

از این داستان قرآنی می توان استفاده کرد که پرورش عاطفه و روحیه محبت خواهی جوان در رسیدن او به اهداف عالی زندگی و اسلامی، تأثیر به سزایی دارد، همان گونه که خدای متعال علت محبت به موسی (ع) را ساختن و تربیت شخصیت وی بیان فرموده است. این امر ناظر به تأثیرپذیری جوان و اهمیت مهر و محبت در زندگی وی است که خانواده می تواند به این طریق، جوانان شایسته و مقاومی را تحویل جامعه دهد.

تأمین این نیاز جوان، افزون بر اینکه پاسخی به نیاز درونی اوست، آثار فردی و اجتماعی فراوانی نیز به همراه دارد. در واقع، محبت، اکسیری است که بسیاری از دردها و بیماری های روحی و روانی جوان را درمان می کند. (۲)

تأمین نیاز عاطفی جوان و ارضای نیاز به محبت وی را از گفتار امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به امام حسن مجتبی (ع) می توان برداشت کرد. حضرت در آن نامه ضمن تبیین راهکارهای تربیتی به فرزندش، سخنان و عبارات هایی به کار برده است که بار عاطفی دارند

۱- حکمت نامه جوان، ص ۳۳۳.

۲- حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، ص ۶۰.

نشان دهنده اظهار محبت آن حضرت در حق فرزند جوانش است؛ چون بنابر شواهد تاریخی، صدور این نامه، زمانی صورت گرفت که حدود سی سال از عمر امام حسن (ع) گذشته و او در دوره جوانی بود.

امام علی (ع) در بیان سفارش های تربیتی خود بارها از عبارت «یا بُنَّی» استفاده کرده است؛ یعنی «ای فرزند عزیزم!» این گونه سخن گفتن با جوان، توجه به جنبه عاطفی و احساسی اوست که می خواهد دل وی را تسخیر و قلب او را آماده پذیرش دستورها و رهنمودهای تربیتی کند. (۱)

آنچه از آیات و روایات و سیره معصومان (ع) به دست می آید، بر لزوم اهتمام ورزی پدر و مادر به نیازهای اساسی فرزندان جوانشان دلالت دارد. از این منظر، یکی از نیازهای ضروری جوان، نیاز به محبت و احترام است و باید به این نیاز روحی و روانی وی توجه کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ به نیازهای روحی و عاطفی عمار یاسر در حالی که از گفتار ناصواب کفار قریش هنگام شکنجه به شدت گریه می کرد، دستش را به سر و صورت او کشید و آب چشمانش را پاک کرد و فرمود: «خداوند از تو می گذرد و برای نجات از شکنجه قریش تمجید از الهه شان مانعی ندارد». (۲)

بنابراین، یکی از انتظارات جدی جوان از خانواده، محبت و دوستی کردن با اوست. اگر پدر و مادر چنین رفتاری از خود نشان بدهند، یقیناً بر روح و روان جوان تأثیر می گذارد و به اصلاح رفتار وی کمک می کند؛ چون

۱- نک: نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، نامه ۳۱.

۲- محمد ابوشهبه، السیره النبویه، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲هـ. ق، ج ۱، ص ۳۴۱.

محبت، طبع سرکش جوان را رام و قلب و دل او را برای پذیرش آماده می کند.

دوم _ نیاز به تکریم و احترام

دوم _ نیاز به تکریم و احترام

این نیاز، برخاسته از اقتضای روح لطیف، قلب رقیق و دل نرم جوان است که با رفتار محبت آمیز پرورش می یابد. طبع آدمی چنان سرشته شده است که از خوبی و احترام، لذت می برد و از تعظیم و اکرام، نرم و ملایم و به تدریج، مجذوب و تسخیر می شود. جوان به دلیل ویژگی های روحی و روانی خاص خود، بیش از دیگران تحت تأثیر تکریم و احترام قرار می گیرد؛ زیرا به دلیل تربیت پذیری و روحیه هم گرایی با مردم، دوست دارد همواره خانواده و جامعه با دید مثبت به او نگاه کنند. (۱)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره تکریم شخصیت جوان می فرماید: «أَوْسَعُوا لِلشَّبَابِ فِي المَجْلِسِ؛ برای جوانان در مجلس ها جا باز کنید.» (۲) جا باز کردن در مجلس برای تازه واردان، از آداب اسلامی و موجب تکریم شخصیت آنان است، ولی تأکید پیامبر بر رعایت آن در مورد جوانان به دلیل لزوم پرورش روحیه احترام خواهی آنان است. از این رو، پیامبر در دستور عمومی به همه پدران و مادران می فرماید: «اَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ؛ فرزندانان را گرامی دارید و به آنان احترام بگذارید.» (۳) این کلام پیامبر، شامل جوانان نیز می شود و چه بسا آنان به تکریم و احترام، شایسته تر هستند.

۱- نک: دو آن شولتز، نظریه های شخصیت، ترجمه: یحیی سید محمدی، تهران، نشر هما، ص ۱۲.

۲- منتخب حکمت نامه جوان، ص ۲۸۴.

۳- منتخب میزان الحکمه، ص ۴۴۳.

جوان انتظار دارد خانواده و جامعه، شخصیت او را تکریم کنند. این انتظار، انتظار به حقی است که نسل جوان از دیگران، به ویژه پدر و مادر دارد و باید به این خواسته جوانان پاسخ مثبت داده شود. رفتار و گفتار حضرت علی(ع) با جوانان، راهنمای خوبی برای خانواده هاست. امام قبل از بیان دستورهای تربیتی به فرزندش می فرماید:

وَجَدْتُكَ بَعْضِي بَلْ وَجَدْتُكَ كَلِّي حَتَّى كَانَتْ شَيْئًا لَوْ أَصَابَكَ أَصَابَتِي وَ كَانَتْ الْمَوْتَ لَوْ أَتَاكَ أَتَانِي فَعَنَانِي مِنْ أَمْرِكَ مَا يُعْنِينِي مِنْ أَمْرِ نَفْسِي فَكَتَبْتُ إِلَيْكَ كِتَابِي مُسْتَظْهِرًا بِهَذَا أَنَا بَقِيْتُ لَكَ أَوْ فَنَيْتُ. (۱)

من تو را پاره ای از خود، بلکه همه موجودیت خود یافتم. تا آنجا که اگر چیزی به تو رسد، گویی به من رسیده و اگر مرگ سراغ تو آید، گویی سراغ من آمده است و درباره امور زندگی تو همان گونه اهتمام دارم که به امور حیات نفس خویشتن دارم. پس این نامه را نوشتم تا زندگی سعادتمندانه تو تأمین شود؛ چه من بمانم و چه نمانم.

برخورد علی(ع) در مقام مربی دل سوز با جوان مستعد تربیت، راهنمای خوبی برای پدران و مادران است تا جوان را به منزله وجود خود بیندارند و سود و زیان و خیر و شر او را متوجه خویش بدانند. حضرت ابتدا می فرماید: من تو را پاره ای از خودم یافتم. سپس می افزاید که تمام هستی ام را در وجود تو می بینم؛ به گونه ای که در مرگ و زندگی با هم شریک هستیم و به اندازه خودم به زندگی تو اهتمام دارم. گویی زندگی آن دو، یکی است و بدون دیگری نمی توانند به حیات خود ادامه دهند. این رفتار علی(ع)، تکریم و احترام والا و شایسته شخصیت جوان است و پیروان آن حضرت نیز باید از سیره ایشان پیروی کنند و به این مطالبه برحق جوانان

پاسخ مثبت دهند. امام به همه پدران و مادران، تعلیم داده است که چگونه باید به نسل جوان احترام بگذارند و شخصیت آنان را گرامی بدارند.

دو _ تأمین نیازهای طبیعی و جنسی

اشاره

دو _ تأمین نیازهای طبیعی و جنسی

همان گونه که جوان نیازهای روحی _ روانی و عاطفی دارد، نیازهای طبیعی و جنسی نیز دارد که باید تأمین شود. جوان دارای جسم و روح است و هر یک از این دو عنصر، خواسته های خود را دارند که به این نیازها باید توجه کرد.

اول _ نیاز به تفریح و گردش

اول _ نیاز به تفریح و گردش

گردش های سالم، یکی از نیازهای اساسی انسان است که جسم و روح آدمی به آن احتیاج دارد. چون روح و جسم بر اثر کار و تلاش و فعالیت های علمی و اقتصادی، خسته و کسل می شوند، به ترمیم و بازسازی احتیاج دارند. بدون گردش و تفریح نمی توان زندگی باطراوت و لذت بخشی داشت.

امام علی (ع) در حدیثی، برنامه روزانه مؤمن را به سه بخش تقسیم می کند که شامل جوان نیز می شود. آن حضرت می فرماید:

إِنَّ لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثَ سَاعَاتٍ: فَسَاعَةٌ يُنَاجِي فِيهَا رَبَّهُ وَ سَاعَةٌ يُحَاسِبُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ سَاعَةٌ يُخْلِى بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَمَذَاتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ. (۱)

مؤمن [در زندگی روزانه] سه وقت [و سه برنامه باید] داشته باشد: وقتی برای مناجات، زمانی برای رسیدگی به حساب خویش و وقت دیگر برای لذت های حلال.

تفریح سالم و سرگرمی های مشروع، هم برای رفع خستگی و پرورش جسمی و هم برای تقویت روحی و آمادگی لازم برای فعالیت های بهتر مؤثر است؛ زیرا لذت حلال، هرگونه فعالیت علمی و فرهنگی را دربرمی گیرد که با حرام آمیخته نباشد.

روح آدمی بر اثر فعالیت های علمی و فکری خسته می شود و به برنامه ریزی دقیق نیاز دارد تا کار مفید انجام دهد و تفریح سالم داشته باشد. گردش و تفریح از نظر اسلام منعی ندارد و هرکس می تواند به منظور تقویت نیروی جسمی و روحی خود به سفرهای دور و نزدیک برود؛ مشروط به آن که حرامی مرتکب نشود.

پیامبر اسلام در این زمینه می فرماید:

إِلْهَوَا وَالْعَبْوَا فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُرَى فِي دِينِكُمْ غِلْظَةٌ. (۱)

سرگرمی داشته باشید و تفریح کنید؛ چراکه خوش نمی دارم در دین شما درشتی و سختی دیده شود.

از این کلام پیامبر برمی آید که تفریح سالم مورد تأکید اسلام است. عمرو بن حرث می گوید: بر امام صادق (ع) وارد شدم و ایشان در خانه برادرش، عبدالله بن محمد بود. گفتم: جانم فدایت! چه شد که به این خانه آمدی؟ فرمود: «برای گردش و هواخوری». (۲) براین اساس، تفریح و هواخوری چیزی است که معصومان (ع) بدان توجه و سفارش می کردند و آن بزرگواران نیز حتی در فضاهای محدود از آن بهره می بردند.

تفریح و گردش به صورت فردی یا گروهی، مورد پسند جوان است و نسل جوان از گشت و گذار در چمنزارها، رفتن به دامنه کوه ها، نشستن در

۱- حکمت نامه جوان، ص ۱۲۶.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۱۷۷.

پارک ها و گردش در باغ ها بیش از دیگران لذت می برد؛ چون طبع جوانی آنها با طبیعت، بیشتر سازگار است و از مشاهده کوه و دشت و سبزه، شاد و خرم می شوند. جوانان گاه به طور خودجوش گروه های تفریحی تشکیل می دهند و در جاهای خوش آب و هوا نظیر مکان های سرسبز و کوهستانی یا پارک های شهر به گشت و گذار و شوخی و خنده می پردازند. این اقدام جوانان، در بازیابی روحیه نشاط و سرزندگی آنان بسیار مؤثر است.

خانواده در ایجاد فضای مناسب تفریح و سرگرمی جوانان نقش دارد و می تواند در این زمینه به آنها کمک کند. تهیه وسایل تفریح و همکاری با نهادهای مربوط برای اعزام جوانان به سفرهای تفریحی و تشویق آنان به شرکت در چنین برنامه هایی، چیزی است که از خانواده انتظار می رود. ایجاد فضاهای تفریحی مانند: ورزشگاه، پارک و مکان های سبز و باطراوت نیز وظیفه دولت است که به عنوان سرپرست و مدیر جامعه باید انجام دهد؛ چراکه دولت با برخورداری از نیروهای متخصص و سرمایه های لازم قادر است سالن های بزرگ فرهنگی _ تفریحی در سراسر کشور تأسیس کند. انتظار از خانواده آن است که برای شرکت جوانان در گردش های سالم، همکاری و تا جایی که ممکن است، در تهیه لوازم به آنان کمک کند.

دوم _ نیاز به ازدواج

دوم _ نیاز به ازدواج

از مهم ترین نیازهای طبیعی جوان، نیاز به ازدواج است. هر جوانی می خواهد خانواده تشکیل دهد و زندگی اش سرسامان پیدا کند. طبیعی است این نیاز در دوره جوانی شکوفا می شود. هر جوانی (اعم از دختر و پسر) می خواهد همسر انتخاب کند و در کنار همسر آرامش یابد؛ چراکه جوان در شرایطی متفاوت از گذشته قرار دارد: از نظر جسمی، رشد یافته؛

غرایز و گرایش های طبیعی در او شکوفا شده؛ تمایل به جنس مخالف در وی رو به فزونی رفته و استقلال خواهی و خودباوری در او به اوج خود رسیده است. در چنین شرایطی، شایسته است که پدر و مادر زمینه ازدواج جوان را فراهم آورند و همسر مناسبی برایش انتخاب کنند. اگر والدین بی توجه باشند و به موقع اقدام نکنند، ممکن است جوان به تدریج به راه کج کشیده شود و سپس به دام کسانی بیفتد که می خواهند آرامش خانواده ها و در نتیجه، امنیت جامعه را به هم بزنند. طبیعی است اگر جوانان دچار فساد شوند، آثار زیان بار آن از خانواده به اجتماع نیز سرایت می کند. انتظار جوان از خانواده خود آن است که زمینه ازدواج او را فراهم آورد.

دین مقدس اسلام این خواسته جوانان را تأیید و از آن به عنوان حق جوان بر خانواده یاد کرده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ مِنْ حَقِّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَأَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَأَنْ يُزَوِّجَهُ إِذَا بَلَغَ. (۱)

از حقوق فرزند بر پدر است که به او نوشتن آموزد و نام نیکو بر او نهد و چون بالغ شد، همسرش دهد.

طرح زمینه سازی ازدواج فرزند به عنوان حق او بر پدر اهمیت موضوع را می رساند. همان گونه که انتخاب نام نیکو و تعلیم نوشتن در سرنوشت فرزند مؤثر است، ازدواج نیز زندگی او را دگرگون می سازد. آثار تربیتی ازدواج، فراوان است و چه بسا جوانی که در فساد اخلاقی فرو رفته، بر اثر ازدواج یک باره نجات یابد و راه درست را برگزیند. اگر اندکی وارد زندگی جوانان

شویم، نمونه های بسیاری از این قبیل افراد خواهیم یافت که با ازدواج و تشکیل خانواده، رفتارشان به کلی تغییر کرده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در باب ازدواج بسیار سخن گفته است و پدران و مادران را به تزویج جوانان تشویق می کند. آن حضرت درباره اهمیت نهاد خانواده می فرماید: «ما بُنِيَ فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءً أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ وَأَعَزَّ مِنَ التَّرْوِيجِ؛ هیچ خانه ای در اسلام، محبوب تر و عزیزتر از ازدواج بنا نشده است».(۱)

بنابراین حدیث، از منظر رسول خدا صلی الله علیه و آله محکم ترین و با ثبات ترین بنایی که در اسلام پدید می آید، نهاد خانواده است که با ازدواج پسر و دختر جوان تشکیل می شود؛ زیرا ازدواج، سلامت مادی و معنوی جوان را بیمه می کند و او را از انحراف های جنسی و اخلاقی نگه می دارد. پیامبر در حدیث دیگری می فرماید:

إِذَا تَزَوَّجَ الْعَبْدُ فَقَدْ اشْتَكَمَلَ نِصْفَ الدِّينِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النُّصْفِ الْبَاقِي. (۲)

زمانی که بنده ای ازدواج کند، نصف دینش را کامل کرده است و نسبت به نصف دیگر باید از خدا بترسد.

مخاطب اصلی پیامبر در روایات، جوانان هستند؛ یعنی آنها باید همت کنند هر چه زودتر همسر برگزینند و خانواده تشکیل دهند. طبیعی است که زمینه سازی ازدواج جوان از وظایف والدین است و آنها باید شرایط آن را فراهم آورند.

اگر پدر و مادر در صورت توان، در این امر کوتاهی نکنند، مقصر خواهند بود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

۱- منتخب میزان الحکمه، ص ۲۳۳.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص ۲۳۳.

مَنْ بَلَغَ وَلَدَهُ النِّكَاحَ وَ عِنْدَهُ مَا يُنْكِحُهُ ثُمَّ أَحَدَتْ حَدَّثًا فَالْأَثْمُ عَلَيْهِ. (۱)

هر کس فرزندش به سن ازدواج برسد و بتواند برایش همسر برگزیند و چنین نکند، هر حادثه ای پیش آید، گنااهش بر عهده او است.

سه _ تأمین نیازهای مالی

اشاره

سه _ تأمین نیازهای مالی

دسته دیگری از نیازهای جوان، نیاز مالی و اقتصادی اوست. هر جوانی در زندگی خود به پول و لوازم شخصی احتیاج دارد. شاید برخی جوانان در مسائل اقتصادی مستقل و خودکفا باشند، ولی بیشتر آنان متکی به کمک های خانواده هستند. از این رو، انتظار دارند پدر و مادر از آنها حمایت مالی کنند. اینجا به چند مورد از نیازهای مالی جوانان و توقع تأمین آن از سوی خانواده اشاره می کنیم:

اول _ نیازهای اقتصادی

اول _ نیازهای اقتصادی

جوان همانند دیگران در زندگی فردی و اجتماعی خویش نیاز مالی دارد که توجه خانواده به آن، ضروری به نظر می رسد. این نوع نیازهای جوانان را نمی توان در قالب خاصی قرار داد؛ چون نیازهای عام آنها زمان معینی ندارد و هر روز برای رفتن به مدرسه، شرکت در گردش های گروهی، دیدار دوستان و هم سالان، تهیه لوازم شخصی و امثال آن به پول نیاز پیدا می کنند و انتظار تأمین آن را از خانواده دارند.

در قرآن کریم می خوانیم: «يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ؛ خدایوند درباره فرزندان شما سفارش می کند.» (نساء: ۱۱) این سفارش خداوند، عام است و همه فرزندان و هر نوع سفارش از جمله کمک های مالی را دربرمی گیرد. چنان که در روایات معصومان (ع) درباره انفاق بر اولاد، بسیار تأکید شده است. پیامبر اسلام نیز می فرماید: «وما أطعمت ولدك فهو لك صدقة؛ هر غذایی که به فرزندت

می دهی، صدقه است.» (۱) همچنین امام صادق (ع) در مورد نفقه می فرماید: «انسان ملزم است نفقه پدر و مادر، فرزندان و همسر را پرداخت کند.» (۲)

از آیات و روایات به دست می آید که در صورت نیازمندی فرزند جوان، پدر و مادر باید به او مساعدت و از نظر اقتصادی، وی را پشتیبانی کنند. همچنین به داوری عقل و عرف، پدران و مادران بایستی از جوانان دست گیری کنند و از یاری رسانی به آنان دریغ نورزند.

امام باقر (ع) می فرماید:

علی (ع) به بازار پارچه فروش ها آمد و به مردی فرمود: «دو جامه به من بفروش.» آن مرد گفت: ای امیرمؤمنان! آنچه مطلوب شماست، نزد من است. چون پارچه فروش امیر مؤمنان را شناخت، [از او خرید نکرد و] گذشت. نزدیک [فروشنده] جوانی ایستاد و دو جامه خرید؛ یکی را به سه درهم و دیگری را به دو درهم. آنگاه به قنبر فرمود: «ای قنبر! تو این جامه را که به سه درهم خریده ام، بردار.» قنبر گفت: شما به آن سزاوارترید، [چون] منبر می روید و برای مردم، سخنرانی می کنید. علی (ع) فرمود: «و تو جوانی و خواسته های جوانی داری و من از پروردگارم خجالت می کشم که خود را بر تو مقدم بدارم.» (۳)

علی (ع) نیاز قنبر - صحابه جوانش - را می دانست که لباس، لازم دارد و از طرفی هم او توان خرید پیراهن را نداشت. از این رو، بلافاصله حضرت نیاز او را به بهترین شکل (دادن پیراهن برتر) تأمین کرد. این سیره عملی امام علی (ع)، الگوی خوبی برای متولیان امور جوانان است تا نیازهای جوانان را بشناسند و برای رفع آن تلاش کنند. علی (ع) شخصیت قنبر را

۱- نهج الفصاحه، ص ۶۹۵.

۲- موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار (ع)، ۱۴۲۸ هـ. ق، ج ۱، ص ۳۹۱.

۳- حکمت نامه جوان، ص ۲۸۶؛ نقل از: بحار الانوار، ج ۴۰، ص ۳۲۴، ح ۶.

درک کرد و نیاز او را شناخت و پیراهن گران بهایی را که شایسته خودش بود، به وی بخشید و او را بر خود مقدم داشت. این رفتار علی(ع) درسی است برای همه مسلمانان که به شخصیت جوان احترام بگذارند، با نسل جوان مهربان باشند و این مهربانی را در عمل نشان دهند.

مطالبه اقتصادی جوان از خانواده قابل توجه است و نباید از آن غفلت کرد؛ زیرا جوان از یک سو، با روحیه جوانی که دارد، به مصرف بیشتر متمایل است و می خواهد از دوستانش کم نیاورد. از سوی دیگر، چون هنوز کار و کسب درستی ندارد و دستش خالی است، انتظار دارد خانواده به وی یاری رساند و در مشکلات زندگی از وی دست گیری کند.

امروزه بیشتر جوانان با این مشکل روبه رو هستند و به همکاری پدر و مادر و جامعه نیاز جدی دارند. بسیاری از خانواده ها نمی توانند نیازهای فرزندان خود را تأمین کنند. در اینجا افراد نیکوکار جامعه باید تدبیری بیندیشند و زمینه رشد اقتصادی خانواده ها را فراهم آورند.

دوم _ نیاز به وسایل رفاهی

دوم _ نیاز به وسایل رفاهی

جوان به تفریح و گشت و گذار و سرگرمی نیاز دارد و می خواهد با رفاه و آسایش بیشتر زندگی کند. او انتظار دارد خانواده، وسایل بهتر، خانه بهتر، لباس های نو و مُید روز و غذاهای مناسب برایش تهیه کند. خانواده باید به این خواسته جوان _ اگر بیش از توان آنها نیست _ توجه کند و زمینه بهتر زیستن او را فراهم آورد؛ چراکه فرزندان، پاره تن آدمی هستند و فراهم ساختن نیازهای رفاهی آنان در واقع، کمک به خویشان است.

در مقابل، دریغ کردن از کمک های مالی به آنها، پی آمدهای ناگوار روحی و روانی دارد که جبران نمی شود و گاه موجب سرافکنندگی جوانان

نزد دوستان و جامعه می شود. (۱) پیامبر در پاسخ مردی که گفت دیناری دارم، آن را کجا مصرف کنم؟ فرمود: «أَنْفِقْهُ عَلَى وَلَدِكَ؛ آن را به فرزندت ببخش»؛ (۲) زیرا نیاز او به انفاق و بخشش مالی، بیشتر و کمک به او شایسته تر است.

اگر آن جوان، دختر باشد، بیشتر به لوازم رفاهی و آسایشی نیاز دارد و توجه به نیازهای او لازم تر است؛ چون دختران از یک سو، با داشتن نیازهای مختلف، خود، قادر به تأمین آن نیستند و از سوی دیگر، دارای احساسات بالا و رقت قلب هستند و اگر به نیازهای آنان توجه نشود، به شدت متأثر می شوند. از این رو، زنان و دختران مورد مهربانی ویژه خداوند قرار دارند. پیامبر می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرْقُ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ؛ به درستی خدای تبارک و تعالی بر زنان مهربان تر است نسبت به مردان»؛ (۳) زیرا زنان و دختران، عواطف شدیدتری نسبت به مردان و پسران دارند. دختر جوان همانند گل زیبایی است که به نگهداری و پرورش نیاز دارد و همیشه باید باغبان گل را آبیاری کند و موانع رشد آن را برطرف سازد تا به ثمر برسد. نقش خانواده نیز در تربیت دختر همچون باغبان است و همواره باید نیازهای جسمی و روحی او را برطرف کند.

شاید براین اساس، خداوند سرپرستی مریم را به زکریا واگذار کرد تا نیازهای وی را تأمین و از وی پاسداری کند: «... و كَفَّلَهَا زَكَرِيَّا...؛ ... و زکریا را سرپرست وی قرار داد...» (آل عمران: ۳۷) همچنین، خداوند، خود به مریم رزق و روزی می داد: هر زمان زکریا وارد محراب مریم می شد، غذای مخصوصی

۱- حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (ع)، ص ۲۶۶.

۲- ۲. موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، ص ۳۹۱.

۳- وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۰۴.

در آنجا می دید. از او پرسید: ای مریم! این را از کجا آورده ای؟ گفت: این از سوی خداست. خداوند به هر کس بخواهد، بی حساب روزی می دهد.

این داستان، نمونه ای است از عنایت خاص خداوند به مریم، به عنوان دختری جوان که نیازهای گوناگونی دارد و حق تعالی تأمین آن را عهده دار شده است. بنابراین، خانواده ها تا می توانند، باید به خواسته های معقول جوانان پاسخ دهند و نیازهایشان را برآورده کنند. این کار، از یک سو، وظیفه دینی و اسلامی خانواده هاست که باید به خویشاوندان و بستگان رسیدگی کنند و از سوی دیگر، نوعی پرورش و شکوفاسازی شخصیت جوان است؛ زیرا با ابراز محبت پدر و مادر و تأمین نیازهای مالی و رفاهی جوان، رابطه جوان با خانواده قوی تر و محکم تر می شود.

سوم _ نیاز به اتاق جداگانه

سوم _ نیاز به اتاق جداگانه

این نیاز برخاسته از حس استقلال خواهی جوان است. جوانان در این دوره می خواهند زندگی مستقلی داشته باشند. استقلال از پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده، چیزی است که جوانان به آن علاقه دارند. آنان در حیطه زندگی خود کارهایی می خواهند انجام دهند که دوست ندارند دیگران، حتی پدر و مادر از آن باخبر باشند. اختصاص اتاق به جوان، افزون بر آن که پاسخ گویی به حس استقلال خواهی اوست، آثار تربیتی دیگری نیز در شخصیت وی دارد، از جمله کمک به فعالیت درسی و پیشرفت تحصیلی جوان که وی با تمرکز حواس و دور از دغدغه های فکری به مطالعه و بررسی کتاب های درسی می پردازد. از جنبه طبیعی و غریزی نیز هرچه زندگی آرام و جای خلوت برای جوان فراهم باشد، کمتر دچار وسوسه و تحریک جنسی می شود.

به همین دلیل، جداسازی بستر خواب فرزندان پس از رسیدن به مرحله تمییز و شناخت بد و خوب و زشت و زیبا، چیزی است که در روایات معصومان(ع)، بر آن تأکید شده است. پیامبر اسلام می فرماید: «اِذَا بَلَغَ اَوْلَادُكُمْ سَبْعَ سِنِينَ فَفَرِّقُوا بَيْنَ مَضَاجِعِهِمْ؛ زمانی که فرزندان شما به هفت سالگی رسیدند، خوابگاهشان را از یکدیگر جداسازید».(۱)

این کار آثار تربیتی مهمی به همراه دارد. هرچه سن فرزند افزایش یابد، نیاز به جداسازی اتاق خواب وی بیشتر احساس می شود؛ زیرا غرایز انسان در دوره نوجوانی و جوانی رشد می کند و امیال طبیعی او شکوفا می شود. در این شرایط بهتر است وی در جای خلوتی دور از محرک های بیرونی زندگی کند و در صورت امکان، کمتر با جنس مخالف تماس برقرار کند.

براین اساس، یکی از خواسته های جوان از خانواده، تهیه اتاق مستقل برای وی است که باید به آن توجه شود. چنان که در فقه بیان شده، نفقه نیز بر اساس شأن فرزند و به اندازه کفایت نیاز او لازم است، نه حال والدین؛ به این معنا که غذا، پوشاک و مسکن باید به مقدار نیاز جوان فراهم شود. یکی از نیازهای فرزند در نوجوانی و جوانی، داشتن اتاق جداسازی تا زندگی بهتری داشته باشد.(۲)

۲. انتظارات جوان از جامعه

اشاره

۲. انتظارات جوان از جامعه

همان گونه که جوان انتظاراتی از خانواده دارد، از جامعه اسلامی نیز خواسته هایی دارد که حکومت اسلامی به عنوان مدیر جامعه، مسئول

۱- علاءالدین متقی هندی، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹هـ. ق، ج ۱۶، ص ۴۴۱.

۲- نک: موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، ص ۴۲۰.

رسیدگی به حقوق جوانان است. انتظارات جوانان از جامعه در قالب حقوق ملت بر دولت قابل تبیین است که در بعضی روایات نیز آمده است. مهم ترین خواسته های جوان از جامعه عبارتند از:

الف) انتظارات فردی

اشاره

الف) انتظارات فردی

انتظارات فردی جوان جنبه شخصی دارد؛ به این معنا که در صورت برآورده شدن آن انتظار، سود و نفعش در درجه اول به خود جوان برمی گردد و در درجه دوم ممکن است به اجتماع برسد.

یک _ زمینه سازی رشد استعدادهای جوان

یک _ زمینه سازی رشد استعدادهای جوان

رشد استعداد جوان تا حدودی فردی و مربوط به فعالیت خود اوست، ولی جامعه باید زمینه های آن را فراهم آورد؛ زیرا زمینه سازی پرورش استعدادهای جوان به فعالیت و هزینه فراوان نیاز دارد که از عهده نسل جوان و خانواده های آنان خارج است. برای مثال، برای شکوفا شدن استعداد ورزشی جوان، به سالن ورزشی، مربی ماهر و امکانات مختلف نیاز است و این کار از حکومت ساخته است، نه خانواده. جوان هم انتظار دارد که مسئولان امر آن را فراهم آورند. اگر استعداد جوان در دوره جوانی شکوفا نشود، این فرصت از دست می رود و در دوره پیری نمی توان آن را جبران کرد. علی (ع) می فرماید: «بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً؛ فرصت را پیش از آن که اندوه گردد، دریاب.»^(۱) در جمله دیگر می فرماید: «مَا أَقْرَبَ الدُّنْيَا مِنَ الدَّهَابِ وَ الشَّيْبِ مِنَ الشَّبَابِ؛ چه نزدیک است دنیا به نابودی و جوانی به پیری.»^(۲)

۱- حکمت نامه جوان، ص ۴۴.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۴۴.

شکوفای شدن استعداد‌های جوان نیازمند زمینه‌سازی و برنامه‌ریزی درست و دقیق است. همه نیروهای فعال و تأثیرگذار در عرصه اجتماع می‌توانند در این مورد سهم‌ها باشند، ولی نقش حکومت در این مسئله، بسیار چشمگیر است؛ زیرا دولت، صاحب اختیار همه منابع مادی و نیروهای انسانی جامعه است و می‌تواند با برنامه‌ریزی‌های مناسب، انتظارات نسل جوان را تأمین کند و توانایی‌های آنان را به فعلیت برساند.

امام علی(ع) خطاب به همه ملت می‌فرماید:

أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا وَ لَكُمْ عَلَيَّ حَقٌّ فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَّصِيحَةُ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ. (۱)

ای مردم! مرا بر شما و شما را بر من حقی واجب شده است. حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نورزم و بیت‌المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم.

کلام علی(ع) در مورد حقوق رعیت، شامل جوانان نیز می‌شود و از جمله حقوق آنان بر حکومت، برخورداری از حق پیشرفت در عرصه‌های دینی، ارزشی، معنوی و تحصیلی است که باید در این موارد برنامه‌ریزی و تأمین اعتبار صورت گیرد.

نکته قابل توجه در گفتار امام علی(ع) آن است که حضرت در زمان تصدی حکومت اسلامی این سخن را بیان فرموده و حقوق ملت را بر دولت تثبیت کرده است؛ یعنی همه مردم (اعم از زن و مرد و پیر و جوان) حقوقی برعهده دولت دارند و نسل جوان گروه مهم جامعه را تشکیل

می دهند و ادای حقوق آنها لازم تر است. از این رو، توجه جدی به نیازها و انتظارات آنان در شرایط امروزی از هر زمان دیگر ضروری تر می نماید.

حضرت در عهدنامه مالک اشتر نخعی _ که به منشور حکومتی ایشان معروف است _ به مالک می فرماید: «تَفَقَّدَ مِنْ أُمُورِهِمْ مَا يَتَفَقَّدُ الْوَالِدَانِ مِنَ وَلَدِهِمَا؛ آن گونه درباره امور مردم بیندیش که پدر و مادر مهربان نسبت به فرزندشان می اندیشند و برای آینده او برنامه ریزی می کنند.» (۱) بررسی اوضاع جوانان به دلیل حساسیت دوره جوانی از هر کاری لازم تر است؛ زیرا رشد و تکامل ابعاد وجودی جوان از یک سو، به همت اولیا و مربیان و از سوی دیگر، به دستگاه حکومت بستگی دارد. ایجاد عرصه فعالیت در تمام فنون مورد نیاز جامعه از عوامل مؤثر در رشد اندیشه جوانان است. جوان تنها در صورتی به ابتکار و خلاقیت دست خواهد یافت که امکانات لازم برای به فعلیت رسیدن توانایی های فکری و هنری او فراهم باشد، چنان که جهان صنعتی از همین راه به فنون جدید دست یافته است. دنیای اسلام نیز اگر این مسیر را پیماید، می تواند شاهد شکوفایی استعداد های نسل جوان و دست یابی به نوآوری های جدید علمی باشد. براین اساس، خواسته مهم جوانان از جامعه، به ویژه نهاد حکومت آن است که عرصه های فعالیت علمی و فن آوری را برایشان آماده سازد. تجربه نشان داده حکومتی در دنیا موفق بوده است که نیروی های جوانش را به کار گرفته و شغل و حرفه مناسب برای آنان فراهم آورده است.

دو _ زمینه سازی ابتکار و خلاقیت جوان

دو _ زمینه سازی ابتکار و خلاقیت جوان

نوآوری در عرصه های علمی و فرهنگی، از هدف های راهبردی همه حکومت هاست و خواسته هر دولتی است که به تکنیک های مدرن و پیشرفته روز دست یابد. آنها در این زمینه سرمایه گذاری می کنند و همواره در تلاش هستند تا به فن آوری های جدید علمی دست یابند، چنان که رقابت های نظامی و تسلیحاتی شرق و غرب از دیر زمان، با همین هدف قابل توجیه است.

میزان پیشرفت کشورها به برنامه ریزی های منظم و سامان دهی نیروهای کاری و هدایت نسل جوان بستگی دارد. نقش جوانان در نوآوری علمی و پیشرفت صنعت و فنون جدید، روشن است. کشوری در این زمینه موفق تر است که شرایط ابتکار و خلاقیت را در جامعه فراهم آورد و نسل جوان را در جهت تحصیل دانش های رایج روز، هدایت کند. ابتکار و خلاقیت به علوم تجربی اختصاص ندارد، بلکه حوزه فرهنگ و تمدن دینی را نیز دربرمی گیرد؛ زیرا ممکن است برخی جوانان در قلمرو معارف اسلامی نیز راهکارهایی معرفی کنند که در اجرای دستورهای دینی کارسازتر باشد. برای مثال، در مورد علوم نرم افزاری به طرح ها و فرمول های تازه ای برسند و معارف اسلامی را به شیوه روز به جهان عرضه کنند.

انتظار زمینه سازی ابتکار و خلاقیت، با ویژگی نهفته در ذات جوان هماهنگ است؛ زیرا او طبع خلاق و بالنده دارد و همواره می خواهد به یافته های جدیدی در عرصه علم و عمل برسد. از این رو، توقع دارد زمینه

بالندگی و شکوفایی توانایی هایش فراهم شود و این از انتظارات بر حق نسل جوان است.

شاید خانواده های ثروتمند بتوانند در برخی موارد، فضای محدودی را به منظور نوآوری علمی فراهم آورند، ولی در سطح عموم نمی توانند اثرگذار باشند. بنابراین، دولت باید در عرصه های گوناگون علم و صنعت، زمینه ابتکار و خلاقیت جوانان را به وجود آورد. جوانان نیز باید همت کنند، از بیکاری و تنبلی دست بردارند، با جدیت و پشتکار به تحصیل دانش پردازند و به خلاقیت و نوآوری دست یابند.

خداوند در یک دستور کلی به جوامع اسلامی می فرماید:

وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ. (انفال: ۶۰)

و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب های آماده بسیج کنید تا با این تدارکات، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان _ که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد _ بترسانید.

یعنی با همه امکانات به میدان وارد شوید و نیروهای جوان را به کار بگیرید و در تمامی شئون زندگی به نوآوری برسید تا در برابر دشمنان خدا و دشمنان خود شکست نخورید. این فرمان الهی، می طلبد که همه جوانان در صحنه های مختلف دینی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی، ابتکار و خلاقیت خود را نشان دهند. دولت نیز باید در همه زمینه ها همکار و پشتیبان آنها باشد تا ظرفیت های وجودی شان به شکوفایی برسد.

(ب) انتظارات علمی و فرهنگی

اشاره

(ب) انتظارات علمی و فرهنگی

جوان، در زمینه علمی و فرهنگی نیز انتظاراتی از جامعه دارد که به این نوع مطالبات آنان هم باید توجه کرد. پیشرفت علمی و فرهنگی جوان، جنبه

فردی دارد و تا حدودی مربوط به رشد شخص وی است، ولی نتیجه تحصیلات جوانان به طور مستقیم متوجه جامعه می شود و هر کار علمی و فرهنگی انجام دهد، به جامعه ای متعلق است که در آن زندگی می کند.

یک _ زمینه سازی تحصیل جوانان

یک _ زمینه سازی تحصیل جوانان

علم آموزی خواسته هر انسان عاقل و صاحب اندیشه است که همواره در جهت آن حرکت می کند. تحصیل دانش از منظر اسلام، مهم ترین برتری بر دیگر انسان ها به شمار می رود. خداوند در قرآن می فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟ آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند، یکسانند.» (زمر: ۹) چنین نیست؛ زیرا عالمان چیزی (علم) دارند که نادانان از آن محروم هستند. علم به مفهوم عام آن، همه دانش های رایج بشری را در بر می گیرد؛ یعنی هر دانشمندی نسبت به کسی که از دانش او بی بهره است، برتری خواهد داشت. از منظر قرآن و روایات اسلامی، علم در مفهوم خاص آن، علوم دینی است و پاداشی که در متون، به آن وعده داده شده، برای علم به معارف الهی و عالم به آن است. از این رو، معارف اسلامی، مهم ترین مواد آموزشی نسل جوان را تشکیل می دهد.

علی (ع) در نامه ای به فرزندش امام حسن (ع) فرمود:

وَأَنْ أبتدئَكَ بِتعليمِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ تَأويلِهِ وَ شَرَايعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ وَ لَا أُجَاوِزُ ذَلِكُ بِكَ إِلَى غَيْرِهِ. (۱)

در آغاز تربیت، تصمیم گرفتم کتاب خدای توانا و بزرگ را همراه تفسیر آیات، به تو بیاموزم و شریعت اسلام و احکام آن از حلال و حرام را به تو تعلیم دهم و به چیز دیگری نپردازم.

چند نکته آموزشی از این کلام علی (ع) به دست می آید: اول، چگونگی محتوای آموزشی جوانان باید با قرآن و شریعت اسلامی و حلال و حرام الهی آغاز شود. دوم، پدر و مادر خود باید به آموزش جوانان اقدام کنند. سوم، حاکم اسلامی باید با تعلیم و تربیت نسل جوان ارتباط مستقیم داشته باشد و در حد امکان، خود، به آنان آموزش دهد.

علوم غیر دینی را که در مسیر تکامل معنوی انسان و خدمت به مردم قرار می گیرند و در راستای سربلندی جامعه اسلامی به کار می روند، می توان جزو علم به معنای خاص قرار داد. صاحبان آن دانش هم از پاداش های موعود در آیات و روایات بهره مند خواهند شد؛ چون نتیجه این گونه دانش ها موجب تقویت نظام اسلامی و سبب اعلای کلمه توحید می شود و این کار در شرایط امروز، با ارزش ترین عمل به شمار می آید. افزون بر این، نوآوری در عرصه علم و صنعت و تجهیزات نظامی به ایجاد امنیت، اقتدار ملی و جهانی، استقلال کشور و سیاست گذاری خارجی کمک می کند.

منظور از زمینه سازی تحصیل جوانان در حوزه علوم دینی و غیردینی، هم آموزش در عرصه علوم اسلامی و هم آموزش در فضای علوم روز و رشته های رایج در مراکز علمی جهان، به ویژه علوم انسانی است. تحصیل در دوره جوانی چیزی است که در عرف خردورزان و متون دینی بر آن تأکید بسیار شده است؛ چراکه جوان در مقایسه بزرگ سالان از توان و قدرت یادگیری بالایی برخوردار است و باید از این فرصت جوانی استفاده کند.

انتظار نسل جوان از جامعه و در رأس آن، نهاد حکومت است که مقدمات تحصیل، نظیر تأسیس مراکز آموزشی، متون درسی، تهیه امکانات

تحصیلی و به کارگیری استادان شایسته را برایشان پدید آورند و آنان بتوانند با همت عالی و تلاش روزافزون، به سطوح عالی دانش دست یابند. علی(ع) در خطبه ۳۴ نهج البلاغه، تعلیم و تربیت نسل جوان را بر عهده حاکم اسلامی دانسته است و می فرماید:

فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ فَالْنَصِيحَةُ لَكُمْ وَ تَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْكُمْ وَ تَعْلِيمِكُمْ كَيْ لَا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبِكُمْ كَيْمَا تَعْلَمُوا.

حق شما بر من آن است که از خیرخواهی شما دریغ نوزم و بیت المال را میان شما عادلانه تقسیم کنم و شما را آموزش دهم تا بی سواد و نادان نباشید و شما را تربیت کنم تا راه و رسم زندگی را بدانید.

سیره علی(ع) در تربیت فرزند، این امر را نشان می دهد که در کنار زمینه سازی مقدمات تحصیل، خود نیز به این امر اهتمام می ورزید. از این گفتار برمی آید که سیره علی(ع) در تعلیم فرزند، آموزش دستوره‌های اسلام و معارف قرآن بود، نه چیزی دیگر؛ زیرا آن حضرت، روش تربیت فرزند را در نامه ۳۱ نهج البلاغه به خوبی بیان کرده و راهکارها و محتوای آموزشی را معین فرموده است در کلام ایشان بیان شده است که چه علمی را چگونه باید به فرزندان آموزش داد.

نسل جوان جویای تحصیل هستند و انتظار دارند نظام حاکم بر جامعه، به مطالبه آنان توجه کند و شرایط تحصیل را برایشان فراهم سازد. بسیاری از حکومت‌ها نیز در عمل نشان داده اند که درصدد تحقق شایسته این خواسته جوانان بوده و هستند و بیشترین سرمایه دولت را در زمینه تحصیلات عمومی و عالی کشور هزینه می کنند. البته، تنها هزینه مالی کارساز نیست. آنچه مهم تر به نظر می رسد، برنامه ریزی درست و دقیق است

که باید از متخصصان هر رشته تحصیلی برای رشد کمی و کیفی آن رشته بهره جست.

بدین ترتیب، تخصص در فنون مختلف، جایگاه ویژه خود را پیدا می کند و صاحبان فن بالاترین امتیاز را به دست می آورند. برنامه سازان صداوسیما می توانند در این زمینه تأثیرگذار باشند و با راهنمایی درست جوانان، آنان را با رشته های گوناگون علمی آشنا سازند تا هنگام انتخاب گرایش، مناسب ترین گزینه را برگزینند.

دو_ زمینه سازی مشارکت جوانان در امور فرهنگی و تربیتی

دو_ زمینه سازی مشارکت جوانان در امور فرهنگی و تربیتی

فرهنگ سازی، از امور مهم در جامعه اسلامی است و کاری باید کرد که فرهنگ جامعه، فرهنگ دینی شود. امام خمینی رحمه الله در این زمینه می فرماید:

کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ اسلامی درست کنید. [چون] جوان هایی که در این فرهنگ تربیت می شوند، همان هایی هستند که مقدرات کشور در دست آنهاست. اگر اینها درست بار بیایند [و] همه خدمت گزار مردم و امین بیت المال باشند، سعادت جامعه تأمین می شود و همه اینها تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می کنند. (۱)

همچنین ایشان در سخنان دیگر می فرماید:

باید کوشش کنید مفاسد فرهنگ حاضر را بررسی کرده و به اطلاع ملت ها برسانید و با خواست خداوند متعال آن را عقب زده، به جای آن، فرهنگ اسلامی _ انسانی را جایگزین کنید تا نسل های آینده با روش آن که روش انسان سازی و عدل پروری است، تربیت شوند. (۲)

۱- صحیفه امام، ج ۸، ص ۸۹.

۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۰۰.

اهمیت فرهنگ سازی و لزوم رشد معنوی جامعه از این فرازهای گفتار امام راحل رحمه الله به خوبی روشن می شود و پرسش این است که این امر چگونه تحقق می پذیرد؟

به نظر می رسد، از راهکارهای دست یابی به این مهم، مشارکت دادن جوانان در کارهای فرهنگی و تربیتی جامعه است که این کار بسیار اثربخش خواهد بود؛ زیرا برنامه ریزی و اجرای طرح های فرهنگی در اجتماع به نیروی های فعال و باذوق و سلیقه هنری نیاز دارد تا آن نیروها بتوانند در جهت رشد و شکوفایی فرهنگ جامعه وارد عمل شوند. نسل جوان، تنها گروهی هستند که می توانند گام های مؤثری در این زمینه بردارند و منادیان فرهنگ اسلام و قرآن باشند. تبلیغات اسلامی در شهر و روستا، برگزاری مراسم اعیاد و وفات معصومان(ع)، شرکت در مراسم نمازهای جمعه و جماعت به صورت هماهنگ و باشکوه، از نمادهای مشارکت جوانان در امور فرهنگی و تربیتی است. جوانان انتظار دارند که جامعه اسلامی زمینه مشارکت آنان را در این گونه برنامه ها فراهم سازد.

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت(ع)، ضرورت مشارکت دادن نسل جوان در امور فرهنگی و تربیتی جامعه را روشن می کند. بررسی سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله در مکه و مدینه، به خوبی نشان می دهد که آن حضرت در همه عرصه های فرهنگی، تبلیغی، تربیتی و رزمی از نیروهای جوان بهره می بردند. داستان هجرت جمعی از یاران پیامبر به سرپرستی جعفر بن ابی طالب، برادر علی(ع)، به حبشه و تبلیغات دینی و فرهنگی آنها در آن سرزمین، سبب نشر

معارف اسلام و درنهایت، موجب مسلمان شدن نجاشی (رئیس حکومت) و عده ای از مردم حبشه شد. (۱)

ملاقات مسلمانان با پادشاه حبشه و گفت و گوی رودررو با نمایندگان قریش و سخنان قوی و منطقی جعفر، چنان حاکمان حبشه را تحت تأثیر قرار داد که بی درنگ از آنان طرفداری کردند و به ایشان پناه دادند. (۲) امروزه نیز اگر به جوانان میدان داده شود و زمینه فعالیت آنان فراهم گردد، همان نقشی را که جوانان صدر اسلام در انتشار معارف الهی داشتند، نسل جوان کنونی هم در نشر تعالیم اسلام و عزت و اقتدار جامعه اسلامی ایفای نقش خواهند کرد.

ج) انتظارات سیاسی و اجتماعی

اشاره

ج) انتظارات سیاسی و اجتماعی

جوانان انتظار دارند در حیطه سیاسی و اجتماعی نیز مشارکت کنند. رایزنی، راهنمایی، شرکت در انتخابات و اعتراضات، حمایت از نظام اسلام و امثال آن، نمادهای سهم گیری نسل جوان در امور سیاسی و اجتماعی است که با پشتیبانی دولت امکان پذیر است.

یک - رایزنی با جوانان

یک - رایزنی با جوانان

یکی از انتظارات جوان از خانواده و اجتماع، مشورت کردن با اوست. وقتی فرزند به سن بلوغ و جوانی برسد، با ویژگی های جسمی و روانی خاصی که دارد، حس استقلال خواهی در او غلبه می کند و می خواهد در مسائل زندگی مستقل باشد و در تصمیم گیری های مربوط به امور خانواده و جامعه سهم گردد و این انتظار را دارد که در همه زمینه ها با وی مشورت شود.

۱- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۰۹.

۲- جعفر سبحانی، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۱۵.

قرآن کریم هم دستورهایی در مورد مشاوره و راهنمایی داده است که جوانان را به سهم گیری در این کار تشویق می کند. حتی خداوند به پیامبر دستور می دهد که با جوانان مشورت کند و از آنها نظر بخواهد: «... وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» و در کارها با آنان مشورت کن...» (آل عمران: ۱۵۹) در جای دیگر به عنوان یک قانون کلی می فرماید: «... وَ أَمْرُهُمْ شُورًا بَيْنَهُمْ...» ؛ ... و آنها (نمازگزاران) کارشان با مشورت میان خودشان باشد...» (شورا: ۳۸)

در روایات نیز بر مشاوره تأکید شده است. امام رضا(ع) می فرماید:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَسْتَشِيرُ أَصْحَابَهُ ثُمَّ يَعِزُّمَ عَلِيَّ مَا يُرِيدُ. (۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته از اصحابش در کارها مشورت خواهی می کرد. سپس برای انجام دادن خواسته اش تصمیم می گرفت.

علی(ع) نیز درباره اهمیت مشاوره می فرماید: «الْإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ؛ مشورت خواهی همان هدایت است.» (۲) اگر کسی در زندگی با دوستان و بزرگان مشورت کند، در دنیا و آخرت سعادت مند خواهد شد. علی(ع) باز فرمود: «الْمُسْتَشِيرُ عَلَى طَرَفِ النَّجَاحِ؛ مشورت کننده در طریق رستگاری است.» (۳)

از آیات و روایات به دست می آید که مشورت راه نجات و موجب پیشرفت امور است. لزوم مشورت دهی به جوانان و راهنمایی آنان را از برخی احادیث و همچنین از سرگذشت نسل جوان می توان دریافت. علی(ع) در رهنمودی به کاردار جوانش، مالک اشتر نخعی می فرماید:

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۴.

۲- عبدالواحد آمدی، شرح غرر الحکم و دررالکلم، به شرح: محمد خوانساری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۴۲.

۳- عبدالواحد آمدی، شرح غرر الحکم و دررالکلم، به شرح: محمد خوانساری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ص ۴۴۲.

وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ وَيَعِدُّكَ الْفَقْرَ وَ لَاجِبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ وَ لَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ، فَإِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ الْحِرْصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ. (۱)

بخیل را در مشورت کردن دخالت نده که تو را از نیکوکاری باز می دارد و از تنگ دستی می ترساند. ترسو را در مشورت کردن دخالت نده که در انجام کارها، روحیه تو را سست می کند. حریص را در مشورت دخالت نده که حرص را با ستم کاری در نظرت زینت می دهد. همانا بخل و ترس و حرص، غرایز گوناگونی هستند که ریشه آنها بدگمانی به خدای بزرگ است.

امام علی (ع) در این سخنان، به مشورت کردن با جوان دستور نداده و با ذکر علل، از مشاوره با برخی افراد منع کرده است، ولی معلوم است که اصل مشورت با جوانان به نظر ایشان مسلم بوده است، و گرنه نهی از مشاوره با بخیل، ترسو و حریص معنا نداشت.

از مفهوم کلام امام چنین برداشت می شود که مشاوره با افراد عاقل، کاردان و دل سوز برای جوان لازم است؛ زیرا جوان نسبت به بزرگ سالان تجربه اندکی دارد و در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها باید از صاحبان خرد و تجربه کمک گیرد؛ چون در جای دیگر می فرماید: «الاستشارة عَيْنُ الْهُدَايَةِ؛ مشورت کردن، عین هدایت یافتن است.» (۲) بنابراین، از توقع های برحق جوان از جامعه، مشورت دهی به آنان است تا بر اثر استفاده از راهنمایی و تجربه بزرگان، به سعادت دنیا و آخرت دست یابند.

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص ۲۸۳.

دو _ مسئولیت دهی به جوانان

دو _ مسئولیت دهی به جوانان

یکی از انتظارات جوان از خانواده و اجتماع این است که هر کدام در قلمرو اختیار خود، وظایفی به جوانان واگذار کنند. در محیط خانه باید کارهای مربوط به اداره خانواده در حوزه آموزش فرزندان، تأمین نیازهای اقتصادی و ارتباط با بستگان و همسایگان را به عهده جوانان گذاشت. در عرصه اجتماع نیز باید مسئولیت هایی را متناسب با شأن جوانان به آنان واگذار کرد تا آنها در مسائل مهم سیاسی و اجتماعی جامعه سهیم شوند.

دوره جوانی، دوره احساس مسئولیت و انجام وظیفه است و هر جوانی می خواهد به خانواده و جامعه خود خدمت کند و انتظار دارد که دیگران در سپردن مسئولیت به جوان، همکاری کنند. مسئولیت خواهی جوانان ناشی از ویژگی های جسمی و روانی آنهاست که توان لازم برای انجام کار را دارند و به نقش آفرینی علاقه مند هستند. اگر از همان آغاز نوجوانی و جوانی، برخی مسئولیت های خانوادگی و اجتماعی به جوانان واگذار شود، ضمن پاسخ گویی به احساس مسئولیت پذیری و مطالبه آنان، به تدریج، برای انجام وظایف مهم اجتماعی و سیاسی آماده می شوند. این کار، در واقع، یک نوع کارورزی و تمرین عملی برای انجام مسئولیت و موفقیت در ایفای وظیفه خواهد بود.

سیره پیامبر اسلام در مدت ۲۳ سال نبوت نشان دهنده احترام وی به شخصیت جوانان و سپردن مسئولیت های مهم به آنان است. اگر تاریخ سیاسی _ اجتماعی عصر رسالت را مطالعه کنیم، درمی یابیم که آن حضرت چقدر به جوانان مؤمن اعتماد داشت و پست های مهم سیاسی و نظامی را به افراد کم سن و سال واگذار می کرد. از جمله آنها می توان به اعطای

فرماندهی ارتش اسلام به اسامه بن زید اشاره کرد که فردی نارس و کم تجربه بود. حضرت هنگام بازگشت از حجه الوداع به مدینه، تصمیم گرفت سپاهی به فرماندهی اسامه بن زید به جنگ روم اعزام کند. ابن سعد در طبقات الکبری می گوید:

پیامبر دستور داد، همه مهاجران و انصار در سپاه اسامه شرکت کنند، ولی بسیاری از صحابه، با فرماندهی وی مخالفت کردند و جوانی او را بهانه قرار دادند. رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت از این امر ناراحت شد، در مسجد حضور یافت و مخالفان اسامه را سرزنش کرد. ایشان بارها می فرمود: «جَهَّزُوا جَيْشَ أُسَامَةَ؛ سپاه اسامه را تجهیز کنید...» (۱).

بنابراین، یکی از مطالبات بر حق جوان از خانواده و جامعه، سپردن مسئولیت به وی است و باید به این خواسته جوانان توجه داشت. رفتار پیامبر و سیره معصومان (ع) با جوانان، الگوی مناسبی برای مسلمانان است و باید به آن بزرگواران اقتدا کرد.

علی (ع) همانند رسول خدا صلی الله علیه و آله وظایف مهم سیاسی و اجتماعی را به جوانان واگذار می کرد. برای نمونه، جاریه بن قُدمه تمیمی، جوانی خوش فکر از یاران باوفای علی (ع) بود و در ردیف نیروهای خاص آن حضرت قرار داشت. هنگامی که علی (ع) به خلافت رسید، جاریه در بصره از مردم برای او بیعت گرفت. در سه جنگ صفین، جمل و نهروان حضور جدی داشت و در رکاب علی (ع) با لشکر معاویه جنگید. او در جنگ صفین، فرمانده قبیله های سعد و زباب بود. علی (ع) مسئولیت های مهم و متعددی را به وی واگذار کرد. او را برای هدایت بنی نجران فرستاد. همچنین

۱- نک: ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۷۶هـ. ق، صص ۱۹۰ _ ۱۹۲.

او را در مقابل عبدالله بن عامر به بصره و در برابر بُسر بن اړطات به مدینه اعزام کرد و وی در همه صحنه‌ها موفق عمل کرد. (۱)

امروزه نیز سپردن مسئولیت به جوانان از خواسته‌های مشروع و به حق نسل جوان است. باید جوان‌ها در اداره‌ها، نهادهای دولتی، مراکز علمی و پژوهشی، سفارت‌خانه‌های کشور در خارج و همه بخش‌های رسمی و غیررسمی جامعه استخدام شوند و به انجام وظیفه پردازند. جای‌گزین کردن نیروهای جوان به جای مدیران و کارمندان کهن سال، از ضرورت‌های امروز جامعه اسلامی است که اگر اجرا شود، ممکن است نظام اداری و خدمات رسانی جامعه متحول شود. نسل جوان بر اثر فعالیت‌های شبانه‌روزی و تولید کارهای مفید و همچنین برنامه‌ریزی‌های درست برای آینده می‌توانند بیش از گذشته کارآیی داشته باشند و بسیاری از مشکلات موجود را حل کنند. تجربه نیز نشان داده است که هر جا جوانان سر کار بوده‌اند، با انرژی و تحرک بیشتری به اجرای برنامه‌ها پرداخته‌اند و این کار بازخورد بهتری نیز داشته است.

سه _ مشارکت دادن جوانان در امور سیاسی و اجتماعی

سه _ مشارکت دادن جوانان در امور سیاسی و اجتماعی

یکی دیگر از مطالبات جوانان از جامعه، زمینه‌سازی مشارکت آنان در مسائل سیاسی و اجتماعی است. شرکت فعال نسل جوان در مسائل سیاسی و اجتماعی، عامل پیشرفت جامعه است؛ چراکه قشر جوان، بخش بزرگی از جمعیت کشورهای اسلامی را تشکیل می‌دهند. از این رو، هماهنگی و مشارکت آنان در عرصه‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

نسل جوان با احساسات و عواطف جوانی، اگر خوب هدایت شوند و جهت گیری های درست سیاسی داشته باشند، در تعیین ساختار سیاسی کشور نقش اساسی خواهند داشت، چنان که حکومت اسلامی در مدینه به پشتیبانی جوانان تأسیس شد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زمینه شرکت جوانان در امور سیاسی را از همان روزهای آغازین بعثت فراهم کرد. به همین علت، از میان گروه های مختلف مردم جزیره العرب، جوانان بیش از دیگران به دعوت رسول خدا صلی الله علیه و آله پاسخ دادند و به خدا و پیامبر ایمان آوردند. آنها با وجود مخالفت شدید سران قریش و موالی شان، به دین اسلام گرویدند و برنامه های آن را با جان و دل پذیرفتند. زید بن حارث، فرزندخوانده پیامبر، از جمله جوانانی بود که به آن حضرت ایمان آورد و اسلام را به عنوان آیین زندگی خویش برگزید. (۱)

بی شک، گرایش جوانان به اسلام، بر اثر اهتمام پیامبر به نسل جوان و زمینه سازی آن حضرت برای مشارکت آنان در فعالیت های سیاسی و اجتماعی و برنامه های دینی بود. از جمله برنامه های دینی بسیار مؤثر در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله که جنبه عبادی و سیاسی داشت، اقامه نماز به صورت جماعت بود. این کار در زمان جاهلیت، سابقه نداشت و هنگامی که پیامبر با تعدادی از یاران به نماز می ایستاد، کار او خارق العاده جلوه می کرد. مسافرانی که از جاهای دور وارد مکه می شدند و منظره نماز جماعت مسلمانان را می دیدند، به شدت تحت تأثیر قرار می گرفتند.

۱- ابن هشام، سیره النبویه، ترجمه: هاشم رسولی، تهران، کتاب خانه اسلامیه، ۱۳۶۶، ص ۱۵۷.

عفیف کندی صحنه نماز پیامبر در مسجدالحرام را چنین توصیف می کند:

در روزگار جاهلیت وارد مکه شدم و سپس همراه عباس بن عبدالمطلب به مسجدالحرام رفتیم. ناگهان دیدم مردی آمد در برابر کعبه ایستاد. آن گاه پسری را دیدم که آمد در طرف راست او ایستاد، چیزی نگذشت زنی را دیدم که آمد پشت سر آنها قرار گرفت و من مشاهده می کردم که این دو نفر به پیروی از آن مرد به رکوع و سجود می رفتند. این منظره بی سابقه حس کنجکاوی مرا تحریک کرد و جریان را از عباس پرسیدم. (۱)

پیامبر در امور سیاسی، عبادی، نظامی و دیگر موارد، زمینه های حضور جوانان را فراهم می کرد و آنها را به شرکت در برنامه های دینی و اجتماعی در مکه و مدینه فرا می خواند. همچنین در تعلیم و تربیت و امور فرهنگی به جوانان فرصت می داد تا آنها با اعتماد به نفس مشارکت داشته باشند. بلال حبشی، جوانی از سرزمین حبشه در سفر و حضر همواره اذان گوی پیامبر بود.

عصر حاضر نیز حضور فعال نسل جوان را در برنامه های گوناگون اسلامی و اجتماعی می طلبد و انتظار جوانان آن است که در مسائل مختلف جامعه شریک باشند. امام خمینی رحمه الله درباره مشارکت جوانان در امور سیاسی و اجتماعی جامعه می فرماید:

بر شما جوانان ارزنده اسلام که مایه امید مسلمین هستید، لازم می باشد که ملت ها را آگاه سازید و نقشه های شوم و خانمان سوز استعمارگران را برملا نمایید. در شناسایی اسلام بیشتر جدّیت کنید. تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید. با کمال اخلاص در نشر و تبلیغ و معرفی اسلام به

دیگر ملل و پیشبرد آرمان های بزرگ اسلام بکشید. برای پیاده کردن طرح حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید. مذهب و مجهز شوید. متحد و متشکل شده، صفوف خود را فشرده تر سازید. هرچه بیشتر هم فکر شوید و انسان فداکار بسازید. از برملا کردن نقشه های دستگاه جبار علیه اسلام و مسلمین غفلت نورزید. صدای برادران رنج دیده و مسلمان را به دنیا برسانید و با آنان هم دردی کنید. (۱)

فصل چهارم: جوان و مسئولیت ها

اشاره

فصل چهارم: جوان و مسئولیت ها

با توجه به ویژگی هایی که جوان دارد و نعمت هایی که خداوند به او بخشیده است، مسئولیت های گوناگونی نیز به عهده دارد که باید با شناخت آنها به وظایف خویش عمل کند.

۱. مسئولیت جوان در برابر خود

اشاره

۱. مسئولیت جوان در برابر خود

جوان افزون بر اینکه در برابر غیر خود مسئولیت های متعددی دارد، در برابر خویشتن نیز دارای وظایف گوناگونی است. جوانی، موهبتی ارزشمند از سوی خداوند است و شناخت ابعاد مختلف جوانی، پاسداری از نعمت جوانی، استفاده درست از نیروی جوانی و رشد و تکامل بخشیدن به آن، وظایفی است که به عهده او گذاشته شده است و جوان باید آنها را بشناسد و انجام دهد. از این رو، خودشناسی، خودسازی، خودباوری، اعتماد به نفس و علم آموزی، برخی از وظایف جوان در برابر خود است.

الف) خودشناسی

اشاره

الف) خودشناسی

نخستین وظیفه جوان در برابر خود، شناخت درست از خویشتن است و اینکه خود را آن گونه که هست، بشناسد و درک کند که چه موجودی است

و از چه نعمت‌هایی برخوردار است؛ زیرا شناخت صحیح جوان از خود و آگاهی وی از استعدادها و ظرفیت‌های نهفته در وجودش، به او امکان می‌دهد.

۱. ارزش خود را درک کند و بداند موجود ارزشمندی است؛

۲. شناخت استعدادها، زمینه برنامه‌ریزی درست را برای جوان فراهم می‌آورد تا برای آینده‌اش تصمیم‌گیری مناسبی داشته باشد؛

۳. با برنامه‌ریزی صحیح می‌تواند توانایی‌های خود را به کار اندازد و در عرصه‌های مختلف زندگی به پیشرفت‌های چشم‌گیری برسد.

بدین ترتیب، خودشناسی از مهم‌ترین وظایفی است که در آیات و روایات بارها به آن تأکید شده است. خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ...؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خودتان پردازید...» (مائده: ۱۰۵) مراقبت از خود، مفهوم عام دارد و خودشناسی را نیز شامل می‌شود؛ یعنی جوان باید هم خود را بشناسد و هم از خود مراقبت کند؛ چون تا خویش را نشناسد و اهمیت خود را درک نکند، درصدد مراقبت از خود بر نمی‌آید.

از این رو، خودشناسی به عنوان مقدمه خودسازی و مراقبه از خود لازم است. برای فراگیری دقیق‌تر این مطلب، خودشناسی جوان را به دو بخش خودشناسی مادی و معنوی تقسیم می‌کنیم.

یک _ خودشناسی مادی

یک _ خودشناسی مادی

جوان دو نوع «خود» دارد: یکی، خود مادی که همان اندام ظاهری و اعضای بدن اوست و دیگری، خود معنوی که جنبه روحانی وی است. هر انسانی مرکب از جسم و روح است و این دو بعد وجودی هر کدام ویژگی‌های خود را دارند. شناخت این دو جنبه وجودی برای جوان لازم است. وی با آگاهی از جنبه‌های وجودش می‌تواند درصدد تقویت و پرورش آن برآید.

در اشعاری منسوب به امام علی (ع) آمده است:

و تَحَسَّبُ أَنَّكَ جِرْمٌ صَغِيرٌ

و فِيكَ إِنطَوَى الْعَالَمُ الْاَكْبَرُ. (۱)

آیا تو می پنداری که موجود ضعیف و ناچیزی هستی؟ چنین نیست، بلکه وجود تو نمادی از عالم بزرگ و جهان هستی است.

به این معنا که آنچه از رمز و رازها در عالم تکوین وجود دارد، به نوعی در وجود تو تعبیه شده و به کار رفته است. جوان نباید خود را کوچک بشمارد و ظرفیت های وجودی خویش را نادیده انگارد.

رمز و رازهایی در آفرینش انسان به کار رفته که درخور اندیشه است. به گفته روان شناسان، در مغز انسان حداقل دوازده میلیارد سلول اختصاصی به نام «نورون» وجود دارد که واحدهای پایه ای دستگاه عصبی را تشکیل می دهند. (۲) اگر سلول های دیگر اعضای بدن را به شمارش آوری، رقم بسیار بالایی را نشان می دهد که جز آفریدگار انسان، کسی قادر به شمارش آن نیست.

توجه جوان به ویژگی ها و استعدادهای درونی خویش و اینکه چه رمز و رازی در وجودش نهفته است، علاقه او را به خودشناسی بیشتر می کند. جوانی، دوره رشد عقلی انسان است که می تواند به بررسی و موشکافی مسائل و ریشه یابی آن بپردازد. از این رو، علی (ع) می فرماید: «أَفْضَلُ الْحِكْمَةِ مَعْرِفَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ؛ برترین حکمت، خودشناسی انسان است». (۳)

بنابراین، یکی از وظایف مهم جوان در برابر خویش، شناخت بعد جسمی خود است که باید به خودشناسی مادی بپردازد و ضمن درک حقیقت خود، به عظمت پروردگارش پی ببرد. هر جوان که در خودشناسی

۱- سید حیدر آملی، تفسیر المحيط الاعظم، تحقیق: سید محسن موسوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ هـ. ق، ج ۱، ص ۲۵۴؛ به نقل از: اشعار منسوب به علی (ع).

۲- ریتال اتکینسون و دیگران، زمینه روان شناسی، ترجمه: محمدنقی براهنی و همراهان، تهران، رشد، ۱۳۶۶، ج ۱، ص ۶۴.

۳- حکمت نامه جوان، ص ۷۶؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۳۲.

و خودسازی و سیر در مسیر هستی خویش بکوشد، به آن مبدأ و منبع وجود می رسد و هرچه را غیر از وجه خداست، نیست و نابود می یابد؛^(۱) چون جهان تجلی نور خداست و غیر از مظاهر خدا در حقیقت، سرابی بیش نیست.

دو _ خودشناسی معنوی

دو _ خودشناسی معنوی

خود روحانی و معنوی جوان، مهم تر از بعد جسمی اوست؛ چون روح است که حقیقت انسان را تشکیل می دهد و منشأ همه فعالیت های مادی و معنوی وی است. از این رو، جسم بدون روح، هیچ حرکت و اثری ندارد. اگر روح لحظه ای از جسم خارج شود، جسم، مرداری بیش نیست. آنچه مهم به نظر می رسد، این است که شناخت جنبه روحانی و نیازهای آن به دقت و تأمل بیشتری احتیاج دارد، چرا که روح و شئون مربوط به آن، محسوس و دیدنی نیست. درمقابل، نیازهای جسمی، عینی هستند و به همین علت، به تعقل نیاز ندارند و زود درک می شوند، هرچند افراد معمولی حقیقت درک نمی کنند.

خداوند خطاب به پیامبر می فرماید: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي...»؛ و درباره روح از تو می پرسند، بگو: روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است...» (اسراء: ۸۵) با این حال، لازم است جوان به اندازه فهم خود بکوشد تا درباره روح و نیازهای روحی خود آگاهی یابد و در رفع آن تلاش کند.

وقتی جوان به سیر در نفس خود بپردازد و جز خدا را از دل بیرون راند و با دل خلوت کند، از هر چیزی می گسلد و به خداوند متعال می پیوندد و این سبب معرفت پروردگار می شود. البته معرفتی که در حصولش چیزی

۱- حمیدرضا مظاهری سیف، خودشناسی عرفانی، انتشارات نشاط، ۱۳۸۱، ص ۱۳۲.

واسطه نشده و علمی که هیچ سببی در آن مداخله نداشته است؛ چون جدایی از غیر خدا، حجاب ها را کنار می زند.

اینجا است که جوان با مشاهده ساحت عظمت کبریایی حق، خود را از یاد می برد و درمی یابد که فقیر است و به خدای سبحان و مملوک نیاز دارد؛ مملوکی که هیچ استقلالی از خود ندارد. باید دانست که شناخت حقیقی خداوند با قلب به دست می آید؛ تنها قلبی که از بیماری ها و کاستی ها رهیده باشد، به چنین معرفت حقیقی خواهد رسید. مراد از قلب، خود آدمی، یعنی روح اوست؛ روح یا قلبی که از کاستی ها برهد و به روح مطلق پیوندد، سالم است. (۱)

ب) خودباوری

ب) خودباوری

خودشناسی و درک واقعیت خویشتن و شناخت آنچه جوان از نیرو و استعداد در اختیار دارد، از مسائل مهم جوانی است و در تعیین راه و روش زندگی وی نقش اساسی ایفا می کند. هر جوان باید بداند که چه توان و نیرویی در وجود او نهفته و از چه ویژگی هایی برخوردار است. آنگاه می تواند با به کارگیری آنها به کمال مطلوب زندگی دنیا و آخرت دست یابد. توان جسمی، قدرت تعقل و تفکر و خلاقیت و نوآوری از ویژگی های جوان است و در دیگر افراد کمتر یافت می شود. اگر جوان به واقعیت های وجودی خود آگاهی کامل پیدا کند، حس خودباوری و اعتماد به نفس در او پدید می آید و باور می کند که می تواند برای رشد و پیشرفت فردی و

اجتماعی خود و اجتماع، منشأ خدمات و مصدر فعالیت های مختلف قرار گیرد.

یکی از وظایف مهم جوان در برابر خودش، رسیدن به روحیه خودباوری است و اینکه باور کند او شایستگی های بسیاری دارد و می تواند در عرصه های گوناگون زندگی تأثیرگذار باشد. روحیه خودباور، بر اثر شناخت درست از ویژگی ها، استعدادها، توان مندی ها و خلاقیت و نوآوری های خود و جامعه به دست می آید. اگر جوان از آنچه دارد و آنچه در جامعه هست، شناخت کامل داشته باشد، به آسانی می تواند روحیه خودباوری را در خود تقویت و به کارهای مهم فردی و اجتماعی اقدام کند. اگر جوان از امکانات فردی و اجتماعی آگاهی کافی نداشته باشد، رسیدن به خودباوری برای او دشوار است. اثر مهم خودباوری این است که زمینه استقلال و اعتماد به نفس را فراهم می آورد.

خودباوری، بستری است که زمینه بسیاری از ویژگی های دیگر را برای جوان فراهم می آورد؛ چراکه جوان خودباور، برنامه ریزی دارد، بلندهمت است، تصمیم می گیرد، تلاش می کند و اگر به کاری دست زند، موفق می شود. اگر جوان، خود را باور نداشته باشد، هیچ یک از این ویژگی ها را ندارد و عمر خویش را با تنبلی و بیکاری سپری کرده است. علی (ع) در تشویق جوان می فرماید:

إِذَا خِفَتْ صَعُوبَةُ أَمْرٍ فَاصْعُبْ لَهُ يَدُلَّ لَكَ، وَ خَادِعِ الزَّمَانَ عَنْ أَحْدَاثِهِ تَهْنِ عَلَيْكَ. (۱)

۱- حکمت نامه جوان، ص ۹۰؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۰۲.

هرگاه از سختی کاری ترسیدی، استوار باش تا در برابر خوار گردد و با حوادث روزگار نیرنگ کن تا بر تو آسان شوند.

روشن است که تا جوان خود را باور نداشته باشد، جرئت نمی کند به کاری دست بزند. از این رو، لازم است جوان، نخست توانایی های خود را و سپس امکانات موجود در جامعه را بشناسد. آنگاه با استفاده از راهنمایی های قرآن و معصومان (ع) به فعالیت های فردی و اجتماعی پردازد. اگر چنین کند، یقیناً در زندگی مادی و معنوی موفق خواهد شد.

ج) خودسازی

ج) خودسازی

خودسازی از بعد مهم معنویت جوان به شمار می رود که بر اثر خودشناسی، رشد و پرورش می یابد. مهم ترین وظیفه جوان در دوره جوانی، خودسازی و تزکیه نفس است که در قرآن و روایات، فراوان به آن سفارش شده است. قرآن کریم همه انسان ها را به تزکیه نفس فراخوانده است و می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى؛ رستگار آن کس که خود را پاک گردانید.» (اعلی: ۱۴) همچنین در جای دیگر می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا؛ که هر کس آن را پاک گردانید، به یقین، رستگار شد.» (شمس: ۹) سعادت و رستگاری از نظر قرآن مخصوص تزکیه شدگان است و کسانی که به معصیت آلوده هستند، راهی به رستگاری ندارند. جوانی، بهترین دوره خودسازی و تزکیه نفس است که هر جوان می تواند با استفاده از توانایی های فردی خود و نظر به آیات قرآن و سیره معصومان (ع) از آلودگی های اخلاقی برهد و به قله های بلند تقوا گام نهد. به فرموده علامه طباطبایی:

اگر جوان بخواهد رستگار شود، باید باطن خود را تزکیه کند و آن را با پرورش شایسته رشد دهد و پروراند، او باید باطنش را با تقوا بیاراید و از

زشتی‌ها پاک کند، و گرنه از سعادت و رستگاری محروم می‌شود؛ چون باطن را هر قدر بیشتر آلوده کند و کمتر بیاراید، محرومیتش از نعمت‌های الهی بیشتر می‌گردد. (۱)

بنابراین، مهم‌ترین وظیفه جوان این است که خود را بشناسد تا به این وسیله، سعادت و خوش‌بختی خود را درک کند و با وسایلی که در دست دارد، در رفع نیازهای خود بکوشد و عمر گران‌مایه را به رایگان از دست ندهد. (۲) خودسازی و دوری از گناه از هر کس مطلوب است، ولی از جوان زیباتر است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «التَّوْبَةُ حَسَنٌ وَ لَكِنَّ فِي الشَّابِّ احْسَنُ؛ توبه زیباست و از جوان، زیباتر است.» (۳) زیبایی روح جوان، با توبه دو چندان می‌شود و جوان محبوب خدای متعال قرار می‌گیرد.

پیامبر در روایت دیگری می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الشَّابَّ التَّيَّابَّ؛ به راستی که خداوند، جوان توبه‌کار را دوست می‌دارد.» (۴) انسان باید از آغاز نوجوانی — که دوره شور و احساس زندگی است — بکوشد خود را به گناه آلوده نکند و اگر بر اثر نادانی و گمراهی نتوانست خود را کنترل کند و مرتکب نافرمانی شد، فوری باید به وسیله توبه و بازگشت به خدا آن را جبران کند.

(د) کسب عزت مندی

(د) کسب عزت مندی

سربلندی خواسته همه جوانان است و زندگی آبرومندانه، با عزت نفس ارتباط عمیق دارد. جوانی می‌تواند به زندگی با عزت دست یابد که پیش از

۱- سیدمحمدحسین طباطبایی، تفسیرالمیزان، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲، ص ۴۶۹.

۲- سیدمحمدحسین طباطبایی، خلاصه تعالیم اسلام، انتشارات کعبه، تهران، چ ۱۲، ص ۱۵۶.

۳- نهج الفصاحه، ص ۵۷۸.

۴- نهج الفصاحه، ص ۵۷۸.

همه، خود دارای عزت نفس باشد. عزت نفس به معنای مناعت طبع و بزرگواری، (۱) قوّت، قدرت و ارجمندی، از صفات برجسته انسان و گم شده نسل جوان معاصر است. عزت نفس به این معنا حالتی است که در فطرت بشر ریشه دارد و نمی گذارد کسی در فرازونشیب های زندگی احساس شکست کند یا مغلوب هوا و هوس شود. بنابراین، منظور از عزت نفس، شناخت حقیقت نفس خویش و قرار دادن آن در مقام و منزلت واقعی خود است. (۲)

عزت در برابر خواری قرار دارد و معلول عواملی است که مهم ترین آنها، ایمان به خدای متعال است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «... وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...» ؛ ... و عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و مؤمنان است...» (منافقون: ۸) ایمان به خداوند، نیرویی قوی در آدمی پدید می آورد و چنان او را در برابر لغزش ها، مقاوم و شکست ناپذیر می سازد که حوادث روزگار و فرازونشیب زندگی کوچک ترین تزلزلی در او ایجاد نمی کند.

امام باقر(ع) می فرماید:

الْمُؤْمِنُ أَصْلَبُ مِنَ الْجَبَلِ، الْجَبَلُ يُسْتَقَلُّ مِنْهُ وَالْمُؤْمِنُ لَا يُسْتَقَلُّ مِنْ دِينِهِ شَيْءٌ. (۳)

مؤمن سخت تر از کوه است؛ زیرا از کوه چیزی جدا می شود، ولی از دین مؤمن چیزی کم نمی شود.

۱- فرهنگ معاصر عربی _ فارسی، واژه «عزت».

۲- سید مصطفی حسینی، معارف معاریف، انتشارات صدر، ۱۳۷۶، واژه «تربیت».

۳- کافی، ج ۲، ۲۴۱.

جوان باایمان چنین حالتی دارد و در پایداری، از کوه محکم تر است؛ زیرا در مقابل فساد اخلاقی می ایستد و تحت تأثیر آن قرار نمی گیرد، بلکه با نابسامانی ها، مبارزه و از کرامت و عزت خود و جامعه دفاع می کند؛ چنان که از صدر اسلام تاکنون نمونه های فراوانی از جوانان مؤمن و فداکار وجود داشته و دارد که در شرایط سختی، از دین و معارف اهل بیت (ع) دفاع کردند. بر این اساس، از منظر اسلام، عزت یعنی شکست ناپذیری، قدرت و صلابت و این از ویژگی های کسانی است که نور ایمان در قلب ها یشان تابیده است و در برابر دگرگونی ها کوچک ترین تزلزلی از خود نشان نمی دهند؛ زیرا انسان بر اثر ایمان به خدا و پیامبر از عزتمندی واقعی بهره مند گشته است و در سایه ایمان و تقوا با کمال آرامش و اطمینان خاطر زندگی می کند.

عزت خواهی با خواست فطری جوان هماهنگ است. علامه طباطبایی در این زمینه می فرماید:

دستگاه آفرینش به گونه ای انسان را مجهز کرده که بتواند بدون اتکا به دیگران زندگی خود را اداره کند. از این رو، او باید نیروهای خدادادی خویش را در راه نیل به مقاصد به کار گیرد و به نیروی دیگران متکی نباشد. اگر چنین کرد، به تدریج، آن حالت عزت و استقلال در او پدید می آید و به زندگی آبرومندانه روی می آورد. هرگز به ذلت و خواری و کردار زشت تن نمی دهد. در این صورت است که هم زندگی دنیای او به خوبی پیش می رود و هم در آخرت به سعادت ابدی می رسد.

بسیاری از ظلم و جنایت ها در عالم ناشی از ضعف نفس و تن دادن به پستی است که انسان حاضر می شود برای رسیدن به منافع مادی به هر جنایتی دست زند. اگر جوانی تاج افتخار عزت نفس را بر سر گذارد، در برابر هیچ

عظمتی جز عظمت پروردگار سر فرود نمی آورد و در مقابل هیچ خواسته ای زانو نمی زند تا کار خلافی مرتکب شود. (۱)

در آیات و روایات بر تقویت عزت نفس، تأکید گشته و از عوامل تضعیف کننده آن پرهیز داده شده است. از منظر قرآن و حدیث، مهم ترین عامل ذلت نفس، پیروی از هوای نفس و شهوت های حیوانی است که جوان را به زبونی و پستی می کشاند. خداوند می فرماید:

أَفَرَأَيْتَ مَنْ إِتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ. (جاثیه: ۲۳)

پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده است و خدا او را دانسته، گمراه گردانید.

جوان بی ایمان و پیرو شهوت و هواهای نفسانی، عاقبتی جز بدبختی و سرافکنندگی ندارد؛ دنیا را با عیاشی و بی بندوباری سپری می کند و در آخرت به عذاب سخت الهی گرفتار می شود. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِيَّاكُمْ وَغَلْبَةَ الشَّهَوَاتِ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ؛ فَإِنَّ بَدَائِتَهَا مَلَكَةٌ وَنَهَائِتَهَا هَلَكَةٌ.

از غلبه کردن شهوت بر دل هایتان پرهیزید؛ چراکه آغازش، پادشاهی و پایانش، تباهی است. (۲)

شهوت رانی جوان را، در دنیا و آخرت تباه می کند؛ در دنیا در انظار مردم بی اعتبار و ذلیل و بدتر از آن در آخرت، مبتلا به عذاب همیشگی.

هـ) دانش اندوزی

هـ) دانش اندوزی

یکی از وظایف مهم جوان در دوره جوانی، علم آموزی، به ویژه کسب معارف دینی است که باید به آن توجه کند؛ زیرا جوانی، بهترین دوره فراگیری انواع دانش های قدیم و جدید است. جوان باید خود در این زمینه احساس

۱- سید محمدحسین طباطبایی، خلاصه تعالیم اسلام، ص ۱۸۸.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۲۲۶؛ تصنیف غررالحکم و درالکلم، ص ۳۰۵.

مسئولیت کند و در راه علم آموزی، سختی‌ها را تحمل کند تا به مدارج بالای علمی برسد. جوان در صورتی می‌تواند به کمال مطلوب خویش برسد که در دو جنبه علم و عمل پیشرفت کند. اگر او به دانش‌های رایج، به ویژه معارف اسلامی عالم شود، هم به جایگاه واقعی خود در اجتماع دست می‌یابد و هم به درجات عالی اخروی می‌رسد.

پیامبر اسلام، آموختن دانش را برای همه مردم اعم از زن و مرد واجب قرار داد و فرمود: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ آموختن علم بر هر مسلمانی واجب است.»^(۱) کمال انسان به فراگیری دانش بستگی دارد و اگر جوانی بخواهد به کمالات معنوی و انسانی برسد، باید در راه تحصیل علوم دینی بکوشد. شاید به همین دلیل، خداوند تعلیم قرآن را بر دیگر دانش‌ها، حتی خلقت انسان، مقدم کرد و فرمود: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ. خَلَقَ الْإِنْسَانَ. عَلَّمَهُ الْبَيَانَ؛ [خدای] رحمان، قرآن را یاد داد، انسان را آفرید، به او بیان آموخت.» (رحمان: ۱-۴)

خلقت انسان بر هر کاری مقدم است و پیش از هر چیز، انسانی باید باشد، تا علم بیاموزد. البته در آیات یادشده، تعلیم قرآن را پیش از آفرینش انسان آورده است؛ زیرا انسان بدون آموختن قرآن و معارف اسلامی به مرحله انسانیت نمی‌رسد.^(۲) جوان استعداد آموختن دانش را به خوبی دارد و علومی که در این دوره می‌آموزد، ماندگار است و به آسانی از یاد نمی‌رود. پیامبر خدا فرمود:

مَنْ تَعَلَّمَ فِي شَبَابِهِ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الرَّسْمِ فِي الْحَجَرِ وَ مَنْ تَعَلَّمَ وَهُوَ كَبِيرٌ كَانَ بِمَنْزِلَةِ الْكِتَابِ عَلَى وَجْهِ الْمَاءِ.^(۳)

۱- محمد کلینی، اصول کافی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳هـ. ق، بیروت، ج ۱، صص ۷۹ و ۸۰.

۲- ۲. تفسیر المحيط الاعظم، ج ۳، ص ۹۹.

۳- حکمت نامه جوان، ص ۵۶؛ بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۲.

هر کس در جوانی اش بیاموزد، آموخته اش مانند نقش بر سنگ است و هر کس در بزرگسالی بیاموزد، مانند نوشتن روی آب است.

امام باقر و امام صادق (ع) می فرمایند: «لَوْ أُتِيتُ بِشَابٍِّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْخَةِ لَا يَتَفَقَّهُ فِي الدِّينِ جَعْتُهُ؛ اگر جوانی از جوانان شیعه را بیابم که در پی کسب آگاهی دینی نیست، او را تشبیه می کنم.» (۱) همچنین امام صادق (ع) در زمینه فعالیت های فرهنگی و تربیتی جوانان می فرماید:

لَسْتُ أَحِبُّ أَنْ أَرَى الشَّبَابَ مِنْكُمْ إِلَّا غَادِيًا فِي حَالَيْنِ: إِمَّا عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَرَطَ فَإِنْ فَرَطَ ضَيَّعَ وَفَإِنْ ضَيَّعَ أَثِمَّ وَإِنْ أَثِمَّ سَكَنَ النَّارَ وَالَّذِي بَعَثَ مُحَمَّدًا بِالْحَقِّ. (۲)

دوست ندارم جوانان شما را جز در دو حالت ببینم: دانشمند یا دانشجو. اگر [جوانی] چنین نکند، کوتاهی کرده و اگر کوتاهی کند، [جوانی اش را] [تباه ساخته و اگر] [آن را] تباه سازد، گناه کرده است و اگر گناه کند، سوگند به آن که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت، دوزخ نشین خواهد شد.

به فرموده امام صادق (ع)، جوان باید همواره مشغول یکی از دو کار باشد؛ یا در حال فراگیری علم باشد و دانش کسب کند یا به دیگران دانش بیاموزد. در غیر این صورت، بر اثر گناه و خلاف کاری، پایان بدی خواهد داشت؛ زیرا اگر جوان به دانش پردازد، هم خود و هم دیگران را نجات می دهد، ولی اگر از تحصیل و کارهای فرهنگی رها شود، گذشته از اینکه خود تباه می شود، عامل تباهی دیگران نیز می گردد. از این رو، امام فرمود: «دوست ندارم جوان را بیکار ببینم».

۱- حکمت نامه جوان، ص ۵۶؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۱۴.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۵۶؛ بحارالانوار، ج ۱، ص ۱۷۰.

بنابراین، نسل جوان باید دوره جوانی شان را به علم آموزی یا تعلیم و نشر معارف اسلامی سپری کنند. طبیعی است این امر، مستلزم زمینه سازی است و باید امکانات لازم برای کسب دانش و انجام امور فرهنگی در جامعه فراهم باشد تا جوانان بتوانند بدون دغدغه خاطر به آن پردازند. چیزی که نسل جوان از جامعه می خواهد، همین امر است و مدیران جامعه باید با توجه به آن، شرایط لازم را فراهم آورند.

امام باقر(ع) می فرماید:

كَانَ أَبِي زَيْنُ الْعَابِدِينَ (ع) إِذَا نَظَرَ إِلَى الشَّبَابِ الَّذِينَ يَطْلُبُونَ الْعِلْمَ أَذْنَاهُمْ إِلَيْهِ وَقَالَ: مَرْحَبًا بِكُمْ أَنْتُمْ وَدَائِعُ الْعِلْمِ وَ يُوشِكُ إِذْ أَنْتُمْ صَغَارِ قَوْمٍ أَنْ تَكُونُوا كِبَارَ آخِرِينَ. (۱)

پدرم، زین العابدین(ع)، هرگاه به جوانانی که دانش می اندوختند، می نگریست، آنان را به خود نزدیک می کرد و می فرمود: آفرین بر شما که امانت های [مردم برای آموختن] دانش هستید و به زودی شما کم سالان جامعه، بزرگان جامعه ای دیگر می شوید.

(و) حفظ سلامت

(و) حفظ سلامت

از وظایف مهم جوان، حفظ سلامت خویش از زیان ها و عادت هایی است که به تحلیل نیروی جوانی وی منجر می شود؛ چون هیچ کس اجازه ندارد به جسم و جاننش زیان برساند یا کاری انجام دهد قوای بدنی اش را ضعیف گرداند. این کار از نظر عقل و شرع، نکوهیده است و کسی حق ندارد به این دلیل که مالک جسم و جانش هست، به خودش آسیب وارد کند. این امر درباره نسل جوان از اهمیت ویژه ای برخوردار است؛ چرا که برخی از

جوانان کارهایی انجام می دهند که به نابودی آنها منجر می شود. اعتیاد به مواد مخدر یکی از کارهایی است که امروزه دامن گیر جوانان است و هستی آنان را به تباهی می کشاند. اعتیاد، پدیده ای است بنیان کن و خانمان سوز که شخصیت جوان را نابود و او را گرفتار هزار بلا و مصیبت می سازد. در اینجا برای آشنایی نسل جوان، به آسیب های بعضی از مواد مخدر اشاره می کنیم تا جوانان در این زمینه، صلابت و درایت از خود نشان دهند و سراغ آنها نروند.

مواد مخدر، داروها و موادی هستند مسکن و گاه محرک که بر شعور، حس و هوشیاری فرد اثر می گذارند و بیشتر برای رفع بی خوابی در شب و آرام کردن تشویش نگرانی در روز، استفاده می شود. (۱) مصرف این مواد، پی آمدهای ناگوار بسیاری دارد که وابستگی های مختلف جسمی و روانی از جمله آن ها است و هر کدام از این وابستگی ها مشکلات متعددی را برای جوان پدید می آورد.

اگر اعتیاد ادامه پیدا کند، گذشته از ایجاد وابستگی، به تدریج به مسمومیت مزمن فرد می انجامد، اشتها را از بین می برد، وزن به سرعت کاهش می یابد و در نهایت، سلامت جسمی معتاد با خطر جدی روبه رو می شود، به گونه ای که دیگر درمان نمی پذیرد و برگشتی برایش نیست. (۲) امروزه انواع مختلفی از مواد مخدر در جهان وجود دارد که هر کدام ضررهای خاص خود را دارد. الکل، تریاک و قرص های روان گردان در شکل های گوناگون، بخشی از مواد تخدیر کننده هستند که آثار مشترک آنها

۱- محمدحسین فرجاد و دیگران، اعتیاد، تهران، ۱۳۷۴، چ ۳، ص ۶۳.

۲- محمدحسین فرجاد و دیگران، اعتیاد، تهران، ۱۳۷۴، چ ۳، ص ۶۹.

عبارتند از: اختلال در ادراک و قوای عقلانی؛ کاهش تسلط و کنترل مغز بر رفتار؛ تضعیف رفتارهای اخلاقی و کاهش احساس مسئولیت؛ ضعف قوه بینایی؛^(۱) تشنجات مزمن؛ روی آوردن به مشروب خواری؛ تزلزل و ناپایداری بهره هوش؛ اختلالات روانی؛ روی آوردن به فساد اجتماعی؛ خودکشی؛ انحراف های جنسی و اخلاقی؛ ارتکاب فحشا؛ دروغ گویی؛ مرگ زودرس و ...^(۲)

شراب نیز از انواع مواد مخدر به شمار می رود که زیان های طبیعی و جسمی آن زیاد است، از جمله اینکه اختلال هایی در معده، روده، کبد، شش، سلسله اعصاب، قلب، حواس ظاهری (چون بینایی و چشایی) و غیر آن ایجاد و شکل ظاهری را نیز زشت می کند. آسیب های اخلاقی و رفتاری شراب نیز فراوان است. برای مثال، انسان را به ناسزاگویی و می دارد؛ به دیگران ضرر وارد می سازد؛ به نوامیس خود و مردم هتک حرمت می کند؛ اسرار خود و دیگران را فاش می کند؛ همه قوانین و مقدسات انسانی را _ که اساس سعادت زندگی انسان هاست _ لگدمال می کند، به ویژه حرمت ناموس و عفت در برابر اعراض و نفوس و اموال را از بین می برد؛ چون کسی که مست است، نمی داند چه می گوید و چه می کند!

ضررهای عقلی شراب این است که عقل را تباه و تصرف های عقل را نامنظم و مجرای ادراک را در حال مستی تغییر می دهد که عامل تمام گناهان است و در نهایت، فرد را به هلاکت می اندازد.^(۳)

۱- سعید شاملو، آسیب شناسی روانی، تهران، شرکت سهامی چهر، ۱۳۶۴، ص ۳۱۲.

۲- محمدباقر حجتی، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۹۹.

۳- المیزان، ج ۲، ص ۲۸۹.

اعتیاد به هر یک از مواد مخدر، حتی سیگار و قلیان، به نوعی زیان جسمی و روانی به فرد وارد می‌سازد. بر این اساس، نباید نسل جوان خود را به اعتیاد آلوده کند. همان‌گونه که امروز شاهد جوانانی هستیم که گرفتار این بلای ویرانگر هستند و توان رهایی از دام آن را ندارند. چه بسیارند خانواده‌هایی که بر اثر پدیده اعتیاد نابود شده‌اند؛ چه بسا همسرانی که از هم جدا و فرزندان بی‌گناه‌شان، یتیم و بی‌سرپرست گشته‌اند. از این رو، یکی از وظایف مهم جوانان (اعم از دختر و پسر)، پرهیز از اعتیاد و نیفتادن به دام مواد مخدر است؛ و گرنه خلاص شدن از آن، بسیار پرهزینه است و چه بسا ناممکن می‌نماید.

۲. مسئولیت جوان در برابر خداوند

اشاره

۲. مسئولیت جوان در برابر خداوند

زیر فصل‌ها

الف) شناخت خدا

ب) اهتمام به ارزش‌های دینی

ج) انجام دادن دستورات الهی

الف) شناخت خدا

الف) شناخت خدا

مهم‌ترین مسئولیت جوان، در برابر پروردگار، شناخت خدای متعال است؛ زیرا خداوند، آفریدگار انسان و نعمت‌دهنده اوست و از این رو باید در برابر خدا شکرگزار بود. خدا به آدمی فیض وجود می‌بخشد؛ او را از عالم رجم آفرید بدون آن که نیازی به آنها داشته باشد. (۱) همچنین اگر جوان به عظمت آسمان و زمین و تنوع مخلوقات بیندیشد و گیاهان سرسبز را در فصل بهار و خزان را در پاییز ببیند، به یقین، در مورد آفریدگار آنها تردیدی به خود راه نخواهد داد. دستور به سیر و سیاحت در زمین و اطلاع از سرگذشت پیشینیان و تأمل در زندگی آنها _ که در قرآن بسیار بر آن تأکید شده _ از این قبیل است و جوان را به سوی خدا راهنمایی می‌کند: «أفلم یسیروا فی

الارضِ فَتَكُونُ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا...؛ آیا آنان (کفار) در زمین سیر نکردند تا دل‌هایی داشته باشند که حقیقت را با آن درک کنند...» (حج: ۴۶)

اگر جوان به قرآن مراجعه کند، وجود خدا را تردیدناپذیر خواهد یافت، چون در زبان قرآن، وجود خداوند از هر چیزی آشکارتر است. خداوند در این زمینه می‌فرماید: «أَفَى اللَّهِ شَكُّ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ؛ آیا در وجود خدا شک است؛ خدایی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟...» (ابراهیم: ۱۰) با اندک توجه جوان به عالم درون و بیرون، جای هیچ‌گونه شک و تردیدی به وجود خدای متعال برای او باقی نمی‌ماند.

بنابراین، جوان همواره باید به یاد خدا باشد و لحظه‌ای او را فراموش نکند، چراکه فراموش کردن خدا در واقع، فراموش کردن حقیقت خویشتن است. از اینجاست که جوان، شناختی ناروا و بی‌اساس از خود پیدا می‌کند و به پرتگاه فسق و فساد فرو می‌رود.

لباس حقیقی جوان، همانا جامه ملکوتی بندگی و فقر در آستانه عظیم و بی‌کران رحمانی است. اگر جوان آگاهانه این عهد را فراموش کند و دیده خداییش نابینا شود و آیین عاشقی و عبودیت را زیر پا گذارد، در حقیقت، جامه راستین خویش را بر کنده و در جایگاهی پوچ از جنس جهنم و دور از خدای مهربان مأوا گزیده است که در نتیجه، حیات ظلمانی خواهد داشت. (۱)

علامه طباطبایی می‌نویسد:

انسان در هر نقطه این عالم بایستد و نظام هر یک از این عوالم را زیر نظر بگیرد، می‌بیند که نظامی است دقیق و عجیب و دارای تحولات و دگرگونی‌هایی مخصوص به خود. دگرگونی‌هایی که اگر نبود، اصل آن

عالم پای برجا نمی ماند و از هم پاشیده می شد. دگرگونی هایی که سنت الهی با آن زنده می ماند؛ سنتی که عجایبش تمام شدنی نیست و پای خرد بر کرانه اش نمی رسد. نظامی که در جریانش حتی به یک نقطه استثنا بر نمی خوریم و هیچ تصادفی هرچند به ندرت، در آن رخ نمی دهد. نظامی که نه تاکنون و نه هیچ وقت عقل بشر به کرانه اش نمی رسد و مراحلش را طی نمی کند. اگر از کوچک ترین موجودش، چون مولکول شروع کنی و به طرف اجزایی که از آن ترکیب یافته بالا- بیایی تا بررسی به منظومه شمسی و کهکشان هایی که تاکنون به چشم مسلح دیده شده، بیش از یک عالم و یک نظام نمی بینی و اگر از بالا شروع کنی و کهکشان را یکی پس از دیگری از هم جدا نموده، منظومه ها را از نظر بگذرانی و تک تک کرات را و سپس کره زمین و در آخر ذره ای از آن را تجزیه کنی تا به مولکول بررسی، باز می بینی از آن عالم واحد و آن نظام واحد و آن تدبیر متصل چیزی کم نشده، با اینکه هیچ یک از این موجودات را مثل هم نمی بینی. دو نفر انسان، دو رأس گوسفند، دو شاخه توت، دو برگ گردو، دو تا مگس و بالاخره هر جفت جفت موجودات را در نظر بگیری، خواهی دید که هم ذاتاً مختلف هستند و هم حکماً و هم شخصاً. پس مجموع عالم یک چیزی است و تدبیر حاکم بر سراپای آن متصل است و تمامی اجزایش مسخر برای یک نظام است. درنهایت، به این نتیجه یقینی می رسیم که این نظام کذایی پدید آورنده ای دارد مدیر و مدبر و واحد و یکتا. (۱)

(ب) اهتمام به ارزش های دینی

(ب) اهتمام به ارزش های دینی

یکی دیگر از وظایف جوان، اهتمام ورزی به ارزش های دینی است. جوان باید در زندگی اش ارزش مدار باشد و درعمل نشان دهد که تا چه میزان به نظام ارزشی اسلام پای بند است. تعهد به نظام ارزشی اسلام وظیفه تمامی افراد است و باید به ارزش های دینی و مذهبی خود پای بند باشند، ولی

جوانان در این زمینه وظیفه بیشتری دارند. آنان به دلیل داشتن قدرت و توان بیشتر، مسئولیت بیشتری در حفظ و نشر معارف اسلام دارند، چنان که خداوند، طالوت را به علت توان جسمی اش به فرماندهی نظامی جمعی از بنی اسرائیل انتخاب کرد و فرمود:

... إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ... (بقره: ۲۴۷)

... خداوند او (طالوت) را بر شما برگزیده و بر دانش و [توان مندی] جسم و جان وی افزوده است...

همچنین علی (ع) در دعای کمیل از خدا درخواست می کند:

يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ! قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتَكَ جَوَارِحِي وَأَشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي. (۱)

پروردگارا، پروردگارا، پروردگارا! اندام مرا بر خدمت گزاری توان مند ساز و درونم را در تصمیم گیری قوی دار.

جوان با ویژگی هایی که دارد، به خوبی می تواند به ارزش های دینی عمل و از آنها دفاع کند. پسران و دختران جوان با تقویت باورهای دینی و اعتقاد راسخ به اصول اسلامی، باید به رعایت ارزش ها اهتمام ورزند و از آنها حمایت کنند. دختران باایمان، به حکم حجاب و وحیانی بودن آن باید هنگام حضور در اجتماع، خود را از نامحرم بیوشانند. این وظیفه ای است که خداوند به عهده زنان و دختران جوان گذاشته و از آنان خواسته است که به این وظیفه دینی و اجتماعی خویش عمل کنند. اگر آنان به این تکلیف دینی و اجتماعی خود عمل کنند، بسیاری از مشکلات و رفتارهای نابهنجار از میان خواهند رفت؛ زیرا با توجه به آمار اعلام شده در مجله ها و روزنامه ها، بسیاری از مفاسد اخلاقی، به دلیل پای بند نبودن زنان و

دختران به دستورهای اسلامی مانند حجاب پدید می آید. اگر جوانان به وظایف خود عمل کنند و ارزش های دینی را محترم بشمارند، جامعه ای سالم خواهیم داشت.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمینه عمل به ارزش های دینی می فرماید:

من خَرَجَ مِنْ ذُلِّ الْمَعْصِيَةِ إِلَى عِزِّ الطَّاعَةِ أَنْسَهُ اللَّهُ بَغَيْرِ أُنَيْسٍ وَأَعَانَهُ بَغَيْرِ مَالٍ. (۱)

هرکس از خواری نافرمانی [خدا] به عزت پیروی [از او]، روی آورد، خداوند بدون هم نشینی به وی آرامش می دهد و بدون ثروت، او را یاری می کند.

رعایت ارزش های دینی، آثار بسیاری در زندگی دنیا و آخرت انسان دارد که به برخی از آنها در این کلام پیامبر اشاره شده است. به گفته این روایت، بیرون رفتن جوان از صحنه های گناه و وارد شدن در طاعت خداوند، موجب آرامش روحی و روانی وی و بهره مندی از یاری خداوند می شود. بنابراین، اگر جوان با اعتقاد به باورهای دینی و اهتمام به رعایت ارزش ها، از آلودگی به گناه دوری کند و خود را به زیور اطاعت از دستورهای خداوند بیاراید، به عزت دنیا و آخرت دست می یابد؛ چراکه به فرموده پیامبر: «أَجْدَرُ النَّاسِ بِرَحْمَةِ اللَّهِ أَقْوَمُهُم بِالطَّاعَةِ؛ سزاوارترین مردم به رحمت خداوند، پایدارترین آنها در طاعت الهی است». (۲)

ج) انجام دادن دستورات الهی

اشاره

ج) انجام دادن دستورات الهی

از مسئولیت های مهم جوان در برابر خداوند، فرمان برداری کردن از دستورهای اوست. جوان باید به تکالیف الهی و آنچه به او دستور داده شده،

۱- حکمت نامه جوان، ص ۱۴۴.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص ۳۱۸.

عمل کند؛ یعنی فرمان های خدا را اجرا و نواهی او را ترک کند. معنای بندگی همین است که بنده باید از مولایش پیروی کند و گوش به فرمان او باشد؛ چنان که وقتی اسماعیل جوان در برابر حکم خدا قرار گرفت و پدرش، ابراهیم (ع) به او فرمود:

يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى؟ (صافات: ۱۰۲)

ای پسرک من! من در خواب [چنین] می بینم که تو را سر می بُرم. پس بین چه به نظرت می آید.

یعنی نظر تو در این زمینه چیست و آیا حاضر به پذیرش این دستور الهی هستی؟ اسماعیل با کمال آرامش خاطر و آمادگی عرض کرد:

يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ. (صافات: ۱۰۲)

ای پدر من! آنچه را مأمور هستی، انجام بده. ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت.

در این داستان قرآنی که بیانگر واقعیتی تاریخی است، جوانی مؤمن و عاشق دیدار خدای متعال، با تمام وجود به استقبال انجام دادن دستور خداوند می رود و حاضر است در برابر فرمان مولایش قربانی شود. حتی به پدر توصیه می کند «صورتتم را پوشان و دست و پایم را محکم ببند.» (۱) تا مبادا مهر پدری مانع انجام فرمان الهی شود. به راستی، اگر جوان خدایی باشد و خود را واقعاً بنده او بداند، در برابر اجرای دستورهای خداوند سر از پا نمی شناسد و با تمام وجود، مجری برنامه های او می شود؛ چنان که

حضرت اسماعیل (ع) به عنوان جوانی مطیع مولا، در عمل نشان داد که می تواند برای اجرای امر خدا، از هستی اش بگذرد. احکام خداوند به دو دسته واجبات و محرمات تقسیم می شود که در اینجا تنها برای یادآوری، به برخی از آنها اشاره می شود.

یک _ عمل به واجبات الهی

اشاره

یک _ عمل به واجبات الهی

دستورهای واجب خداوند که انجام آنها با تأکید از جوان خواسته شده، فراوان است. برای شناخت این واجبات باید به رساله های عملیه که به فارسی روان نوشته شده است، مراجعه کرد. بر جوانان لازم است هنگام رسیدن به سن بلوغ، نخست، مرجعی برای خود برگزینند تا هنگام نیاز بتوانند به توضیح المسائل آن مرجع مراجعه کنند؛ یعنی همه وظایف دینی را بر اساس فتوای مرجع تقلیدی که برگزیده اند انجام دهند. مسائل اعتقادی نظیر اعتقاد به توحید و معاد و دیگر باورهای اصلی، به تقلید نیاز ندارد و باید با دلیل عقلی و یافته های درونی و قطعی خود به آن ایمان آورد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره فضیلت عبادت و عمل کردن جوان به احکام اسلامی می فرماید:

فَضْلُ الشَّابِّ الْعَابِدِ الَّذِي تَعَبَّدَ فِي صِبَاهُ عَلَى الشَّيْخِ الَّذِي تَعَبَّدَ بَعْدَ مَا كَبُرَتْ سِنُّهُ كَفَضْلِ الْمُرْسَلِينَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ. (۱)

برتری جوان عبادت پیشه ای که در نوری به عبادت رو آورده است، بر پیرانی که در بزرگی به عبادت روی آورده اند، مانند برتری پیامبران بر دیگر مردم است.

بر این اساس، عمل به واجبات در دوره جوانی، پاداش بسیار بزرگی دارد، به گونه ای که جوان بر اثر این کار، بر پیرمردانی که در کهن سالی به عبادت رو می آورند، فضیلتی همانند فضیلت پیامبران نسبت به دیگر مردم، پیدا می کند. بنابراین، جوانان باید به واجبات الهی اهمیت دهند و به آن عمل کنند تا با انجام وظیفه خود به پاداش بزرگ الهی برسند. امام صادق(ع) می فرماید:

إِجْتَهَدْتُ فِي الْعِبَادَةِ وَ أَنَا شَابٌّ فَقَالَ لِي أَبِي: يَا بُنَيَّ! دُونَ مَا أَرَاكَ تَصْنَعُ، فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا رَضِيَ مِنْهُ بِالْيُسْرِ. (۱)

در جوانی، در عبادت سخت کوش بودم، پدرم به من فرمود: فرزندم! از آنچه انجام می دهی کم کن؛ زیرا اگر خداوند بنده ای را دوست بدارد، با عبادت کم نیز از او راضی می شود.

اول _ به جای آوردن نمازهای شبانه روز

اول _ به جای آوردن نمازهای شبانه روز

مهم ترین وظیفه دینی جوان، خواندن هفده رکعت نماز در پنج نوبت است. قرآن کریم و معصومان(ع) در مورد نماز، سفارش های بسیاری دارند و جوان را به انجام نمازهای شبانه روزی دعوت می کنند. خداوند در قرآن کریم ضمن دستور عام به نماز، فلسفه آن را نیز بیان می کند:

«...وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...»؛ ... نماز را برپا دار که نماز، انسان را از زشتی ها و گناه باز می دارد...». (عنکبوت: ۴۵)

در این آیه شریفه، افزون بر دستور به خواندن نماز، به فلسفه آن نیز اشاره شده است. فلسفه خواندن نماز این است که جوان را از کارهای زشت و بدی ها باز می دارد؛ چون بر اثر مداومت بر نماز، نیرویی در باطن جوان پدید می آید که او را از لغزش ها محافظت می کند و از آلودگی ها باز

۱- بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، ص ۱۴۴، به نقل از: وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۰۸.

می دارد. از آن نیروی درونی، به ملکه تقوا تعبیر می شود که نقش کنترل و بازدارندگی را ایفا می کند؛ یعنی همانند ترمز ماشین هنگام خطر به کمک جوان می آید و او را کنترل می کند. علی (ع) درباره تقوایی که بر اثر نماز پدید می آید، می فرماید: «اعلموا عبادَ اللَّهِ أَنَّ التَّقْوَى دَارٌ حِصْنٌ عَزِيزٌ؛ ای بندگان خدا! بدانید که تقوا دژی محکم و شکست ناپذیر است.» (۱)

از این رو، لقمان حکیم به فرزند جوانش سفارش می کند: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ ...؛ پسر من! نماز را برپا دار...». (لقمان: ۱۷)

خداوند، جوان عابدی را که عمرش را در عبادت سپری کند، دوست می دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يَفْنَى شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ تَعَالَى؛ خداوند بزرگ، جوانی را که جوانی اش را در راه بندگی خدا سپری کند، دوست دارد.» (۲) عبادت، وسیله ای برای جلب محبت خداوند است و هر جوانی که بخواهد توجه خاص الهی را به خود جلب کند، باید به عبادت و بندگی اهمیت دهد. حتی خداوند ارزش جوان عابد را تا قدر و مرتبه فرشتگان بالا می برد. پیامبر می فرماید:

يَقُولُ اللَّهُ: الشَّابُّ الْمُؤْمِنُ بِقَدَرِي الرَّاضِي بِكِتَابِي، الْقَانِعُ بِرِزْقِي، التَّارِكُ لِشَهْوَتِهِ مِنْ أَجْلِي هُوَ عِنْدِي كَبَعْضِ مَلَائِكَتِي. (۳)

خداوند می فرماید: جوان معتقد به قضا و قدرم، خشنود از کتابم، قناعت کننده به روزی ام و رهاکننده خواسته های نفس به خاطر من، مانند یکی از فرشتگان من است.

۱- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، خطبه ۱۵۷، ص ۸۲.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۹۸.

۳- حکمت نامه جوان، ص ۹۸.

از این روایت ها لزوم انجام عبادات و نماز و پاداش فراوان برای جوان، به خوبی استفاده می شود و باید نسل جوان به آن اهتمام ورزد. علامه طباطبایی درباره عبادت و بندگی می فرماید:

پس از خداشناسی، دومین وظیفه ما خداپرستی است. اطاعت از فرمان خداوندی و بندگی او، یگانه وظیفه ای است که هر وظیفه دیگری در برابر آن ناچیز و کوچک است. یکی از وظایف جوان این است که مقام بندگی و نیازمندی خود را بشناسد و عظمت و کبریایی نامحدود خداوند را در نظر داشته باشد و از فرمان های او اطاعت کند. جوان باید جز خدای متعال را نپرستد و غیر از پیغمبر گرامی و ائمه اطهار(ع) که خداوند عالم، او را به فرمان برداری آن بزرگواران دستور داده از دیگران اطاعت نکند. هر چیزی که منسوب به خداست باید احترام کامل را نسبت به آن رعایت نماید و نام مبارک خدا و نام های اولیای دین را با ادب یاد کند. در احترام کتاب خدا (قرآن) و کعبه مشرفه و مساجد و عتبات مقدسه اولیای دین باید کوشا باشد. (۱)

خداوند می فرماید: «و من يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ؛ هر کس شعایر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای الهی است». (حج: ۳۲)

نماز از همه واجبات مهم تر است. به همین دلیل، در برخی احادیث معصومان(ع) از آن به عمود و ستون دین تعبیر شده است. امام باقر(ع) می فرماید: «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ؛ نماز ستون دین است». (۲) عده ای از مشرکان مکه به پیامبر پیشنهاد کردند که به تو ایمان می آوریم، به شرط آنکه نماز را از ما نخواهی. حضرت در پاسخ آنها فرمود: «الْأَخِيرَ فِي دِينٍ لَا صِلَاةَ مَعَهُ؛ دینی که نماز در آن نباشد، خیر و برکت ندارد». (۳) نماز منبع خوبی ها و نیکی هاست

۱- خلاصه تعالیم اسلام، ص ۱۵۷.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص ۲۹۸.

۳- محمد سعید رمضان البوطی، فقه السیره النبویه، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۱ هـ. ق، ۱۹۹۱ م، چ ۱۰، ص ۴۵۹.

و دین بدون نماز، همانند پوسته ای بدون هسته است که پوچ و بی روح است. جوانی از خیر و برکت دنیا و آخرت بهره مند است که نماز جزء برنامه های زندگی او باشد و با عشق و علاقه سراغ نماز برود. اگر نسل جوان به یاران جوان امامان معصوم (ع) توجه کند و از آنها درس بیاموزد، میلش به عبادت و بندگی، بیشتر خواهد شد. جوانانی که در میان اصحاب امام حسین (ع)، در شب عاشورا به نماز و دعا و مناجات مشغول بودند و عاشقانه نماز می گزاردند، بهترین الگو برای نسل جوان مؤمن امروز هستند. (۱)

دوم _ روزه ماه رمضان

دوم _ روزه ماه رمضان

روزه یکی از عبادت های واجب است که در طول سال، یک ماه بر جوان لازم می شود. در این عبادت، از هر آنچه روزه را باطل می کند، مانند خوردن و آشامیدن از طلوع صبح تا اذان مغرب، خودداری می شود. روزه همانند دیگر واجبات، در صورتی بر جوان واجب می شود که شروط تکلیف را داشته باشد.

خداوند درباره وجوب روزه به صورت عام می فرماید:

يا ايها الذين آمنوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ. (بقره: ۱۸۳)

ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند، نوشته شده بود تا پرهیزکار شوید.

روزه، مبارزه با شهوت های نفسانی و دوری از لذت های حلال و حرام مانند خوردن و آشامیدن و شهوت جنسی در طول روز است.

۱- نک: میرزا محمد تقی سپهر، ناسخ التواریخ، کتابچی، تهران، ۱۳۷۹، چ ۲، ص ۲۱۸.

علی(ع) در تعیین حد و مرز روزه می فرماید: «روزه چهار حد دارد: اجتناب از خوردن و آشامیدن، خودداری از ارتباط زناشویی، پرهیز از قی عمدی و دوری از فرورفتن در آب.»^(۱) بنابراین، روزه، مقاومت در برابر خواهش های نفسانی و خودداری از تسلیم شدن در برابر آنهاست که شاید بر جوانان بسیار سخت باشد؛ زیرا گرایش به رفتارهای شهوانی در آنها بیشتر مشاهده می شود. از این رو، مخالفت با غرایز و تمایلات نفسانی در دوره جوانی ثواب بسیاری دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى مِبَاهِي بِالشَّابِّ الْعَابِدِ الْمَلَائِكَةَ، يَقُولُ: أَنْظِرُوا إِلَى عَبْدِي! تَرَكَ شَهْوَتَهُ مِنْ أَجْلِي. (۲)

خداوند بزرگ، نزد فرشتگان به جوان عابد افتخار می کند، درحالی که می فرماید: بنده ام را بنگرید؛ برای من، خواسته های نفس خود را کنار نهاده است.

امام صادق(ع) می فرماید:

ذَاكَ الَّذِي يُبَاهِي اللَّهَ تَعَالَى بِهِ مَلَائِكَتَهُ، فَيَقُولُ: هَذَا عَبْدِي حَقًّا. (۳)

آن جوان کسی است که خداوند بزرگ نزد فرشتگان به وی افتخار می کند و می فرماید: این، بنده حقیقی من است.

روزه از مصداق های ترک شهوت است و جوان به وسیله آن، مایه فخر و مباهات خدا بر فرشتگان می شود. جوان به این طریق می تواند به تقوای الهی _ که به عنوان فلسفه تشریح روزه ماه رمضان بیان شده است _ دست یابد؛ چون با یک ماه خودداری از آنچه روزه را باطل می کند و تحمل

۱- وسائل الشیعه (۲۰جلدی)، ج ۴، کتاب الصوم، ابواب ما یمسک عنه الصائم و وقت الامساک، باب اول، ص ۱۹، ح ۳.

۲- حکمت نامه جوان، ص ۱۰۰.

۳- حکمت نامه جوان، ص ۱۰۰.

گرسنگی و تشنگی، زمینه تقوا در جوانان پدید می آید و آنان مشمول رحمت الهی می شوند.

علامه طباطبایی در فضیلت ماه رمضان می فرماید:

با فرا رسیدن ماه مبارک رمضان، درهای رحمت پروردگار به روی بندگانش گشوده می شود، نورانیت و صفای ویژه ای در روح انسان پدید می آید و برای عبادت و تهذیب نفس و اصلاح اخلاق، آمادگی خاصی در روزه داران نمودار می گردد. اسلام به پیروان خود فرمان می دهد تا یک ماه تمام روزه بگیرند، مسلمانان با روزه گرفتن یک ماه، زمینه کاملی برای پدید آمدن حالت تقوا به معنای کامل آن در خود فراهم می سازند، زیرا هرگاه انسان از انجام خواست های طبیعی بدن، خودداری کرد به خوبی می تواند از پیروی هوای نفس خودداری به عمل آورد. البته اسلام برای رسیدن به چنین مرحله کمالی، در عمل روزه تنها خودداری از خوردن و آشامیدن را کافی نمی داند، بلکه دستور می دهد که روزه دار از هر چه که موجب آلودگی و ارتکاب گناه است و یا او را به وسوسه های شیطانی و هوس های سرکش نفسانی سوق می دهد، امساک کند. (۱)

دو _ عمل به مستحبات

دو _ عمل به مستحبات

عمل به مستحبات و نوافل در رشد معنوی جوان بسیار مؤثر است و موجب تکامل روحی و تقرب وی به خدا می شود. از این رو، در متون دینی بر انجام مستحبات، بسیار تأکید شده است. عمل های مستحب زیاد هستند، از قبیل: نافله های شبانه روز که ۳۴ رکعت هستند، نافله های شب به تعداد یازده رکعت و روزه های مستحب و دعاها و هر عمل نیکی که جوان را به خدا نزدیک کند. همه این اعمال ثواب دارد و انجام آن مطلوب است. جوان هر چه بتواند کار خیر انجام دهد و به مردم خدمت

کند، ارزشمندتر است و نزد خدای متعال مستحق پاداش می شود. علی(ع) در عهدنامه مالک اشتر، وی را به انجام دادن واجبات و مستحبات فرمان می دهد: «أَمْرُهُ ... وَ اتِّبَاعِ مَا أَمَرَ بِهِ فِي كِتَابِهِ؛ آنچه در کتاب خدا آمده است، از واجبات و سنت ها (مستحبات) به آن عمل کند.»^(۱) یعنی مالک هم به عنوان یک حاکم جوان مسلمان، باید به دستورهای خدا عمل کند و هم زمینه انجام آن را در جامعه، به ویژه میان جوانان فراهم آورد؛ چراکه «لَا يَسْتَعِدُّ أَحَدٌ إِلَّا بِاتِّبَاعِهَا؛ هیچ کس، جز با عمل کردن به آن دستورها رستگار نخواهد شد.»^(۲) بنابراین، انجام دادن مستحبات اسلامی جزو وظایف دینی و مذهبی جوانان است و باید به آن توجه و تا حد توان به آن عمل کنند.

علامه طباطبایی می فرماید:

جوان نباید مستحبات، به خصوص نوافل یومیه را کوچک بشمارد، بلکه شایسته است در انجام آنها بکوشد و نگوید به جای نماز شب، نماز قضای واجب می خوانم، زیرا نوافل نوری دارد که او را به انجام واجبات، بلکه به ترک محرمات می کشاند. لذا از آثار مثبت آن نباید غافل بود و نباید خود را از آن محروم ساخت. اگر یک روز جوان به نماز شب موفق می شود، با شبی که موفق نمی شود، چقدر فرق دارد! شبی که به نماز شب موفق می شود، چقدر در انجام کارهای خیر موفق است و کارها در آن روز برای وی روبه راه است. برخلاف شبی که موفق به نماز شب نشده است که به هر کاری دست می زند و به هر چیزی که رو می آورد، به بن بست می خورد.^(۳)

ملا مهدی نراقی نیز می فرماید:

۱- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نامه ۵۳.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، نامه ۵۳.

۳- محمد حسین رخشاد، در محضر علامه طباطبایی، قم، انتشارات سماء قلم، ۱۳۸۲، ص ۳۸۱.

مستحبات، سبب صفا و پاکی باطن جوان و برداشتن پرده از دل او و عامل وصول وی به مرتبه قرب پروردگار است. بدین معنا که عمل به سنت های دینی موجب تحول باطنی و روحی جوان شده، زمینه تقرب او را به خدا فراهم می سازد. هر قدر اتصاف جوان به صفات پسندیده بیشتر شد، در غلبه بر شیاطین و ریشه کنی شهوات استواری بیشتری از خود نشان داد؛ هر اندازه در دوری از رذایل کوشاتر بود، به خدا نزدیک تر می گردد. (۱)

سه _ دعا و مناجات

سه _ دعا و مناجات

دعا و مناجات، بخشی از مستحبات اسلامی است که در روایات تأکید خاصی بر آن شده است. شاید به علت آثار روحی و رفتاری که دعاها دارند، تأکید بیشتری به خواندن آنها شده است. دعای کمیل در شب جمعه، دعای ندبه در صبح جمعه، دعای توسل در شب چهارشنبه و مناجات های مختلفی که در کتاب های دعا وارد شده اند، تأثیر ویژه ای بر جسم و جان جوان می گذارند. از این رو، وظیفه نسل جوان است که در این دعاها شرکت کند و به نیاز روحی خویش به تقویت و پرورش پاسخ دهد. البته دعاها را با آن ویژگی ها و شروط خاص خودش باید بخواند تا اثربخش باشند.

علامه طباطبایی در تبیین معنای دعا می فرماید:

معنای دعا عبارت است از مجسم ساختن توجه قلبی و درخواست باطنی به صورت درخواست ظاهری که انسان از افراد بشر در بین خود دارند؛ یعنی در برابر پروردگار خویش، آن حالتی را بگیرند که یک انسان فقیر خود را در برابر توانگری، پست احساس می کند و حالت تذلل به خود می گیرد؛

یعنی دست خود را به سوی او دراز می کند؛ گردن را کج نموده، با حالت ذلت و تضرع حاجت خود را سؤال می نماید. (۱)

دعا خواندن و مناجات کردن، درخواست کردن از حق تعالی به شیوه ای خاص است؛ یعنی به گونه ای که ظاهر و باطن جوان نشان دهنده حالت ذلت و تضرع در پیشگاه خداوند باشد، نظیر خواهش و تمنای گدا نزد ثروتمند. بی شک، چنین دعا و مناجاتی به درگاه خدای متعال، عامل تکامل روحی و معنوی و در نهایت، موجب خودسازی و اصلاح رفتار جوان است.

یکی از شرایط دعا، اخلاص است، به این معنا که فقط خداوند را در برآوردن حاجت مؤثر بداند، نه غیر او را. البته وساطت اسباب ظاهری را در برآوردن نیاز نباید نادیده بگیرد؛ چراکه عالم اسباب و مسببات، آفریده و ساخته خداوند است و اگر نقشی داشته باشند، به خدای متعال برمی گردد. قرآن کریم می فرماید: «... فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...»؛ ... او را بخوانید در حالی که دین [خود] را برای او خالص گردانیده اید...». (اعراف: ۲۹)

علامه طباطبایی می نویسد:

دعا باید خالص باشد، نه اینکه سببیت اسباب عالم را واسطه میان انسان و حوائج او است ابطال کند؛ چون هر انسانی می داند که چنین اسبابی وجود دارند، اما سببیت را خدا به آنها داده، نه اینکه خود آنها علت تامه باشند که مستقل از خدای سبحان فیض را به معلول های خود برسانند. چراکه انسان بالفطره درک می کند که ماورای عالم اسباب و مسببات کسی است که به خواسته هایش پاسخ گوید و اگر حاجتش را از راه اسباب ظاهری به دست آورد هم براین باور است که آن مبدأ غیبی افاضه نموده است. (۲)

۱- المیزان، ج ۲، ص ۵۲.

۲- المیزان، ج ۲، ص ۵۰.

جوان باید آداب دعا را رعایت کند و آنچه می خواهد، با چشم داشت به نعمت دیگران نباشد، بلکه تنها از خزانه غیبی خدا باشد. علامه می فرماید:

سزاوار است که انسان وقتی از خدای تعالی حاجتی می خواهد، از خزینه غیبی او بخواهد، نه اینکه بخواهد از دارندگان آن نعمت، بگیرد و به او بدهد و وقتی هم که از خزینه غیب الهی امری می خواهد باید رعایت ادب را نموده، به خدای تعالی علم نیاموزد، زیرا خدا عالم به حال او است و می داند که راه رسیدن به حاجتش چیست؟ پس باید این طور درخواست کند که: پروردگارا! حاجت مرا به آن مقدر و آن طریقی که خودت می دانی و خیر من در آن است برآورده فرما! واجب است جوان چیزی نگوید که با حکمت الهی خدا منافات داشته باشد، باید از آن فضلی که به دیگران اختصاص داده درخواست نکند و بر این اساس، نباید دختر و پسر امتیازاتی را که خدا به جنس مقابل داده از خدا درخواست نمایند؛ چون خلاف حکمت تکوینی و تشریحی الهی است. (۱)

ادب دعا اقتضا می کند انسان در خواسته هایش بزرگوار باشد و اگر چیزی در اختیار دیگران قرار دارد، مانند آن را از خدا بخواهد، نه عین آن را.

جوان باید به استجاب دعا یقین داشته باشد؛ چون یقین به قبول شدن دعا، شرط استجاب آن است. او باید به گونه ای خدا را بخواند که از پاسخ گرفتن و برآورده شدن آن مطمئن باشد. بنابراین، با تردید در استجاب، دعا قبول نمی شود. خداوند در قرآن وعده قطعی داده است و می فرماید: «وقال ربُّکم ادعونی استجب لکم؛ پروردگار شما گفته است: مرا بخوانید تا [دعای] شما را بپذیرم.» (غافر: ۶۰) علامه می نویسد: «انسان باید به استجاب دعا یقین داشته باشد،

چون دعا در حال تردید و نومیدی، کاشف از این است که صاحبش درحقیقت درخواستی ندارد و ظاهراً چیزی به زبان می آورد» (۱).

چهار _ ترک محرمات

چهار _ ترک محرمات

از وظایف مهم مسلمانان، به ویژه جوانان، پرهیز از محرمات الهی است؛ زیرا عمل حرام هرچند به توبه انجامد، اثر وضعی خود را بر جوان می گذارد و کمترین اثر وضعی گناه، قساوت قلب و بی میلی به طاعات و عبادات است که به تدریج، در جوان رشد می کند. جوان باید علاوه بر اینکه خود را با نیروی تقوا از ارتکاب محارم حفظ کند؛ از هم نشینی با اهل معصیت نیز دوری جوید؛ چراکه حضور در مجلس معصیت و مشاهده کار خلاف بر دلش اثر می گذارد و گناه را در نظرش، سبک و بی اهمیت می سازد. وقتی گناه از نظر جوان، زشت نباشد، خطر دست یازیدن به آن بیشتر می شود؛ چون نفس جوان برای هر گناهی هوا و خواهشی دارد. (۲) یوسف (ع) جوان با اینکه پیامبر خدا بود، عرض کرد:

وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي... (یوسف: ۵۳)

من هرگز خودم را تبرئه نمی کنم که نفس [سرکش] بسیار به بدی های امر می کند، مگر آنچه را پروردگارم رحم کند...

اگر لطف و عنایت خدا نباشد، جوان نمی تواند خود را حفظ کند؛ زیرا امروزه عوامل گرایش به کارهای خلاف و زمینه های انحراف فراوان است.

جوان باید بداند گناهان کبیره، محرماتی هستند که خدای متعال هرگز از آنها چشم نخواهد پوشید؛ مگر آنکه کسی که مرتکب آنها شده است،

۱- المیزان، ج ۲، ص ۵۱.

۲- المیزان، ج ۶، ص ۲۰۲.

قاطعانه از ارتکاب گناه پشیمان شود و توبه نصوح کند. اگر جوان به زشتی گناه علم داشته باشد، همین علم، یکی از اسباب بیداری او و انصرافش از انجام گناه خواهد شد. جوان نباید حتی مرتکب گناه صغیره شود؛ چون اصرار بر گناه صغیره، خود، از گناهان کبیره است. برخی از جوانان به اسم شیعه بودن و انتظار شفاعت معصومان(ع) در قیامت، ممکن است مرتکب گناه شوند، ولی باید بدانند که شفاعت امامان معصوم(ع) شامل کسانی نمی شود که در تکالیف الهی سهل انگاری می کنند یا آنها را بازی می پندارند و مسخره می کنند و گناهان کبیره را به عمد انجام می دهند. شفاعت معصومان(ع) هیچ سودی برای این افراد ندارد؛ زیرا با بی اعتنایی به دستورهای دینی، هیچ راهی برای شفاعت باقی نمی ماند. (۱)

جوان باید توجه داشته باشد که بیماری روحی مانند بیماری جسمانی است؛ به تدریج تشدید می شود و اگر به درمانش نپردازد، وی را زمین گیر می کند و در آخر کار، به هلاکت می کشاند. شدت یافتن بیماری به دلیل پرهیز نکردن جوان از چیزهایی است که برای بیمار ضرر دارد؛ چون طبع بیماری به خوردن بیشتر گرایش دارد و او را به پرهیز نکردن تحریک می کند. همچنین است بیمار قلبی و روحی که با پیروی از هوای نفس، مرتکب گناه می شود. اگر بیمار روحی بخواهد خود را مداوا کند و بیماری اش را برطرف سازد، باید به سوی خدای عزوجل برگردد و توبه کند. (۲)

ملا مهدی نراقی می فرماید:

۱- المیزان، ج ۴، ص ۵۱۵.

۲- المیزان، ج ۵، ص ۶۲۲.

جوان باید تأمیل کند که آنچه از نجاست از او دفع می شود، همان چیزی است که پیش از این خواهش آن را داشت و خوراکی های لذیذی بود که در طلب آنها حرص می ورزید و هرچه لذیذتر باشد، بدبویی آن بیشتر است. پس چیزی که عاقبتش این است، باید از اینکه آن را از حرام به دست آورد و به سبب خوردن آن تا ابد در عذاب باشد، پرهیزد. (۱)

ای جوان! از خواب غفلت بیدار شو و پیش از آنکه چنگال های مرگ با کالبدت آشنا گردد و قوه عاقله ات از تفکر درباره صفات و احوالت تعطیل گردد، فکر فردا کن. بدان! هر فضیلت یا رذیلتی که در جان توست و هر طاعت و معصیتی که از تو سر می زند، وقت رفتن از این سرای فانی، در برابر آن، به یقین جزا و پاداشی خواهد بود. (۲)

۳. مسئولیت جوان در برابر دیگران

اشاره

۳. مسئولیت جوان در برابر دیگران

تاکنون مهم ترین وظایف جوان در برابر خود و خدا به صورت اختصار بیان شد. در این بخش از نوشتار، اشاره ای گذرا مسئولیت های جوان در برابر دیگران خواهیم داشت.

الف) مسئولیت جوان در برابر خانواده

اشاره

الف) مسئولیت جوان در برابر خانواده

جوان مسئولیت های مهمی در برابر خانواده، به ویژه پدر و مادر دارد که باید به آن عمل کند، چراکه جوان امید خانواده است و تمام آرزوهای خانواده، در وجود وی تجسم می یابد. در شرایط امروز، پرورش کودک تا رسیدن او به دوره جوانی، دشوارترین کاری است که بر عهده نهاد خانواده است و اگر

۱- جامع السعادات، ج ۳، ص ۳۰۶.

۲- جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۰۰.

خانواده ای به تربیت جوان صالح موفق شود، انتظاراتی از وی خواهند داشت که باید به آنها توجه کرده، به وظیفه خود عمل کند.

یک _ مسئولیت جوان در برابر پدر و مادر

یک _ مسئولیت جوان در برابر پدر و مادر

جوان نسبت به پدر و مادر وظایف فراوانی دارد و خلاصه آن، این است که در تمام امور از آن ها اطاعت کند؛ نیازهایشان را تأمین سازد و به مشکلات آنان رسیدگی کند. دین مقدس اسلام، اطاعت از پدر و مادر را جز در مواردی که به ترک واجب یا فعل حرامی انجامد، واجب کرده است. امام رضا(ع) می فرماید:

بِرُّ الْوَالِدَيْنِ وَاجِبٌ وَإِنْ كَانَ مُشْرِكِينَ وَ لاطاعه لهما فی معصیه الخالق؛ (۱)

نیکی به پدر و مادر واجب است هر چند آن دو مشرک باشند، مگر اینکه اطاعت آن ها به نافرمانی خدای متعال منتهی گردد؛ در این صورت متابعت آنان لازم نیست.

خداوند درباره احترام به والدین می فرماید: «و لا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌّ وَ لا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا؛ به والدین اُف نگو و بر آنها فریاد مزین و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه ای به آنان بگو». (اسراء: ۲۳)

طبق آیه شریفه، گفتار خوش و رفتار احترام آمیز با پدر و مادر، لازم است. براین اساس، جوانان باید ضمن تأمین نیازهای والدین، در گفتار و کردار نیز نسبت به آنان فروتنی داشته باشند.

بدرفتاری با پدر و مادر و آزار آن ها حرام و در روایات اسلامی به شدت از آن نهی شده است. به فرموده رسول خدا صلی الله علیه و آله ، به عاق والدین خطاب می شود: «إِعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنِّي لَا أُغْفِرُ لَكَ؛ هر کاری می خواهی انجام بده، من تو را

نمی بخشم» (۱) در حدیث دیگر از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: «من أحرزَ والديه فقد عَقَّهما؛ هر کس پدر و مادرش را اندوهگین سازد، خود را عاق آن دو کرده است» (۲).

آزردن پدر و مادر، گذشته از اینکه نهایت حق ناشناسی و ناجوان مردی است، کم کم به مرگ انسانیت و ازهم پاشیدن جامعه منتهی می شود، زیرا بی احترامی جوان به پدر و مادر به همان شکل در فرزندان او تکرار و همین طور به نسل های بعدی منتقل می شود و زمینه تزلزل زندگی اجتماعی را فراهم می سازد. از این رو، جوانانی که پدر و مادر را می آزارند، نباید توقع احترام و تکریم از فرزندان خود داشته باشند؛ (۳) زیرا به تجربه ثابت شده است کسانی که پدر و مادر خود را آزار داده اند، با مشکلات فراوانی در زندگی روبه رو هستند و از فرزندان خود هم خیری نمی بینند و در نتیجه رستگار نمی شوند. (۴)

دو _ مسئولیت جوان در برابر برادر و خواهر

جوان، تکیه گاه اعضای خانواده است و برادر و خواهر نیز انتظارهایی از او دارند که لازم است به خواسته های آنان توجه کند. برادر و خواهر اگر بزرگ باشند، یک نوع حقوق و انتظارات و اگر کوچک تر باشند انتظاراتی دیگر و نیاز بیشتری به یاری و همکاری دارند. به ویژه خواهر، به علت داشتن عواطف و احساسات فراوان، نیازمند کمک های ویژه ای است و باید متناسب با عواطف او با وی برخورد کرد. اسلام همواره به ویژگی های عاطفی و روانی زنان و دختران توجه کرده و برای این جنبه از وجود آنان

۱- منتخب میزان الحکمه، ص ۵۵۲.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص ۵۵۲.

۳- خلاصه تعالیم اسلام، ص ۱۷۱.

۴- خلاصه تعالیم اسلام، ص ۱۷۱.

اهمیت فراوان قائل شده است. امام رضا(ع) در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى عَلَى الْإِنَاثِ أَرْقُ مِنْهُ عَلَى الذُّكُورِ؛ خداوند تبارک و تعالی بر زنان مهربان تر از مردان است.»^(۱) بر این اساس، رسول خدا صلی الله علیه و آله به پدران و مادران سفارش می کند که هر گاه وارد بازار شدید و هدیه ای برای اهل خانه خریدید و خواستید آن را میان اعضای خانواده تقسیم کنید، اول به دختران بدهید؛^(۲) آنان دارای قلب و دل نرم هستند که بی توجهی به این ویژگی آنها، موجب پریشانی و دل آزرده‌گی شان می شود.

خداوند صله رحم را برای همین واجب کرده است تا جوان در درجه اول از برادر و خواهر و در ثانی از بستگانش صله رحم کند و به آنان یاری رساند. صله رحم از امتیازهای اسلام است و در هیچ کدام از ادیان دیگر چنین دستوری به عنوان امر واجب وجود ندارد؛ زیرا اسلام بیش از ادیان دیگر به روابط خانوادگی اهمیت می دهد و بر حفظ و گسترش آن توصیه می کند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «وَصَلُّوا الَّذِي بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ قَرَابَةً بَكْتَرَهُ ذِكْرُكُمْ إِيَّاهُ؛ به خویشان نیکی کنید با بسیار یاد کردن آنان.»^(۳) یاد کردن ممکن است به سلام دادن، سرکشی، کمک رسانی و دعوت به منزل باشد. اگر جوان به این مسائل توجه کند و ارتباط عمیق با برادر، خواهر و دیگر بستگان برقرار سازد، بی شک، محبوبیتش نزد خدا و بستگان زیاد می شود.

بنابراین، صله رحم و رفتار نیک با نزدیکان از وظایف مهم دینی و اخلاقی اسلام است و عمل به آن از نسل جوان، زیباتر و پسندیده تر است؛

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۲۷.

۳- نهج الفصاحه، ص ۷۹۵.

زیرا جوان، چشم و چراغ خانواده و امید آینده جامعه است و چشم امید اقوام و بستگان به او دوخته شده است که خدمتی از باب صله رحم برای آنان بکند. امام باقر(ع) درباره آثار صله رحم می فرماید:

صِلَةُ الْأَرْحَامِ تُزَكِّي الْأَعْمَالَ وَ تُنْمِي الْأَمْوَالَ وَ تَدْفَعُ الْبَلْوَى وَ تُبَيِّرُ الْحِسَابَ وَ تُنْسِيءُ فِي الْأَجَلِ. (۱)

صله رحم، اعمال را پاک، اموال را زیاد، اختلاف را برطرف، حساب را آسان و مرگ را به تأخیر می اندازد.

سیره معصومان(ع) با برادران و خواهران، الگوی جوان در رفتار با بستگان است. رفتار اهل بیت(ع) به ویژه امام حسین(ع) و ابوالفضل العباس(ع) با خواهران و برادران و بستگانشان در مدینه و در سفر به عراق، نمونه کاملی از احساس مسئولیت و رفتار نیک آنان نسبت به نزدیکان است.

(ب) مسئولیت جوان در برابر همسایگان

(ب) مسئولیت جوان در برابر همسایگان

جوان، افزون بر رسیدگی به خانواده و بستگان، با همسایگان نیز باید ارتباط صمیمی و دوستانه داشته باشد. حق همسایه در اسلام بسیار مهم و در شرع نیز رعایت آن بسیار سفارش شده است. همسایگان به دلیل نزدیکی محل سکونت، ارتباط بیشتری با یکدیگر دارند و به طور طبیعی، در حکم یک خانواده بزرگ هستند. خوش رفتاری و بدرفتاری یکی از همسایه ها، در زندگی دیگر همسایه ها تأثیر بسیاری دارد. ممکن است بر اثر خوش رفتاری و برخورد درست جوان با همسایگان، زمینه علاقه آنها به اسلام فراهم شود و برعکس، بر اثر بدرفتاری وی، چه بسا

همسایه ای از دین اسلام فاصله بگیرد. از این رو، لازم است جوانان حقوق همسایه را رعایت کنند.

سیره فاطمه زهرا (س) به عنوان الگوی زن مسلمان، علاوه بر آموزش عملی به فرزندان، در زمینه احترام به همسایه، همه جوانان را به انجام آن فرامی خواند. امام مجتبی (ع) می فرماید:

شبی عبادت های مادرم زهرا (س) را نگاه می کردم، دیدم از اول شب تا نزدیکی صبح مشغول نماز، دعا و مناجات بود و پس از اتمام هر نماز می دیدم که برای همسایه ها دعا می کند. پرسیدم: مادر! چرا برای اهل خانه دعا نمی کنی؟ فرمود: «الجارُ ثم الدار؛ فرزندم! اول باید حق همسایه را ادا کرد، سپس به خانواده رسید».^(۱)

این رفتار حضرت زهرا (س) در خانه و دعا برای همسایگان، نمونه کاملی از اهتمام معصومان (ع) به این امر است. این کار باید در میان خانواده های مسلمان نهادینه شود و هر کدام به همسایه خود احترام بگذارند تا در رفع مشکل ایشان تلاش کنند و گره ای از کار آنان بگشایند.

اگر جوانی در خانه خود شب نشینی کند و شب را با هیاهو به روز برساند، آسایش همسایگانش را برهم می زند. همچنین جوان توانگری که در کاخ زیبای خود با عیش و نوش روزگار می گذرانند، هر لحظه به دل همسایه تنگ دست خود که در کلبه گلی خزیده است، آتش می زند. همانا روزی خواهد رسید که او کیفر کردار خود را می چشد.^(۲) از این رو، در شرع مقدس اسلام، بر ادای حقوق و رعایت حال همسایه بسیار تأکید شده است. پیامبر فرمود:

۱- سید کاظم قزوینی، فاطمه من المهد الی اللحد، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۱۵هـ. ق، ص ۱۸۴.

۲- خلاصه تعالیم اسلام، ص ۱۷۶.

ما زال الجبرائیل یوصینی بالجاری حتی ظننتُ أنه سیورثُهُ. (۱)

جبریل درباره همسایه آن قدر به من سفارش کرد که گمان کردم، خدای متعال همسایه را یکی از وارثان قرار خواهد داد.

و نیز فرمود: «لایدخلُ الجنةَ عبدٌ لا یأمنُ جارهُ بوائِقَهُ؛ به بهشت نمی رود آن که همسایه از شرش در امان نیست.» (۲) به هر صورت، وظیفه جوان، نیکی به همسایگان است و اگر او به آنها خدمت کرد، به یقین، در دنیا، عزیز و با شرافت و در آخرت سعادت‌مند خواهد شد.

ج) مسئولیت جوان در برابر جامعه اسلامی

اشاره

ج) مسئولیت جوان در برابر جامعه اسلامی

جامعه به منزله خانواده ای بزرگ است. همان گونه که جوان در برابر اعضای خانواده مسئولیت دارد، در برابر اجتماعی هم که در آن زندگی می کند، وظیفه دارد. مسئولیت های اجتماعی جوان زیاد است که در اینجا به مهم ترین آن ها اشاره می شود.

یک _ مسئولیت سیاسی و اجتماعی جوان

یک _ مسئولیت سیاسی و اجتماعی جوان

جوان در قبال نظام سیاسی جامعه مسئولیت بزرگی دارد. به ویژه اگر نظام حاکم، از نظر دینی و قانونی، مشروع باشد، وظیفه او مهم تر است و باید از آن حمایت کند و در حفظ و تقویتش بکوشد. امام خمینی رحمه الله خطاب به جوانان می فرماید:

شما جوانان تحصیل کرده در هر جا هستید وظایف خطیری دارید، وظیفه دفاع از اسلام که به عهده هر فرد مسلمان است، وظیفه شناساندن اسلام بزرگ به جوامع بشری. شما ها باید اسلام را معرفی کنید تا رژیم ها و حکومت ها بفهمند معنی حکومت و پاسداری ملت را؛ تا جوامع بشری

۱- نهج الفصاحه، ص ۷۰۰.

۲- نهج الفصاحه، ص ۶۸۱.

بدانند اسلام چه نوع حکومت می خواهد؛ تا افکار غلطی که به واسطه عمال استعمار به جوان های ما تحمیل شده است تغییر کند. بکوشید و خود به احکام اسلام عمل کنید و دیگران را وادار به عمل کنید و پرده های ضخیمی که کج روان بر چهره نورانی اسلام افکنده اند، برطرف کنید. (۱)

امام رحمه الله در جای دیگری خطاب به جوانان می فرماید:

بر شما جوانان ارزنده اسلام که مایه امید مسلمانان هستید، لازم است که ملت ها را آگاه سازید و نقشه های شوم و خانمان سوز استعمارگران را برملا نمایید، در شناسایی اسلام بیشتر جدیت کنید، تعالیم مقدسه قرآن را بیاموزید و به کار بندید. با کمال اخلاص در نشر، تبلیغ و معرفی اسلام به ملل دیگر و پیشبرد آرمان های بزرگ اسلام بکوشید، برای اجرا کردن حکومت اسلامی و بررسی مسائل آن اهتمام بیشتری به خرج دهید، مذهب و مجهز شوید، متحد و متشکل شده، صفوف خود را فشرده تر سازید، هرچه بیشتر هم فکر و انسان فداکار بسازید. از برملا کردن نقشه های دستگاه جبار علیه اسلام و مسلمانان غفلت نورزید، صدای برادران رنج دیده و مسلمان را به دنیا برسانید و با آنان همدردی کنید. (۲)

در این کلام امام خمینی رحمه الله به جنبه های مختلف مسئولیت جوانان اشاره شده است. دفاع از اسلام و ارزش های دینی، چیزی است که نسل جوان ضمن باور داشتن به آنها باید به دیگران نیز معرفی کند؛ یعنی جوان مسلمان هم باید به احکام دینی عمل کند و هم مبلغ اسلام و قرآن باشد. چنان که جوانان صدر اسلام هم به دستورهای دینی عمل می کردند و هم مبلغ آن بودند. این امر در زمان حاضر نیز از راه گفتار و نوشتار انجام شدنی است. جوان امروز، می تواند با حضور در شبکه های رادیو و تلویزیون، سخنرانی

۱- صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۸۴.

۲- صحیفه نور، ج ۱، ص ۳۲۹.

در مجامع عمومی، نوشتن کتاب و مقاله معارف اسلام را به دیگران منتقل سازد. امام خمینی رحمه الله در بیان دیگری می فرماید:

شما جوان هستید، شما قدرتمند هستید، شما برومندید. من این جوان های برومند را که می بینم، افتخار می کنم؛ لکن شما جوان ها، امروز جوان هایی هستید که پاسدار اسلامید. پاسداران اسلام باید احتراز کنند از تمام چیزهایی که برخلاف اسلام است. نفوس خودتان را تربیت کنید، تهذیب کنید. این دنیا پایان دارد و آنچه می ماند خوبی و بدی است. صفحه اعمالتان منور به نور اسلام باشید، عامل به احکام اسلام باشد تا در همه جا سعادتمند باشید. (۱)

شرکت در انتخابات و مراسم های ملی و اجتماعی در تقویت نظام اسلامی مؤثر است و نسل جوان از این راه می تواند پشتیبان نظام سیاسی خود باشد. جوان علاوه بر اینکه خود باید در امور سیاسی شرکت کند، دیگران را نیز باید به شرکت در آن تشویق کند، مانند شرکت در انتخابات مجلس، ریاست جمهوری و نظیر آن. تجربه نشان داده است شرکت نسل جوان در انتخابات بسیار سرنوشت ساز و تعیین کننده است و می توان گفت هر جناح سیاسی که جوانان گرایش بیشتر به آن داشتند، برنده انتخابات است. از این رو، جوانان ضمن شرکت در انتخابات باید آگاهانه شرکت کنند و آگاهانه رأی بدهند و افرادی را برگزینند که در حفظ اسلام و نظام اسلامی مفیدند.

دو _ مسئولیت جوان در امور فرهنگی جامعه

دو _ مسئولیت جوان در امور فرهنگی جامعه

مسئولیت فرهنگی جوان در جامعه مهم است و جنبه های مختلفی دارد که باید به همه آنها توجه کرد. امام خمینی رحمه الله می فرماید:

کوشش کنید که فرهنگ را فرهنگ اسلامی درست کنید. جوان هایی که در این فرهنگ تربیت می شوند، همان هایی هستند که مقدرات کشور در دست آنهاست. اگر اینها درست بار بیایند، همه خدمت گزار به مردم و امین بیت المال باشند، سعادت جامعه تأمین می شود و همه اینها تحت رهبری اسلام تحقق پیدا می کنند. (۱)

جوان وظیفه دارد فرهنگ جامعه را اسلامی و ارزش های دینی را در اجتماع ترویج کند. اگر جوانان، خود، به فرهنگ اسلام عمل کنند، می توانند مبلغ احکام الهی باشند؛ چرا که تأثیر تبلیغ زبانی همراه با رفتار عملی، به مراتب بیشتر از گفتار است.

امام صادق (ع) می فرماید: «كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَلَا تَكُونُوا دُعَاءَ بِالسِّتَاتِكُمْ؛ با رفتارتان، مردم را به سوی حق دعوت کنید، نه صرفاً با زبان و گفتار». (۲)

خداوند امر به معروف و نهی از منکر را به این دلیل واجب کرده است که جاهل ارشاد شود و افراد مؤمن و اهل عمل، جاهلان و بی خبران را آگاه و به وظایفشان رهنمون سازند. علامه طباطبایی می فرماید: «بر هر مؤمنی واجب است که مردم را با بصیرت تمام به سوی خدا دعوت کند و به عنوان انجام یکی از واجبات الهی امر به معروف و نهی از منکر کند». (۳) اگر فریضه امر به معروف و نهی از منکر در جامعه احیا شود، مفسد اجتماعی به کلی ریشه کن می گردد. امام علی (ع) در وصیت به فرزندان حسن و حسین (ع) می فرماید: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ امر به معروف و نهی از منکر را

۱- صحیفه نور، ج ۸، ص ۸۹.

۲- محمدرضا حکیمی و دیگران، الحیاء، ج ۱، ص ۵۲۲.

۳- خودشناسی عرفانی، ص ۴۷.

ترک نکنید؛^(۱) زیرا در صورت اجرای این دستور الهی، ضمن هدایت نادان، هر نوع ظلم و فساد از بین می رود. اصل فلسفه تشریح امر به معروف و نهی از منکر، آگاه سازی توده مردم است. امام علی (ع) فرمود:

وَالْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلَحَةٌ لِلْعَوَامِ وَالنَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ رَدْعًا لِلْسُّفَهَاءِ.

خداوند، امر به معروف را برای اصلاح توده های ناآگاه و نهی از منکر را برای بازداشتن بی خردان از زشتی ها واجب کرده است.^(۲)

بنابراین، یکی از وظایف مهم نسل جوان، اصلاح امور فرهنگی است که باید اوضاع فرهنگی با تربیتی جامعه را با امر به معروف و نهی از منکر بهبود بخشند و قشرهای مختلف مردم را به کارهای نیک دعوت کنند. لقمان حکیم بعد از اقامه نماز به فرزندش دستور می دهد که مجری این دو فریضه الهی در جامعه باشد: «... و أَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ...؛ ... و امر به معروف و نهی از منکر کن...». (لقمان: ۱۷) از این رو، مناسب ترین راه در اصلاح مسائل فرهنگی جامعه، امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا این راهکار هم پشتوانه دینی دارد که خداوند آن را واجب کرده و هم در جامعه از مقبولیت بالایی برخوردار است و توده مردم مسلمان، به احکام اسلامی معتقد و وفادارند. شاید تعداد اندکی مخالف اجرای دستورهای دینی در جامعه باشند که نمی توانند مانع اجرای آن شوند.

سه _ مسئولیت جوان در امور اقتصادی جامعه

بخش دیگری از مسئولیت های جوان در برابر جامعه، به مسائل اقتصادی مردم مربوط است که در این زمینه نباید بی اعتنا باشند. گذران زندگی با اقتصاد و پول و سرمایه ارتباط عمیقی دارد و امروزه از اهمیت ویژه ای برخوردار است. استقلال کشورهای اسلامی تا حد زیادی وابسته به وضعیت

۱- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، نامه ۴۷.

۲- نهج البلاغه، ترجمه: دشتی، کلمه قصار ۲۵۲.

اقتصادی آنهاست. اگر کشوری از نظر اقتصادی قدرتمند باشد، در حوزه سیاست و حاکمیت نیز مستقل خواهد بود. از این رو، تحریم اقتصادی به عنوان مهم ترین اهرم سلطه بر کشورها، در اختیار دولت های بزرگ دنیا قرار گرفته است. نسل جوان باید در زمینه اقتصاد کشور فعالیت گسترده داشته باشد تا ضمن تأمین نیازهای ضروری مردم، استقلال کشور را تضمین کند. علامه طباطبایی می فرماید:

بر جوانان جامعه اسلامی به حکم فطرت واجب است که همیشه و در هر حال تا آنجا که می توانند و به همان مقداری که احتمال می دهند دشمنشان مجهز باشد، جامعه خود را مجهز کنند؛ زیرا دشمن منافع جامعه اسلامی، دشمن منافع تمامی افراد مسلمان است و بر همه واجب است که قیام کنند و دشمن را از خود و از منافع خود دفع کنند. (۱)

به نظر علامه طباطبایی، نظام آفرینش بر اساس کار و فعالیت استوار است و کار و تلاش، تنها ضامن بقای هر آفریده ای است. انسان، موجودی است که نیازهایش به مراتب از نیازهای دیگر مخلوقات بیشتر است. از این رو، کار و فعالیت بر بشر لازم شده است. جوان باید متناسب با ذوق و استعداد خود، یکی از این همه حرفه و صنعت را که خدای متعال، فکر انسان را به سوی آنها هدایت فرموده است، انتخاب کند و از این راه هم رزق و روزی خود را به دست آورد و هم باری از بارهای اجتماع را به دوش کشد و در آسودگی مردم سهیم شود. جوان بیکار ارزش ندارد و اسلام از بیکاری و تبلی به شدت نهی کرده است. جوان باید با فعالیت و تلاش، نیازهای فردی و خانوادگی و اجتماعی خود را تأمین کند. (۲)

۱- المیزان، ج ۹، ص ۱۵۱.

۲- خلاصه تعالیم اسلام، ص ۲۰۴.

کار و کوشش، راهی است که خدا پیش پای جوان نهاده است تا او با پیمودن آن، سعادت زندگی خود را دریابد؛ زیرا انحراف از مجرای خلقت و طبیعت _ اگرچه بسیار کم باشد _ جز به ضرر انسان تمام نخواهد شد. به یقین، انحراف از امری که اساس زندگی بر آن استوار است، جز بدبختی دنیا و آخرت دربر نخواهد داشت. (۱)

اقتصاد، عرصه های گوناگونی دارد و جوانان می توانند در همه آن عرصه ها نقش آفرینی کنند و به ویژه فعالیت نسل جوان در زمینه کشاورزی اهمیت خاصی دارد. امروزه تولید محصولات کشاورزی می تواند جامعه را از وابستگی به بیگانگان نجات و آن را در مسیر رشد و ترقی و توسعه همه جانبه قرار دهد. خودکفایی در نیازمندی های زندگی و دست یابی به استقلال سیاسی کشور با پیشرفت در تولیدات کشاورزی ارتباط مستقیم دارد؛ زیرا فرآورده های کشاورزی، بخش بزرگی از نیازهای جامعه را تأمین می کند. اگر جامعه ای در تولید گندم، حبوبات، میوه جات و دیگر محصولات پر مصرف کشاورزی به خودکفایی برسد، بی شک، در بسیاری از جنبه های سیاسی و اجتماعی به استقلال خواهد رسید. فعالیت کشاورزی علاوه بر اهمیت اقتصادی آن، از ارزش والای دینی نیز برخوردار است. پیامبر خدا می فرماید:

مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ انْسَانٌ أَوْ طَيْرٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ... (۲)

۱- خلاصه تعالیم اسلام، ص ۲۰۶.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص ۲۲۶.

هر مسلمانی که نهالی بنشانند یا کشتی بکارند و انسان، پرنده یا حیوانی از آن استفاده کند، هر کدام صدقه ای برای او حساب می شود.

کشاورزی کار انبیا بود و امام صادق(ع) در این باره می فرماید:

مَا فِي الْأَعْمَالِ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الزَّرْعَةِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا زَرَعًا إِلَّا إِدْرِيْسَ فَإِنَّهُ كَانَ خَيْطًا. (۱)

شغلی نزد خدای بزرگ محبوب تر از کشاورزی نیست و خداوند پیامبری را نفرستاد، مگر آن که او کشاورز بود، جز ادريس که حرفه خیاطی داشت.

۴. مسئولیت جوان در برابر طبیعت

اشاره

منظور از طبیعت، همه پدیده های پیرامون جوان است که به نوعی با آنها سروکار دارد و برای بقای خود از آن بهره می برد. جوان در دل طبیعت زندگی می کند و با انواع پدیده های طبیعی مانوس است. در خانواده، جامعه، کوچه و خیابان، پارک و میدان، باغ و بوستان هر جا قدم می گذارد، در طبیعت راه می رود و از فرآورده های طبیعی استفاده می کند. خوراکی ها و پوشاک ها با انواع مختلف و رنگ های گوناگون از طبیعت استخراج می شود و به صورت زیبا و جذاب در برابر جوانان خودنمایی می کند.

خداوند همه مادیات را برای انسان آفریده است و در این باره می فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...؛ اوست آن کسی که همه آنچه را در زمین است، برای شما آفرید...». (بقره: ۲۹) آنچه در زمین وجود دارد برای رفاه و آسایش بشر آفریده شده است تا بشر در زندگی خویش از آنها بهره ببرد و با

آسایش و خوشی زندگی کند. جوان در برابر همه آنها مسئولیت دارد و باید به وظیفه خود عمل کند. در استفاده از طبیعت، حفظ طبیعت و رعایت اعتدال در بهره برداری از محصولات طبیعی وظایف گوناگون دارد.

الف) مسئولیت حفظ محیط زیست

الف) مسئولیت حفظ محیط زیست

جوان علاوه بر مسئولیت در برابر خدا و دیگران، در برابر طبیعت و محیطی که در آن زندگی می کند، وظایفی دارد. یکی از مسئولیت های مهم جوان نسبت به طبیعت، حفظ آن محیط و پدیده های طبیعی پیرامون آن از نابودی است. اسلام دستورهای مختلفی درباره حفظ محیط زیست دارد که از قرآن کریم و روایت های معصومان(ع) به دست می آید و از مجموع آنها می توان برنامه دقیق و مناسبی برای حیات زیست محیطی تنظیم کرد. قرآن در موارد بسیار و به مناسبت های مختلف، درباره طبیعت سخن گفته و از زمین و آسمان و مخلوقات گوناگون نام برده است، ولی هدف قرآن از ذکر آنها، هدایت انسان به خدا و پرورش جنبه معنوی او بوده است. (۱) ذکر ماه و خورشید، ستارگان و کهکشان ها، زمین و آنچه در زمین است، پیام توحیدی روشنی دارد و به این نکته اشاره می کند که همه آنها ملک خدای متعال و در تدبیر و ربوبیت او هستند. (۲) از این رو، وقتی جوانان با این نگرش به زمین و آسمان بنگرند و از نور ماه و خورشید بهره ببرند و از نعمت های زمینی استفاده کنند، زمینه ای برای آنان پدید می آید که بیندیشند و توجه کنند که همه اینها نعمت خداست و برای آسایش آنها آفریده شده اند. اگر جوانان با

۱- کاصد یاسر الزیدی، الطبیعه فی القرآن الکریم، عراق، دارالرشید للنشر، ۱۹۸۰م، ص ۴۶.

۲- کاصد یاسر الزیدی، الطبیعه فی القرآن الکریم، عراق، دارالرشید للنشر، ۱۹۸۰م، ص ۴۹.

این توجه از مادیات بهره ببرند، علاوه بر پرورش اندیشه توحیدی، مسئولیت پذیری جوانان در برابر طبیعت نیز تقویت می شود.

جوانان می توانند از طبیعت بهره های گوناگون ببرند، مانند گردش در جنگل ها، پارک ها، مشاهده منظره های طبیعی، دیدن سبزه و چمن زارهای زیبا و باطراوت و کسب نشاط و شادابی از آنها، به گونه ای که نظیر این حالت در کودکان و بزرگسالان کمتر مشاهده می شود؛ چون طبع جوان زیباپسند است و به زیبایی ها گرایش دارد. مشاهده طبیعت درحالی که برای جوان لذت بخش و نشاط آفرین است، نگه داری آن از اتلاف و آلودگی نیز وظیفه اوست. حفظ پاکیزگی و رعایت بهداشت در محیط های طبیعی و فضاهای تفریحی اهمیت زیادی دارد و اگر به این امر توجه نشود، ممکن است زمینه پیدایش بسیاری از بیماری های واگیری و درمان پذیر را فراهم آورد. از این رو، اسلام بر رعایت پاکیزگی به عنوان یک دستور عمومی تأکید فراوان داشته و آن را جزئی از ایمان شمرده است. (۱) اهتمام نسل جوان به رعایت پاکیزگی در محیط های عمومی و منظره های طبیعی، بی شک، مشمول این دستور کلی اسلام است و آنان موظف به انجام آن هستند.

بنابراین، رعایت پاکیزگی محیط زیست و فضاهای عمومی از دیگر مسئولیت های جوانان است؛ از جمله مکان هایی مانند محل تفریح و بازی، میدان ورزش و فوتبال، کوه و جنگل و هر جا را که به صورت فردی یا جمعی قدم می گذارند، نباید آلوده کنند، بلکه باید در حفظ سلامت و پاکیزگی آن بکوشند. آلودگی محیط زیست و نامناسب بودن

۱- رسول خدا صلی الله علیه و آله: «النجافه من الایمان؛ پاکیزگی از ایمان است.» (نهج الفصاحه، ص ۱۱۴)

آب و هوای کشورها از مسائل مهم و قابل توجهی است که امروزه به بحران جهانی تبدیل شده است. به نوشته برخی نویسندگان، «فجایع زیست محیطی، همانند سرطان در اجزای سیاره ما در حال ریشه دواندن است که عدم توجه به آنها می تواند پایه های زندگی ساکنان این سیاره را در آینده ی نه چندان دور فرو ریزد.»^(۱) همه مردم، به ویژه جوانان در این باره مسئولیت بزرگ دارند و باید تا آنجا که می توانند برای نگه داری محیط زیست از آلودگی تلاش کنند.

پیامبر اسلام می فرماید:

تَنْظِفُوا بَكُلِّ مَا اسْتَطَعْتُمْ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ وَ لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا كُلٌّ نَظِيفٌ. (۲)

هر قدر می توانید پاکیزگی را رعایت کنید؛ زیرا خداوند دین اسلام را بر پاکیزگی بنا کرده است و وارد بهشت نمی شوند مگر پاکیزگان.

رعایت نکردن حفظ محیط زیست افزون بر آن که در به خطر انداختن بهداشت و سلامت جامعه نقش اساسی دارد، جنبه حقوقی نیز دارد؛ زیرا آلوده کردن محیط زیست، تجاوز به حقوق دیگران به شمار می آید و به انسان های دیگر ضرر می رساند. چه بسا ممکن است این امر، عامل مرگ افراد مبتلا به بیماری های تنفسی شود. چه اینکه مکان های عمومی، به فرد خاصی اختصاص ندارد و مربوط به همه مردم است، اعم از نسل جوان، خانواده ها و دیگر قشرهای جامعه. بنابراین، لازم است که جوانان در حفظ

۱- صادق اصغری لقمجانی، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۲.

۲- نهج الفصاحه، ص ۳۹۱.

پاکیزگی و بهداشت فضاهای عمومی و محیطی که در آن به سر می برند، نهایت اهتمام را داشته باشند و به وظیفه خویش در این زمینه عمل کنند.

(ب) صرفه جویی در نعمت های الهی

(ب) صرفه جویی در نعمت های الهی

خداوند نعمت های فراوانی به عموم انسان ها به ویژه جوانان ارزانی داشته است که نمی توان آنها را برشمرد. قرآن کریم می فرماید: «... و إِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ وَ لَا تُحْصُوهَا؛ و اگر نعمت های خدا را شماره کنید، نمی توانید آن را بشمارید...» (ابراهیم: ۳۴) جوان در برابر نعمت های الهی باید شاکر و سپاس گزار باشد و قدر آنها را بداند. اگر او شکر گزار بود، خداوند ضمن برقراری نعمت های گذشته، رزق و روزی وی را نیز افزون می کند. خداوند می فرماید:

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ. (ابراهیم: ۷)

و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاس گزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی کنید، همانا عذاب من سخت خواهد بود.

بنابراین، شکر نعمت بر همه مردم، به ویژه جوانان که علاوه بر نعمت های مشترک با دیگران، از نعمت بزرگ جوانی نیز برخوردارند، واجب است و باید قدردان آن باشند.

صرفه جویی در نعمت های خداوند نیز در آیات و روایات سفارش شده است. نسل جوان نباید در استفاده از مواهب الهی زیاده روی کند و راه اسراف در پیش گیرد. قرآن کریم می فرماید: «وَكُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ و بخورید و بیاشامید، [ولی] اسراف نکنید که او اسراف کاران را دوست نمی دارد...». (اعراف: ۳۱) اسراف به معنای زیاده روی در استفاده از امکاناتی

است که در اختیار جوان قرار دارد، بلکه هرگونه تصرف غیر ضروری در منابع و فرآورده های مادی را دربر می گیرد. اگر جوانی در خوراک و پوشاک، آب و برق و گاز و ... بیش از رفع نیاز، استفاده کند، اسراف کرده و از نظر شرع، حرام است. بر این اساس، وظیفه جوان است که ضمن بهره برداری درست از امکانات، به صرفه جویی در آن حساس باشد و چیزی را بی جا و در موارد غیر ضروری مصرف نکند؛ چراکه اسراف، گناه بزرگی است و خداوند اسراف کاران را دشمن می داند.

خداوند اعطای نعمت به جوانانی را که در زندگی خود صرفه جویی می کنند و شکرگزار نعمت های او هستند، تداوم می بخشد. پیامبر درباره صرفه جویی می فرماید:

ثَلَاثٌ فِيهِنَّ الْبِرُّ: الْبَيْعُ إِلَى أَجَلٍ وَالْمَقَارَضَةُ وَاجْتِلَاطُ الْبُرِّ بِالشَّعِيرِ لِلْبَيْتِ لَا لِلْبَيْعِ. (۱)

سه چیز برکت می آورد: نسیه فروختن، به یکدیگر وام دادن و آمیختن گندم به جو برای خوردن، نه برای فروختن.

مخلوط کردن گندم با جو در جاهایی که تولید جو بیشتر است، یک نوع صرفه جویی به شمار می رود و پیامبر آن را مایه خیر و برکت دانسته است. جوانان باید به خوراکی های ساده و ارزان قیمت عادت کنند تا در هنگام ضرورت، به جز گندم از چیزهای دیگر، مانند جو نیز استفاده کنند.

ج) استفاده بهینه از سرمایه های طبیعی

ج) استفاده بهینه از سرمایه های طبیعی

استفاده بهینه به معنای آن است که جوان در عین صرفه جویی و بهره مندی از امکانات موجود، حداکثر استفاده از آن را ببرد؛ یعنی با حداقل امکانات، بیشترین کار را انجام دهد. این امر در شرایط امروز که جهان با افزایش جمعیت و کمبود منابع طبیعی روبه روست، اهمیت زیادی دارد و مصرف کنندگان باید به آن توجه کنند. چه بسا جوانانی که امکانات را هدر می دهند و با مصرف کردن آنها، نتیجه ای که به دست می آورند، بسیار اندک است. برای مثال، جوانی کشاورز ممکن است با مقدار آبی معین در مزرعه نتواند به اندازه ای کافی مزرعه را آبیاری کند، ولی جوان دیگری که تجربه بیشتری دارد و فنون کشاورزی را می داند، با همان مقدار آب تمام مزرعه را آبیاری می کند. نسل جوان باید شیوه بهره گیری از منابع را فراگیرد و بتواند از کمترین امکانات، بیشترین استفاده را ببرد. جوان سرمایه های بسیاری در اختیار دارد که توجه به آنها مهم است؛ زیرا ممکن است جوانی درک نکند هر آنچه می بیند و از آن استفاده می کند، سرمایه خدایی و نعمت الهی است.

بالاترین سرمایه برای جوان سرمایه عمر و جوانی اوست که نباید جوانی را به هدر دهد و بهره مناسبی از آن نبرد. هیچ چیز به ارزش جوانی نمی رسد و نباید آن را رایگان از دست داد. اسراف در عمر و نعمت جوانی بالاترین خسران را به همراه دارد که اصلاً جبران شدنی نیست؛ زیرا خسارت های مالی از هر نوع آن قابل جبران است، ولی عمر از دست رفته را نمی توان برگرداند. از این رو، مراقبت و استفاده بهینه از سرمایه عمر و جوانی

بسیار مهم است و در روایات اسلامی فراوان بر آن تأکید شده است. علی (ع) می فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ لَأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةُ فَلَاتَتَّبِعُوها الْآبِهَاءُ؛ برای جان های شما بهایی وجود ندارد، جز بهشت. پس خود را به غیر آن نفروشید.» (۱) در جمله ای دیگر می فرماید: «ثَمَنُ الْجَنَّةِ الْعَمَلُ الصَّالِحُ؛ بهای بهشت، فقط عمل صالح و شایسته است.» (۲) به فرموده آن حضرت، بهشت را با اعمال صالح می توان خرید، نه با چیز دیگر. بر این اساس، وظیفه نسل جوان، استفاده بهینه از تمام سرمایه های زندگی، به ویژه سرمایه جوانی است که باید در مصرف آن کمال دقت و مراقبت را داشته باشد تا مبادا آن را رایگان از دست بدهد.

در استفاده از سرمایه های طبیعی و مادی نیز باید دقت کرد و با کمترین سرمایه، بیشترین بهره را برد؛ چراکه منابع طبیعی هر اندازه فراوان باشد، به سوی نابودی پیش می رود و اگر در استفاده از آن زیاده روی شود، ممکن است جهان با بحران انرژی روبه رو شود. بحران در زمینه نفت و گاز، آب و برق، با روش بهره برداری از منابع طبیعی و زیرزمینی رابطه مستقیم دارد. از آنجا که جوانان بنا به طبیعت خود، زیباپسند و نوعاً تجمل گرا هستند، اگر به دستورهای اسلام توجه نکنند به دام اسراف و تبذیر گرفتار می شوند و روش افراط گرایانه ای را نسبت به امکانات مادی در پیش خواهند گرفت.

۱- همان، ج ۷۰، ص ۱۳۲.

۲- منتخب میزان الحکمه، ص ۱۰۵.

کتاب نامه

کتاب نامه

□ قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

□ نهج البلاغه.

۱. آذرتاش، آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی- فارسی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۱.

۲. آملی، عبدالواحد، شرح غررالحکم و دررالکلم، شرح: محمد خوانساری، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.

۳. آملی، سیدحیدر، تفسیر المحيط الاعظم، تحقیق: سید محسن موسوی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ هـ. ق.

۴. ابن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۶ هـ. ق.

۵. ابن شعبه، حرانی، تحف العقول، ترجمه: احمد جنتی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۲.

۶. ابن هشام، سیره النبویه، ترجمه: هاشم رسولی، تهران، کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۶.

۷. ابوشهبه، محمد، سیره النبویه، دمشق، دارالقلم، ۱۴۱۲ هـ. ق.

۸. اتکینسون، ریتال و دیگران، زمینه روان شناسی، ترجمه: محمدنقی براهنی و همراهان، تهران، رشد، ۱۳۶۶.
۹. اصغری لقمجانی، صادق، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸.
۱۰. انیس، ابراهیم، المعجم الوسیط، قاهره، بی جا، ۱۳۹۲ هـ. ق.
۱۱. پهلوان، منوچهر، جامعه شناسی جوانان، بابل، کمال الملک، ۱۳۸۴.
۱۲. حاجی ده آبادی، محمدعلی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵.
۱۳. حجتی، محمدباقر، اسلام و تعلیم و تربیت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۰.
۱۴. حر عاملی، محمد، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۱۵. حسینی، سید مصطفی، معارف معاریف، انتشارات صدر، ۱۳۷۶.
۱۶. خادمی کوشا، محمدعلی، جوان در پرتو اهل بیت: قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۱۸. رخشاد، محمدحسین، در محضر علامه طباطبایی، قم، انتشارات سماء قلم، ۱۳۸۲.
۱۹. رمضان البوطی، محمد سعید، فقه السیره النبویه، بیروت، دارالفکر المعاصر، ۱۴۱۱ هـ. ق / ۱۹۹۱ م.
۲۰. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۲۱. سپهر، میرزا محمدتقی، ناسخ التواریخ، تهران، کتابچی، ۱۳۷۹.

۲۲. سید محمدی، یحیی، روان شناسی یادگیری، تهران، نشر روان، ۱۳۸۲.
۲۳. شاملو، سعید، آسیب شناسی روانی، تهران، شرکت سهامی چهر، ۱۳۶۴.
۲۴. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، ۱۳۸۰.
۲۵. شعاری نژاد، علی اکبر، روان شناسی رشد، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۲.
۲۶. شولتر، دوآن، نظریه های شخصیت، ترجمه: یحیی سیدمحمدی، تهران، مؤسسه نشر هما، ۱۳۷۷.
۲۷. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۲۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان (عربی)، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
۲۹. _____، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، بی تا.
۳۰. _____، خلاصه تعالیم اسلام، تهران، انتشارات کعبه، چاپ دوازدهم، بی تا.
۳۱. طبسی مروّجی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت:، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۳.
۳۲. عندلیب، حمزه، نحن و الاولاد، قم، دلیل ما، ۱۳۸۰.
۳۳. فرجاد، محمدحسین و دیگران، اعتیاد، تهران، بی نا، چاپ سوم، ۱۳۷۴.
۳۴. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی جوان، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۴۴.
۳۵. قزوینی، سید کاظم، فاطمه من المهد الی اللحد، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۱۵ هـ. ق.

۳۶. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، قم، ۱۳۷۶.
۳۷. کلینی، محمد، اصول کافی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۱۳هـ. ق.
۳۸. گروهی از نویسندگان، موسوعه احکام الاطفال و ادلتها، قم، مرکز فقه الائمه الاطهار:، ۱۴۲۸هـ. ق.
۳۹. متقی هندی، علاءالدین، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹هـ. ق.
۴۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳هـ. ق.
۴۱. مجله تربیت، وزارت آموزش و پرورش، شماره ۱، ۱۳۷۰.
۴۲. محمدی ری شهری، محمد، دوستی و محبت در قرآن و حدیث، ترجمه: سیدحسن اسلامی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۲.
۴۳. _____، منتخب میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۰.
۴۴. _____، حکمت نامه جوان، ترجمه: مهدی مهریزی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵.
۴۵. مصباح، مجتبی، فلسفه اخلاق، قم، مؤسسه آموزشی _ پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱.
۴۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۰.
۴۷. مظاهری سیف، حمیدرضا، خودشناسی عرفانی، بی جا، انتشارات نشاط، ۱۳۸۱.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.

٤٩. _____ ، قصه های قرآن، قم، انتشارات مدرسه امیرالمؤمنین ٧، بی تا.

٥٠. موسوی خمینی=، سید روح الله، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی=، ١٣٧٨.

٥١. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، قم، کشف الغطاء، ١٣٨٢.

٥٢. نراقی، ملامهدی، جامع السعادات، نجف، مطبعه الزهراء، چاپ سوم، ١٣٨٣هـ_ق.

٥٣. نهج البلاغه، ترجمه: محمد دشتی، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین، ١٣٧٨.

٥٤. نهج الفصاحه، ترجمه: ابراهیم احمدیان، قم، گلستان ادب، ١٣٨٥.

٥٥. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم، بوستان کتاب، ١٣٨٢.

٥٦. یاسر الزیدی، کاصد، الطبعه فی القرآن الکریم، عراق، دار الرشید للنشر، ١٩٨٠ م.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

